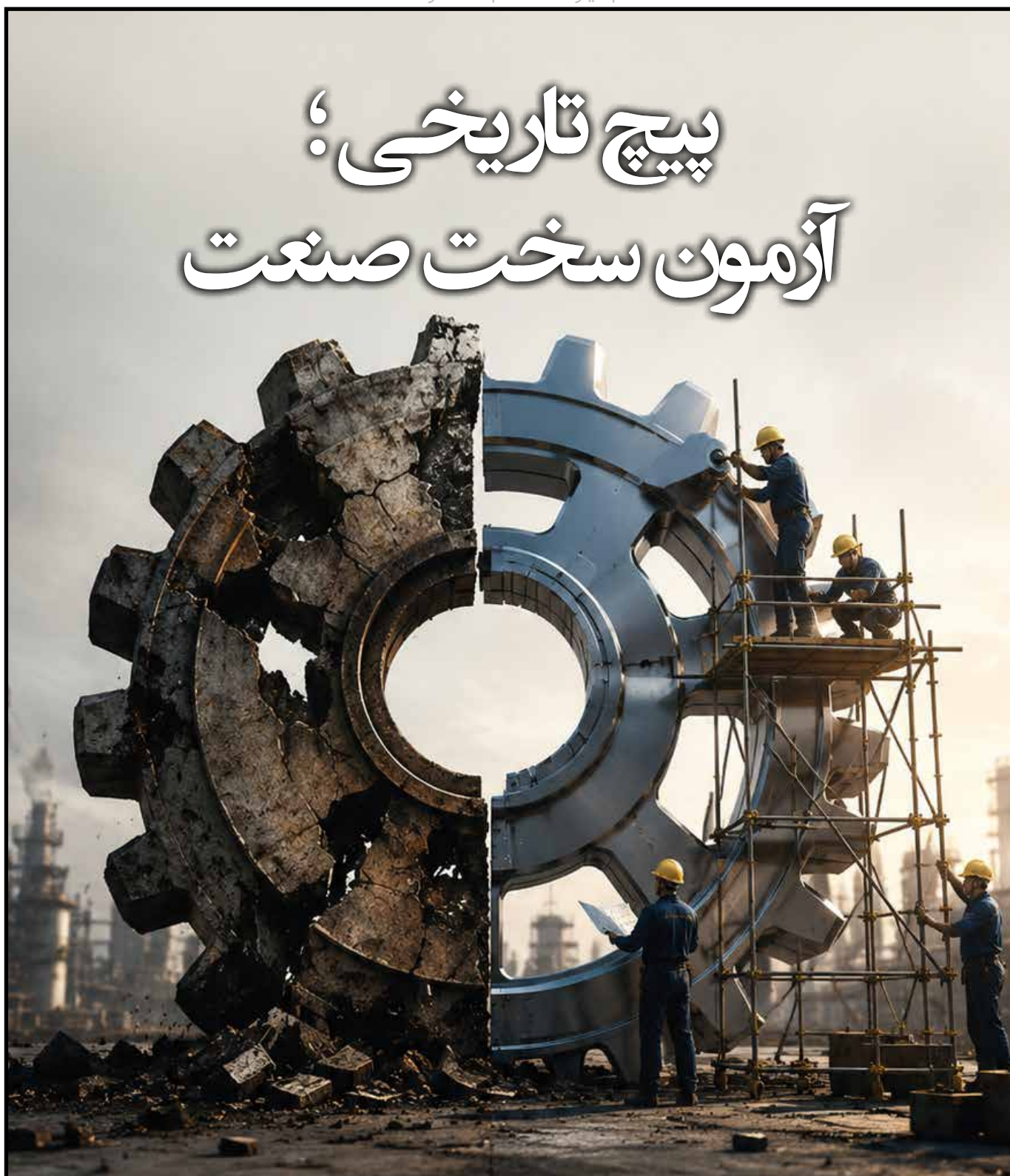


اقتصاد نگار

EGHTESAD NEGAR

تیر ۱۴۰۵ | شماره ۷

پیچ تاریخی؛ آزمون سخت صنعت





کسب تندیس سیمین تعالیٰ سازمانے توسط فولاد هرمزگان

دربین ۹۸ شرکت
صنعتی و خدماتی کشور

روابط عمومی
شرکت فولاد هرمزگان





صنایع فولاد آلیاژی

پاسارگاد

PASARGAD
ALLOY STEEL COMPLEX

بزرگترین تولیدکننده و صادرکننده فولاد بخش خصوصی کشور

محصولات

- بیلت و بلوم
- انواع کلافهای آلیاژی و غیر آلیاژی فولادی
- انواع مقاطع طویل فولادی
- لولههای بدون درز و ...



• نشانی دفتر مرکزی:
تهران، خیابان پاسداران شمالی، خیابان اقدسیه (موحد دانش)، کوچه نسیم، پلاک ۳، ساختمان پاسارگاد

• نشانی مجتمع:
کیلومتر ۶۸ جاده شیراز - جهرم، صنایع فولاد آلیاژی پاسارگاد

• فکس : ۴۲۷۸۳۲۰۰۰ (۰۲۱)

• تلفن : ۴۲۷۸۳۰۰۰ (۰۲۱)

• کدپستی : ۱۹۵۷۷-۳۵۶۵۳

info@pascosteel.com

www.pascosteel.com



ISO 14001:2015



ISO 45001:2018



ISO 9001:2015



ISO 29001:2020



ISO 10002:2018



ISO 10004:2018



ISO 50001:2018



BIS



IATF 16949:2016



گروه مالی
الگوریتم

خدمات گروه مالی الگوریتم:

سرمایه گذاری مستقیم
سرمایه گذاری غیر مستقیم
خدمات سبدگردانی
مشاوره سرمایه گذاری
تامین مالی جمعی
تامین مالی سرمایه ای و بدهی

شرکت های زیر مجموعه:

شرکت سرمایه گذاری
آینده نگر الگوریتم



شرکت سبدگردان الگوریتم



شرکت کارگزاری آینده نگر خوارزمی
kharazmi brokerage co.



صندوق سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت دارا الگوریتم

دارا جهت درست دارایی شما

۴۰%

بازدهی مؤثر سالیانه



رتبه اول بازدهی در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۵

صندوق سرمایه‌گذاری بخشی فرا الگوریتم

فرا فراتر از یک انتخاب

۱۶۳% بازدهی در یکسال

رتبه اول بازدهی یکساله

منتهی به ۲۳ تیرماه سال ۱۴۰۵

در میان صندوق‌های بخشی صنعت غذایی



منطقه آزاد انزلی فرصت طلایی سرمایه‌گذاری

ANZALI FREE ZONE GOLDEN OPPORTUNITY OF INVESTMENT



عملکرد چشمگیر فولاد غدیر نی ریز

آمار ۹ ماهه سال مالی ۱۴۰۴-۱۴۰۵



مقایسه با آمار ۹ ماهه سال مالی ۱۴۰۳-۱۴۰۴

تولید شمش: ۸۱,۶۸۹ تن	تولید آهن اسفنجی: ۵۱۰,۸۷۰ تن	فروش شمش صادراتی: ۰
فروش داخلی شمش: ۶۶,۱۵۱ تن	درآمد فروش: ۸ هزار و ۶۰۵ میلیارد تومان	عرضه بورس کالا: ۱۵۵,۳۰۰ تن

روابط عمومی و امور بین الملل
شرکت فولاد غدیر نی ریز



VADIA GROUP

INDUSTRIAL & TRADING HOLDING

فولاد صنعت شادآور

FOOLAD SANAT SHADAVAR



نماینده فروش مستقیم

ورق های سیاه اکسین و گیلان

گريدها

ST37 , ST52 , ST22 ,

A516 , A283 , 34CROM

مدیریت حرفه ای و پایدار

زنجیره تامین در صنعت فولاد برای صنایع پایین دستی



تامین مستقیم ورق های سیاه
از تولیدکنندگان معتبر داخلی



کیفیت تضمین شده
و آتالیز معتبر



تحویل سریع
به سراسر کشور



info@shadavarsteel.com



www.shadavarsteel.com



021 71027

021 22025000



آقای مهندس وحید هاشمی
مدیرعامل



تهران، ولنجک، نبش چهارم شرقی
ساختمان متال، طبقه ۶ واحد ۱۱

آراد تجارت کیمیا مهر

تامین تخصصی ورق های **سرد و گرم** و مقاطع فولادی
از تولیدکنندگان معتبر **چین و روسیه**

مدیریت یکپارچه و پایدار زنجیره تامین **صنایع داخلی**
با تکیه بر **واردات مقاطع فولادی خارجی**



تضمین کیفیت
با کنترل دقیق و استاندارد



تحويل به موقع
در کوتاهترین زمان



info@sheetmarket.ir



www.sheetmarket.ir



021 22015050



آقای مهندس حامد هاشمی
مدیرعامل



تهران، ولنجک، نبش چهارم شرقی
ساختمان متال، طبقه ۶ واحد ۱۲

گروه سرمایه گذاری خوارزمی (و خارزم)

یکی از بزرگ ترین هلدینگ های سرمایه گذاری کشور
در صنایع راهبردی و بازار سرمایه ایران



مأموریت

خلق حداکثر ارزش برای سهامداران از طریق سرمایه گذاری هوشمندانه



چشم انداز

پیشرو در ثروت آفرینی پایدار در بازار سرمایه و اقتصاد ایران



ارزش بازار سرمایه گذاری خوارزمی (و خارزم)

۴۰۸,۸۰۰ میلیارد ریال



راهبردهای کلان

- مدیریت فعال دارایی ها
- توسعه سرمایه گذاری های مولد
- سرمایه گذاری در پروژه های توسعه ای
- بهینه سازی جریان نقدی
- توسعه زیرساخت های مدیریتی
- تقویت حاکمیت شرکتی و شفافیت

حوزه های فعالیت



معدن و صنایع معدنی

کارند صدر جهان

شرکت دانش بنیان اکتشاف، استخراج و فرآوری طلا و مس
ذخیره قطعی معدن: ۶۱.۰۵ میلیون تن کانسنگ طلا/مس



خدمات بازار سرمایه

گروه مالی الگوریتم

- کسب بازدهی فراتر از شاخص کل و فراتر از متوسط اوراق خزانه
- کسب بازدهی موثر سالانه به میزان ۴۰ درصد و رتبه ۱۰ در بین ۸۸ صندوق با درآمد ثابت ETF
- کسب بازدهی موثر سالانه به میزان ۳۸ درصد و رتبه ۴ در بین ۷۶ صندوق با درآمد ثابت صدور و ابطالی
- نظارت بر ۹۷ طرح تأمین مالی جمعی به میزان حدود ۱۸,۱۱۷ میلیارد ریال در ۹ ماهه منتهی به ۲۹ اسفند ۱۴۰۴
- راه اندازی واحد هوش مصنوعی



برق و انرژی

گروه برق و انرژی سپهر

- تولید ۷,۱۸۶,۳۴۵ مگاوات ساعت در نیروگاه منتظر قائم
- تولید ۵۷,۲۷۴ مگاوات ساعت در نیروگاه تنکابن
- راه اندازی و تولید آزمایشی (۵۷۰ MWh) نیروگاه طرشت برای پیک ۱۴۰۵
- تامین مالی و اجرای نیروگاه خورشیدی سپهر دامغان
- ساخت داخلی قطعات نیروگاه؛ پیگیری ثبت شرکت دانش بنیان
- سرمایه گذاری در مولدها و نیروگاه های کوچک تولید برق



داروسازی

سینا دارو (دسینا)

- بیش از ۶۰ سال سابقه فعالیت
- تولید ۱۱۴ قلم محصول دارویی
- بیش از ۹۰٪ سهم بازار قطره و پماد چشمی کشور
- توسعه فناوری BFS و مونودوز و محصولات نوین
- رونمایی سه محصول جدید در شهریور ۱۴۰۴
- افزودن دستگاه LAF جدید به خط تولید قدیم



املاک و مستغلات

سرمایه گذاری ساختمانی خوارزمی

- بازوی توسعه املاک و مستغلات گروه
- فعال در کل زنجیره ارزش ساختمان، از تملک زمین تا بهره برداری
- سرمایه گذاری در پروژه های مسکونی، تجاری و اداری
- تمرکز بر مولدسازی دارایی های ملکی
- توسعه پروژه های بزرگ مقیاس و مدیریت تا بهره برداری



بازرگانی داخلی و بین المللی

تجارت گستران خوارزمی

- بازوی تخصصی بازرگانی داخلی و بین المللی گروه
- تامین کالاهای راهبردی، واردات و صادرات
- توسعه بازارهای صادراتی با تمرکز بر صنایع معدنی، انرژی و تولید
- توسعه جریان پایدار ارزی
- تقویت شبکه تامین کنندگان داخلی و خارجی



کارند صدر جهان

بازوی تخصصی معدن و صنایع معدنی گروه خوارزمی — شرکت دانش بنیان
اکتشاف، استخراج و فرآوری طلا و مس

۷/۹۵ میلیون تن

کانسنگ طلای اکسیدی
عیار ۰/۴۴۶ ppm

۵۳/۰۱ میلیون تن

کانسنگ طلای سولفیدی
عیار ۰/۴۴ ppm

۶۱/۰۵ میلیون تن

ذخیره قطعی معدن
(کانسنگ طلا/مس)

زیرساخت و فرآیند تولید



۱۷ کیلومتر

خط انتقال گاز، ظرفیت
۲۵۰۰ m³ / ساعت



۱۰ مگاوات

پست برق احداثی پروژه



۲ × ۱,۵۰۰ m³

مخازن سوخت برای
فلوتاسیون



۵,۳۹۰ متر

حفر گمانه‌های اکتشافی



خط لیچینگ سارت

تولید کاتد مس از
کنسانتره

جایگاه راهبردی کارند در گروه خوارزمی

کارند صدر جهان به عنوان بازوی تخصصی معدن و صنایع معدنی گروه، با تمرکز بر اکتشاف، استخراج و فرآوری طلا و مس، یکی از مهم‌ترین محرک‌های رشد ارزش هلدینگ خوارزمی محسوب می‌شود و زیرساخت‌های لازم برای توسعه پروژه فلوتاسیون را فراهم کرده است.



۲۵

بیست و پنجمین
سال تولید فولاد
در شرق ایران
گرامی بادا



سرآمدی و اعتبار
شرکت مجتمع فولاد خراسان

KHORASAN STEEL COMPLEX COMPANY
www.KSCCO.ir

ربع قرن
تولید، توسعه و اشتغال
پایدار



سایت: www.KSCCO.ir

ایمیل: Info@KSCCO.ir



دورنگار: ۳ و ۰۵۱۴۲۴۵۳۳۳۱

صندوق پستی: ۴۸۸



تلفن: ۰۵۱۴۱۵۲۰۰۰۰

کیلومتر ۱۵ جاده نیشابور به شهر فیروزه



روابط عمومی

فهرست

صفحه	عنوان
۱۲	روایت اقتدار
۱۳	بازگشت به مدار
۱۴	بوروکراسی؛ چالش سرمایه گذاری در معدن
۱۵	ثروت پنهان
۱۶	رقابت، شرط توسعه صنعت
۱۷	معدن؛ پیشران توسعه اقتصاد
۱۸	فولاد در تله ناترازی انرژی
۱۹	مس؛ فلز آینده
۲۰	توقف دریافت های کلان اتاق بازرگانی
۲۱	اصلاح حکمرانی، شرط توسعه خودرو
۲۲	برق در بن بست سرمایه
۲۳	نساجی ایران در دوراهی بقا و رقابت
۲۴	خلق ارزش از زنجیره معدن
۲۷	آینده معدن در عصر مواد معدنی استراتژیک
۲۸	هوشمندسازی؛ آینده معادن
۲۹	جاده دوطرفه دیپلماسی و صنعت
۳۱	موقعیت تعدیل
۳۲	شاخص سرکش
۳۴	زنجیره حیات
۳۶	علامت هشدار
۳۸	جهان در تب کامودیتی ها
۳۹	بازار مس از ثبات تا شتاب
۴۰	چرخش تقاضا
۴۱	صنعت و معدن پشتوانه تاب آوری اقتصاد ایران
۴۲	بهره‌وری؛ مرز رقابت فولاد
۴۳	توسعه فولاد خراسان در سایه ناترازی
۴۴	رشد ۴۹۶ درصدی تولید شمش فولاد در غدیر نی ریز

اقتصادنگار، این شماره را به همه آنان تقدیم می‌کند که در دشوارترین روزها، چراغ تولید را روشن نگه داشتند.

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: آزاده حسینی
زیرنظر: شورای سردبیری
دبیر ویژه نامه: افسانه مسافر
با همکاری: سردار خالدی، امیر امین الرعایا، سمیه نوروزی
گرافیک و صفحه‌آرا: مهتاب بیگی
چاپ: انتشارات پدیدار اندیشه پارسین

ایمیل: EGHTESADNEGAR.CO@gmail.com
وبسایت: EGHTESADNEGAR.COM
تلگرام: eghtesadnegar_ir
اینستاگرام: eghtesadnegar
ایکس: @eghtesadnegar

اقتصادنگار

ماهنامه اقتصادی
ویژه نامه روز صنعت و معدن

تیر ۱۴۰۵ | شماره ۷

july 2026



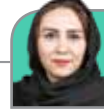
@EGHTESADNEGAR_IR



روایت اقتدار

چگونه صنعت ایران جنگ را پشت سر گذاشت؟

آزاده حسینی



روایت یک سال ایستادگی؛ از ناترازی انرژی و تنش های ژئوپلیتیکی تا تداوم تولید و همبستگی زنجیره صنعت ایران

تاریخ، ملت ها را در روزهای آرام قضاوت نمی کند. آنچه در حافظه تاریخ ماندگار می شود، نحوه ایستادن یک ملت در بزنگاه های دشوار است؛ روزهایی که بحران، تنها زیرساخت ها را نمی آزماید، بلکه اراده، همبستگی و توان یک کشور را نیز به محک می گذارد.

سال گذشته، برای صنعت و معدن ایران، تنها یک دوره تولید نبود؛ آزمونی بود برای سنجش تاب آوری. آزمونی که در آن، صنایع کشور هم زمان با ناترازی انرژی، محدودیت های زیرساختی، نوسانات اقتصادی، فشارهای ناشی از تحریم و تنش های ژئوپلیتیکی روبه رو شدند. جنگ نیز بر این سرزمین سایه افکند؛ بخشی از زیرساخت های انرژی و لجستیک آسیب دید، برخی واحدهای صنعتی از مدار تولید خارج شدند و بسیاری از فعالان اقتصادی، روزهایی را تجربه کردند که شاید در هیچ برنامه ریزی از پیش نوشته شده ای پیش بینی نشده بود.

اما آنچه این دوره را از بسیاری از بحران های گذشته متمایز می کند، نه گستره تهدیدها، بلکه کیفیت واکنش صنعت ایران است.

■ چرخ تولید متوقف نشد

وقتی حلقه ای از زنجیره با مشکل روبه رو شد، حلقه ای دیگر مسئولیت را بر عهده گرفت. کارخانه هایی که ظرفیت بیشتری داشتند، تولید را افزایش دادند؛ واحدهایی که امکان تأمین مواد اولیه را داشتند، جای خالی دیگران را پر کردند و زنجیره ای از تولیدکنندگان، بی آنکه از پیش برای چنین شرایطی طراحی شده باشند، در عمل نشان دادند که مفهوم «زنجیره تولید» تنها یک اصطلاح اقتصادی نیست، بلکه نماد همبستگی صنعتی یک ملت است.

در همین روزها، صنعت ایران با یکی از جدی ترین چالش های سال های اخیر نیز دست و پنجه نرم می کرد؛ ناترازی انرژی. محدودیت های برق و گاز، برنامه ریزی تولید را دشوار کرد، برخی نیروگاه ها و تأسیسات انرژی از مدار خارج شدند و صنایع ناچار بودند در شرایطی فعالیت کنند که دسترسی پایدار به انرژی، دیگر یک مزیت بدیهی نبود. با این حال، کارخانه ها خاموش نشدند و خطوط تولید، هرچند با

دشواری، به حرکت خود ادامه دادند. شاید مهم ترین دستاورد این سال، نه میزان تولید فولاد، سیمان، مس یا آلومینیوم باشد؛ بلکه اثبات یک حقیقت باشد: اقتصاد ایران هنوز بر ستون هایی استوار است که در سخت ترین شرایط نیز فرو نمی ریزند. این ستون ها، نه ساختمان ها هستند و نه ماشین آلات؛ بلکه انسان هایی هستند که تصمیم گرفتند کارخانه خاموش نشود؛ مدیرانی که مسئولیت را پذیرفتند، مهندسانی که راه حل یافتند، کارگرانی که ایستادند و تولیدکنندگانی که منافع ملی را بر دشواری های روزمره ترجیح دادند.

این تجربه، یک پیام روشن برای آینده دارد. اقتدار ملی تنها در عرصه سیاست و دیپلماسی معنا پیدا نمی کند. همان گونه که دیپلماسی، زبان اقتدار یک کشور در جهان است، صنعت، پشتوانه اقتدار آن در درون مرزهاست. هیچ کشوری تنها با منابع طبیعی قدرتمند نشده است؛ کشورها زمانی به قدرت واقعی دست می یابند که بتوانند در دشوارترین شرایط، چرخه تولید، اشتغال و ارزش آفرینی خود را حفظ کنند.

امروز، بیش از هر زمان دیگری، باید به صنعت و معدن نه صرفاً به عنوان بخشی از اقتصاد، بلکه به عنوان ستون امنیت اقتصادی، استقلال ملی و آینده ایران نگریست. سرمایه گذاری در تولید، توسعه فناوری، تقویت زیرساخت ها، رفع موانع تولید و حمایت از زنجیره های صنعتی، دیگر تنها یک انتخاب اقتصادی نیست؛ ضرورتی برای حفظ توان ملی است.

این ویژه نامه، صرفاً مجموعه ای از آمارها و گزارش های صنعتی نیست. این صفحات، روایتی یک سال ایستادگی است؛ روایت صناعی که در دل بحران، از حرکت باز نایستادند؛ روایت زنجیره هایی که اجازه ندادند خللی در تولید کشور ایجاد شود؛ و روایت انسان هایی که باور داشتند آینده ایران، نه در انتظار روزهای آسان، بلکه در دل همین روزهای سخت ساخته می شود.

اکنون که این روزهای دشوار به بخشی از حافظه صنعت ایران تبدیل شده اند، زمان آن رسیده است که از روایت مقاومت، به برنامه توسعه عبور کنیم. حفظ اقتدار صنعتی، تنها با عبور از بحران معنا پیدا نمی کند؛ این اقتدار زمانی ماندگار خواهد شد که تجربه امروز، به تصمیم های بهتر، سرمایه گذاری هوشمندانه تر، بهره وری بالاتر و آینده ای رقابت پذیرتر برای صنعت ایران بینجامد. شاید مهم ترین درس این سال، همین باشد؛ صنعت ایران ظرفیت ایستادگی را دارد و اکنون زمان آن است که این ظرفیت، به موتور پیشرفت کشور تبدیل شود.

بازگشت به مدار

وقتی چرخ صنعت، دوباره به حرکت درآمد

افسانه مسافر



در حافظه هر صنعتی، روزهایی وجود دارد که با آمار تولید، میزان فروش یا رکورد های صادراتی شناخته نمی شوند؛ روزهایی که معیار موفقیت، نه افزایش ظرفیت تولید، بلکه حفظ استمرار فعالیت است. سال گذشته، صنعت ایران یکی از همین روزها را تجربه کرد؛ روزهایی که در پی تنش های ژئوپلیتیکی و حملات به بخشی از زیرساخت های صنعتی و انرژی کشور، برخی واحدهای تولیدی از مدار فعالیت خارج شدند و زنجیره تولید، با یکی از دشوارترین آزمون های سال های اخیر روبه رو شد.

در این میان، مجتمع های صنعتی، پالایشگاه ها، واحدهای فولادی و برخی زیرساخت های انرژی، خسارت هایی را متحمل شدند که می توانست آثار عمیقی بر روند تولید کشور بر جای بگذارد. اما آنچه این مقطع را در تاریخ صنعت ایران متمایز می کند، نه میزان خسارت ها، بلکه سرعت بازگشت و کیفیت واکنش صنعت بود.

کارخانه هایی که آسیب دیدند، بازسازی را آغاز کردند. واحدهایی که امکان ادامه فعالیت داشتند، بخشی از بار تولید را بر عهده گرفتند و زنجیره های تأمین، با وجود فشارهای سنگین، اجازه ندادند حرکت صنعت کشور متوقف شود. در بسیاری از صنایع، اگر حلقه ای از زنجیره با وقفه روبه رو شد، حلقه ای دیگر وظیفه تأمین بازار را بر عهده گرفت. این هماهنگی، نه حاصل دستورالعمل های از پیش تدوین شده، بلکه نتیجه بلوغ صنعتی و تجربه سال های متمادی فعالیت در شرایط دشوار بود.

نماد این ایستادگی را می توان در صنایع بزرگ کشور مشاهده کرد. مجموعه هایی که بخشی از تأسیسات آن ها آسیب دید، در کوتاه ترین زمان ممکن عملیات ارزیابی، ایمن سازی و بازسازی را آغاز کردند و هم زمان، برنامه بازگشت به مدار تولید را در دستور کار قرار دادند. این رویکرد، تنها یک اقدام فنی نبود؛ پیامی روشن برای بازار، فعالان اقتصادی و زنجیره تأمین کشور بود که صنعت ایران، حتی در دشوارترین شرایط نیز متوقف نخواهد شد. این تجربه، اهمیت یک واقعیت را بیش از گذشته آشکار کرد؛ اقتدار صنعتی، تنها در ظرفیت تولید خلاصه نمی شود، بلکه در توان بازیابی و بازگشت پس از بحران معنا پیدا می کند. کارخانه ای که پس از آسیب، دوباره روشن می شود، صرفاً تولید را از سر نمی گیرد؛ اعتماد را نیز به زنجیره تأمین، بازار و اقتصاد بازمی گرداند.

این رخداد، یک واقعیت مهم را نیز آشکار کرد؛ در دنیای امروز، تاب آوری صنعتی به اندازه ظرفیت تولید اهمیت دارد. سال ها، شاخص های توسعه صنعتی با میزان تولید، ظرفیت اسمی یا حجم صادرات سنجیده می شد، اما تجربه ماه های اخیر نشان داد که توان بازگشت پس از بحران، به یکی از مهم ترین معیارهای رقابت پذیری صنایع تبدیل شده است. کارخانه ای که بتواند در کوتاه ترین زمان، زیرساخت های خود را بازیابی کند، زنجیره تأمین را حفظ کند و اعتماد بازار را دوباره به دست آورد، از مزیتی برخوردار است که فراتر از تجهیزات و ماشین آلات است. این مزیت، حاصل برنامه ریزی، سرمایه انسانی، مدیریت بحران و انسجام زنجیره تولید است؛ مؤلفه هایی که ارزش

واقعی آن ها معمولاً تنها در روزهای سخت آشکار می شود. در این میان، نقش نیروی انسانی را نمی توان نادیده گرفت. مدیران، مهندسان، کارگران و متخصصانی که در روزهای پس از بحران، به جای توقف و انتظار، بازسازی را آغاز کردند، نشان دادند مهم ترین سرمایه صنعت ایران، تجهیزات یا ساختمان ها نیست؛ سرمایه واقعی، دانش، تجربه و اراده انسان هایی است که اجازه ندادند چرخه تولید از حرکت بازایستد.

از سوی دیگر، این رخدادها اهمیت تنوع زنجیره های تأمین، توسعه زیرساخت های پشتیبان، مدیریت ریسک و افزایش تاب آوری صنعتی را بیش از پیش آشکار ساخت. امروز دیگر توسعه صنعتی، تنها به معنای افزایش ظرفیت تولید نیست؛ بلکه به معنای ایجاد توانایی برای حفظ تولید در شرایط غیرعادی نیز هست. صنعتی که بتواند در برابر بحران دوام بیاورد و با سرعت به مدار فعالیت بازگردد، از مزیتی برخوردار است که در هیچ گزارش مالی قابل اندازه گیری نیست.

شاید سال ها بعد، آمار تولید این دوره در گزارش های سالانه جای خود را به اعداد تازه تری بدهد، اما آنچه در حافظه صنعت ایران باقی خواهد ماند، تصویری است از کارخانه هایی که پس از خاموشی، دوباره روشن شدند؛ از خطوط تولیدی که بار دیگر به حرکت درآمدند و از زنجیره ای که نشان داد همبستگی، مهم ترین مزیت رقابتی آن است. شاید مهم ترین سرمایه ای که در این روزها شکل گرفت، اعتماد دوباره به ظرفیت صنعت کشور بود. اعتماد به اینکه حتی اگر بخشی از زیرساخت ها آسیب ببیند، شبکه تولید، دانش فنی و سرمایه انسانی می توانند مسیر بازگشت را هموار کنند. این تجربه، تنها یک خاطره از عبور از بحران نیست؛ سرمایه ای است که می تواند در سیاست گذاری صنعتی، برنامه های توسعه و نگاه به آینده، نقشی تعیین کننده داشته باشد. زیرا صنعتی که بازسازی را تجربه کرده است، در برابر بحران های آینده نیز آماده تر، منسجم تر و واقع بینانه تر عمل خواهد کرد.

روایت بازگشت، روایت بازسازی ساختمان ها نیست؛ روایت بازسازی امید است. امیدی که در دل کارخانه ها شکل گرفت، در خطوط تولید جریان یافت و بار دیگر نشان داد که آینده صنعت ایران، نه با نبود بحران، بلکه با توان عبور از بحران ساخته می شود.

«اقتدار صنعت، در روزهای آرام اثبات نمی شود؛ در توان برخاستن پس از هر بحران معنا پیدا می کند»

تاب آوری مهم ترین دستاورد صنعت ایران

- ◆ آغاز عملیات بازسازی واحدهای آسیب دیده در کوتاه ترین زمان ممکن
- ◆ تداوم فعالیت زنجیره تأمین با اتکا به ظرفیت سایر تولیدکنندگان
- ◆ بازگشت تدریجی صنایع و زیرساخت های آسیب دیده به مدار فعالیت
- ◆ حفظ جریان تولید و جلوگیری از توقف گسترده بازار
- ◆ تبدیل تجربه بحران به الگویی برای افزایش تاب آوری صنعتی

رئیس هیات عامل ایمیدرو مطرح کرد:

بوروکراسی؛ چالش سرمایه گذاری در معدن



سرمایه گذاری در بخش معدن، ذاتاً با ریسک های بالایی همراه است، اما، آنچه امروز بیش از ریسک های فنی و اکتشافی، انگیزه سرمایه گذاران را تحت تأثیر قرار می دهد، طولانی بودن فرآیندهای اداری، تعدد استعلام ها و نبود هماهنگی میان دستگاه های اجرایی است.

محمد مسعود سمیعی نژاد رئیس هیات عامل ایمیدرو معتقد است این سازمان مرجع صدور مجوزهای معدنی نیست و از برنامه های این سازمان برای تسهیل فرآیندها، افزایش شفافیت و کاهش ریسک های غیرضروری سرمایه گذاری سخن می گوید؛ موضوعی که از نگاه او، بررسی مهم ترین موانع بروکراتیک پیش روی سرمایه گذاری در بخش معدن را به نقطه آغاز این گفت وگو تبدیل می کند. مشروح این گفت و گو را بخوانید:

رفع موانع بین دستگاهی است. همچنین با توسعه فعالیت های اکتشافی، تولید اطلاعات پایه زمین شناسی، شناسایی فرصت های سرمایه گذاری و ارائه اطلاعات فنی و اقتصادی، تلاش می کنیم ریسک اولیه ورود سرمایه گذاران به این بخش کاهش یابد. در واقع نقش ایمیدرو صدور مجوز نیست، بلکه فراهم کردن بستری شفاف تر، سریع تر و پیش بینی پذیرتر برای سرمایه گذاری و کاهش ریسک های غیرضروری است.

به نظر شما، اصلاح کدام فرآیندهای اداری بیشترین اثر را بر رونق سرمایه گذاری در معدن خواهد داشت؟

در سال های اخیر، راه اندازی سامانه های یکپارچه صدور مجوز، گام مؤثری در افزایش شفافیت و تسهیل امور بوده است، اما همچنان در برخی مراحل، تعدد مراجع تصمیم گیر، طولانی بودن فرآیندها و نبود هماهنگی زمانی میان دستگاه های مختلف، بر سرعت سرمایه گذاری اثر منفی می گذارد.

در بخش معدن، مساله حذف مجوزهای ضروری نیست؛ زیرا بسیاری از این مجوزها برای حفاظت از منابع ملی، محیط زیست و منافع عمومی کشور لازم هستند. آنچه نیازمند اصلاح است، نحوه مدیریت فرآیند صدور مجوزها و کاهش عدم قطعیت برای سرمایه گذار بوده که یکی از مهم ترین نقاط حساس، مرحله اکتشاف است.

سرمایه گذار پس از انتخاب محدوده، باید مراحل مختلفی از جمله بررسی وضعیت محدوده، استعلام از دستگاه های اجرایی، بررسی محدودیت های منابع طبیعی، محیط زیست و سایر مراجع را طی کند و در این مرحله، زمان به عاملی برای افزایش ریسک تبدیل می شود.

بر اساس آمار موجود، از مجموع درخواست های ارسال شده در چارچوب اجرای ماده ۲۴ قانون معادن، ۸۵ درصد درخواست های ارسال به اداره منابع طبیعی، ۷۰ درصد درخواست های مربوط به سازمان حفاظت محیط زیست و ۵ درصد درخواست های ارسال شده به سازمان انرژی اتمی با مخالفت مواجه شده اند.

به اعتقاد من، باید میان ضرورت وجود مجوزها و نحوه مدیریت فرآیند صدور آنها تفکیک قائل شد. اصل وجود بسیاری از مجوزها ضروری است، اما اصلاح فرآیندها، کاهش زمان پاسخگویی و افزایش هماهنگی میان دستگاه های می تواند تأثیر قابل توجهی بر کاهش هزینه و زمان اجرای پروژه های معدنی داشته باشد.

آیا امروز سرمایه گذار در بخش معدن بیش از کمبود منابع، از بروکراسی اداری آسیب می بیند؟

سرمایه گذاری در بخش معدن تحت تأثیر مجموعه ای از عوامل از جمله تأمین مالی، دسترسی به انرژی، زیرساخت ها، ثبات مقررات و فرآیندهای اداری قرار دارد و نمی توان تنها یک عامل را به عنوان مانع اصلی معرفی کرد.

با این حال، واقعیت این است که طولانی شدن برخی فرآیندهای اداری، یکی از چالش های جدی سرمایه گذاری در این بخش محسوب می شود و نیازمند اصلاح است.

هدف نهایی باید این باشد که سرمایه گذار با اطمینان بیشتری وارد حوزه معدن شود و زمان و منابع خود را صرف توسعه پروژه، افزایش تولید و خلق ارزش افزوده کند، نه اینکه بخش قابل توجهی از انرژی خود را در مسیر عبور از فرآیندهای پیچیده و زمان بر اداری صرف کند.

از نگاه شما، مهم ترین مانع بروکراتیک پیش روی سرمایه گذاری در بخش معدن و صنایع معدنی چیست؟

سرمایه گذاری در بخش معدن، به ویژه در مرحله اکتشاف، ذاتاً با ریسک بالا، عدم قطعیت و دوره بازگشت طولانی سرمایه همراه است. سرمایه گذار در این مرحله ممکن است منابع مالی قابل توجهی را صرف مطالعات زمین شناسی، عملیات اکتشافی و حفاری کند، بدون آنکه در نهایت به یک ذخیره اقتصادی دست یابد.

در کنار این ریسک ذاتی، موضوع مهم دیگری نیز وجود دارد و آن ریسک ناشی از فرآیندهای اداری و بروکراتیک است. سرمایه گذار برای آغاز عملیات اکتشاف، علاوه بر دریافت مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت، ناچار است فرآیندهای متعددی از جمله استعلام و هماهنگی با دستگاه هایی مانند منابع طبیعی، سازمان حفاظت محیط زیست و سایر مراجع ذی ربط را طی کند.

بدیهی است این بررسی ها برای صیانت از منابع طبیعی، محیط زیست و منافع عمومی کشور ضروری هستند، اما زمانی که این فرآیندها طولانی، چند مرحله ای و فاقد هماهنگی لازم باشند، خود به عاملی برای افزایش ریسک سرمایه گذاری تبدیل می شوند؛ به ویژه در مرحله اکتشاف که سرمایه گذار هنوز از اقتصادی بودن پروژه اطمینان ندارد و هرگونه تأخیر می تواند بر تصمیم او برای ورود یا ادامه سرمایه گذاری اثر گذار باشد.

معادن از جمله انفال و سرمایه های بین نسلی کشور محسوب می شوند؛ بنابراین دولت باید همزمان دو مسئولیت را دنبال کند؛ نخست حفاظت از این منابع ملی و دوم ایجاد محیطی امن، شفاف و قابل پیش بینی برای فعالیت بخش خصوصی.

ایمیدرو برای تسهیل و کوتاه سازی فرآیند صدور مجوزها چه برنامه ای در دستور کار دارد؟

ایمیدرو به عنوان یک سازمان توسعه ای، مرجع صدور مجوزهای معدنی نیست و این مسئولیت در چارچوب اختیارات قانونی وزارت صمت و سایر دستگاه های ذی ربط انجام می شود. با این حال، یکی از مهم ترین مأموریت های ایمیدرو، تسهیل گری و کاهش موانع توسعه در بخش معدن و صنایع معدنی است.

در این راستا، تمرکز ما بر شناسایی گلوگاه های اجرایی، کاهش زمان های غیرضروری ایجاد هماهنگی میان دستگاه های مرتبط است تا ریسک های ذاتی فعالیت معدنی با ریسک های ناشی از بروکراسی اداری تشدید نشود.

تجربه پروژه های معدنی نشان می دهد که چالش اصلی سرمایه گذاران صرفاً دریافت یک مجوز مشخص نیست، بلکه مجموعه ای از فرآیندها شامل بررسی محدوده های معدنی، استعلام از دستگاه های مختلف، الزامات محیط زیستی، منابع طبیعی و سایر مراجع است که در صورت نبود هماهنگی، زمان آغاز عملیات اجرایی را به شکل محسوسی افزایش می دهد.

این موضوع در مرحله اکتشاف اهمیت بیشتری پیدا می کند؛ چرا که سرمایه گذار در پیرریسک ترین مرحله پروژه قرار دارد و طولانی شدن فرآیندهای اولیه می تواند جذابیت اقتصادی سرمایه گذاری را کاهش دهد.

به همین دلیل، ایمیدرو ضمن شناسایی فرآیندهای بحرانی و نقاط توقف پروژه ها، پیگیر

باید میان ضرورت وجود مجوزها و نحوه مدیریت فرآیند صدور آنها تفکیک قائل شد

ثروت پنهان

عناصر نادر خاکی فرصت طلایی ایران در رقابت جهانی فناوری

سید عباس حسینی

عضو هیات عامل سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو)



گام‌های مؤثری برداشته شده است. توسعه دانش فنی استحصال اکسیدهای تجمعی از کنسانتره آپاتیت، بررسی امکان‌سنجی تولید تمام محصولات در فرآوری فسفات، و استحصال عناصر استراتژیک از باطله‌ها و پسماندهای معدنی و صنعتی از جمله این اقدامات است. دستیابی به فناوری نانو سائز کردن و جداسازی عناصر نادر خاکی و اجرای پروژه‌های پژوهشی روی آنومالی‌های معدنی مختلف، نشان‌دهنده حرکت کشور به سمت فناوری‌های پیشرفته در این حوزه است. همچنین وزارت صمت با راه‌اندازی پورتال تخصصی و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، عزم جدی برای بومی‌سازی دانش فنی در این عرصه دارد.

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار داد، تکمیل زنجیره فرآوری و تولید محصولات نهایی در این حوزه است. پروژه‌هایی نظیر تولید دانش فنی و اثبات فناوری استحصال نیکل و کبالت در مقیاس پایلوت و تولید دانش فنی و اثبات فناوری استحصال لیتیوم از منابع بازیافتی نشان از حرکت به سمت توسعه ارتقای فناوری و دانش فنی و تکمیل این زنجیره دارد.

■ راهکارهایی برای تقویت نقش ایران

کارت برنده ایران در حوزه عناصر نادر خاکی، احیای ذخایر غنی با موقعیت ژئوپلیتیک و دانش فنی مهندسان ایرانی است. بر این اساس راهکارهای عملیاتی زیر می‌تواند به عنوان راهکارهایی برای تقویت نقش کشور در این عرصه پیشنهاد می‌شود:

۱. تبدیل به هاب منطقه‌ای: با راه‌اندازی واحدهای پایلوت و انجام مطالعات فنی-اقتصادی برای احداث واحدهای تولید دی‌اکسید منگنز، قلع غیرممزوج، بازیافت نیکل، کبالت و لیتیوم از باتری‌های مستعمل، ایران می‌تواند به قطب تأمین و فرآوری عناصر نادر خاکی و مواد حیاتی در غرب آسیا تبدیل شود.

۲. مدیریت پسماند و باطله‌ها: پروژه‌های استحصال از باطله‌های معادن موته و زرشوران نه تنها ارزش اقتصادی دارد، بلکه به اقتصاد چرخشی کمک می‌کند.

۳. سرمایه‌گذاری در پژوهش و نوآوری: ادامه حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و اجرای پروژه‌هایی نظیر مطالعات تدوین استراتژی‌های سرمایه‌گذاری و تجاری‌سازی برای پتاسیم، فسفات و لیتیوم ضروری است.

در مجموع می‌توان گفت ایران با اقدامات صورت گرفته از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت، از مرحله شناسایی و تعریف طرح‌های مرتبط با عناصر نادر عبور کرده و وارد فاز اجرایی و عملیاتی شده است. اما ایران برای تبدیل شدن به یک بازیگر مؤثر در زنجیره ارزش جهانی، باید سرمایه‌گذاری در این حوزه را افزایش دهد و از دیپلماسی معدنی برای جذب سرمایه و فناوری بهره برد. عناصر نادر خاکی، اگر با نگاه راهبردی مورد توجه قرار گیرد، نه تنها یک مزیت اقتصادی در حوزه معدن و صنعت، بلکه اهرمی قدرتمند در معادلات ژئوپلیتیک ایران در رقابت‌های جهانی و منطقه‌ای خواهد بود.

عناصر نادر خاکی از دهه‌ها قبل برای شیمی‌دانان، زمین‌شناسان و مهندسان متالورژی شناخته شده و دارای اهمیت علمی و صنعتی بود، اما در سال‌های اخیر به یکی از محورهای اصلی رقابت‌های ژئوپلیتیکی و راهبردی جهان تبدیل شده است. رشد شتابان استفاده از این عناصر در صنایع پیشرفته از جمله الکترونیک و صنایع دیجیتال، خودروهای برقی و هیدرید، انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر، فناوری‌های دفاعی و هوافضا موجب شده است دولت‌ها توجه ویژه‌ای به تأمین پایدار و توسعه زنجیره ارزش آن‌ها داشته باشند. در همین راستا، تصمیم سران گروه هفت (G7) برای ایجاد سازوکاری مشترک در حوزه مواد معدنی حیاتی و کاهش وابستگی به زنجیره تأمین تحت سلطه چین، نشان‌دهنده ورود رقابت بر سر عناصر نادر خاکی به مرحله‌ای جدید است. ایران نیز با برخورداری از ظرفیت‌های قابل توجه در زمینه ذخایر عناصر نادر خاکی و دیگر مواد معدنی حیاتی، طی سال‌های اخیر گام‌های مهمی در اکتشاف، فرآوری و تولید این عناصر برداشته و زمینه را برای ایفای نقش مؤثرتر در زنجیره ارزش این مواد راهبردی فراهم کرده است.

■ عناصر نادر به مثابه طلاهای نامرئی

عناصر نادر خاکی همانند لیتیوم، گرافیت و منگنز، امروزه نه صرفاً موادی معدنی، بلکه حوزه‌ای مرتبط با فناوری‌های پیشرفته و صنایع استراتژیک به شمار می‌روند. در واقع این عناصر زیربنای گذار از عصر کربن به عصر فلزات استراتژیک هستند. عناصر نادر خاکی به دلیل کاربرد گسترده در صنایع دیجیتال، فناوری‌های نوظهور، خودروهای برقی و هیدریدی، انرژی‌های سبز و تجدیدپذیر و غیره، از مهم‌ترین مواد معدنی استراتژیک جهان محسوب می‌شوند و به همین دلیل، توسعه این حوزه به یکی از اولویت‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت تبدیل شده است. رصد بازار داخلی و جهانی مواد معدنی حیاتی و راهبردی و همچنین بررسی سیاست‌های کشورهای هم‌چون چین، روسیه، آمریکا و عربستان نشان می‌دهد که رقابت جهانی بر سر تأمین این مواد نه صرفاً رویکردی اقتصادی که ماهیتی ژئوپلیتیک یافته است.

راه‌اندازی پایلوت‌های تولید اکسیدهای تجمعی عناصر نادر خاکی سبک و سنگین به همت ایمیدرو در مرکز تحقیقات فرآوری مواد معدنی ایران و نیز تولید اکسیدها با عیار بیش از ۹۹ درصد، حکایت از توجه ایران به اهمیت این حوزه روبه‌رشد داشته و نشان‌دهنده ورود کشور به فاز عملیاتی در این زمینه است.

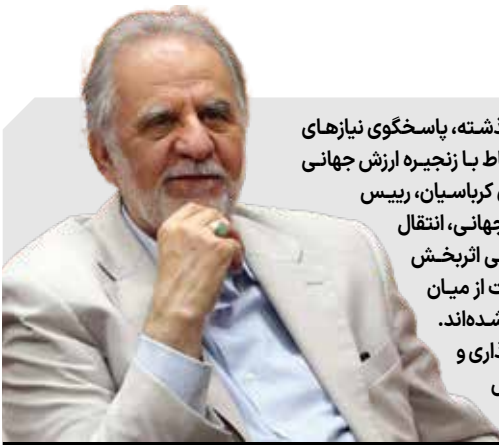
■ مزیت ژئوپلیتیک ایران در حوزه عناصر نادر

رصد بازار داخلی و جهانی مواد معدنی حیاتی و راهبردی نشان می‌دهد، در حالی که چین به عنوان ابرقدرت فعلی زنجیره تأمین عناصر نادر خاکی شناخته می‌شود و به دنبال تنوع بخشی به منابع خود است، ایران با راهبردها و اقداماتی همانند شناسایی ذخایر قابل توجهی نظیر معدن مروست در یزد با ظرفیت ۱۲۵ میلیون تن خاک و دستیابی به فرایند نانو سائز کردن و جداسازی عناصر خاکی، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در نقشه جهانی عناصر نادر خاکی ایفا کند. همچنین پروژه‌های اکتشاف در محدوده‌های گرستان شیطان، آنومالی ۵ ساغند و محدوده سنگان و همچنین اکتشاف فسفات رسوبی بوشهر، بیانگر پتانسیل بالای کشور در این حوزه است.

سیاست‌ها و اقداماتی همانند تدوین «نقشه راه مواد معدنی حیاتی و راهبردی» و «نقشه راه لیتیوم» در کشور نشان‌دهنده آگاهی از این مزیت ژئوپلیتیک است و مسیر تبدیل ایران به بخشی از زنجیره ارزش جهانی را ترسیم می‌کند.

آینده عناصر نادر خاکی در کشور در هنر تبدیل سنگ به فناوری نهفته است و در این زمینه

رییس اسبق هیأت عامل ایمیدرو تاکید کرد: رقابت، شرط توسعه صنعت



صنعت ایران امروز بیش از هر زمان دیگری در نقطه‌ای قرار گرفته که ادامه مسیر با الگوهای گذشته، پاسخگوی نیازهای توسعه نیست. محدودیت‌های ناشی از تحریم، فاصله گرفتن از فناوری‌های نوین، کاهش ارتباط با زنجیره ارزش جهانی و نبود فضای رقابتی، چالش‌هایی هستند که روند نوسازی صنایع کشور را کند کرده‌اند. مهدی کرباسیان، رییس اسبق هیأت عامل ایمیدرو، بر این باور است که توسعه صنعتی بدون تعامل سازنده با اقتصاد جهانی، انتقال فناوری و ایجاد رقابت واقعی امکان‌پذیر نیست. وی معتقد است حمایت از تولید داخلی زمانی اثربخش خواهد بود که به انحصار منجر نشود؛ چراکه تجربه سال‌های گذشته نشان داده هر جا رقابت از میان رفته، کیفیت کاهش و هزینه تولید افزایش پیدا کرده و در نهایت مردم و اقتصاد کشور متضرر شده‌اند. به اعتقاد کرباسیان، عبور از این وضعیت مستلزم حل چالش تحریم‌ها، ایجاد ثبات در سیاست‌گذاری و تقویت دیپلماسی صنعتی است؛ مسیری که می‌تواند زمینه بازگشت صنعت ایران به زنجیره ارزش جهانی و بهره‌گیری از فناوری‌های روز را فراهم کند. مشروح این گفت و گو را بخوانید:

دید، کیفیت محصولات کاهش یافته و در نهایت هم صنایع پایین‌دستی و هم مردم متضرر شده‌اند.

صنعت ایران در عصر فناوری‌های نوین با چه چالش‌هایی برای همگام شدن با تحولات جهانی روبه‌رو است؟

بخش مهمی از پاسخ این سؤال به همان موضوع تعاملات بین‌المللی بازمی‌گردد. امروز فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، تحول دیجیتال و اتوماسیون صنعتی با سرعت بسیار زیادی در جهان در حال توسعه هستند و صنایع پیشرفته هر روز بهره‌وری خود را افزایش می‌دهند. اما زمانی که یک کشور به دلیل تحریم یا محدودیت‌های بین‌المللی امکان دسترسی به فناوری، سرمایه‌گذاری مشترک و همکاری با شرکت‌های بزرگ دنیا را نداشته باشد، طبیعی است که فاصله آن با فناوری‌های روز بیشتر شود. البته ایران از ظرفیت‌های علمی و نیروی انسانی متخصص برخوردار است و دانشمندان و مهندسان ایرانی توانایی بالایی دارند، اما این ظرفیت زمانی به نتیجه مطلوب می‌رسد که امکان تعامل با فناوری‌های جهانی، انتقال دانش و سرمایه‌گذاری مشترک نیز فراهم باشد.

برای افزایش حضور صنعت ایران در بازارهای جهانی، جذب فناوری و توسعه همکاری‌های بین‌المللی، چه اقداماتی باید در اولویت سیاست‌گذاری قرار گیرد؟

مهم‌ترین اولویت، حل مسئله تحریم‌ها و ایجاد ثبات در فضای اقتصادی کشور است. تا زمانی که این مشکل برطرف نشود، توسعه همکاری‌های بین‌المللی با محدودیت‌های جدی روبه‌رو خواهد بود.

نخستین گام آن است که با حفظ عزت و منافع ملی، شرایطی فراهم شود که اقتصاد ایران از فضای بی‌ثباتی خارج شود. سرمایه‌گذار داخلی و خارجی زمانی وارد یک پروژه می‌شود که بتواند آینده را پیش‌بینی کند. یکی از موضوعاتی که در اجلاس داووس ۲۰۲۴ نیز بر آن تأکید شد، اهمیت ثبات سیاست‌گذاری برای جذب سرمایه بود. در ایران، تغییر مداوم مقررات در حوزه‌های ارزی، پولی، مالی، صادرات، واردات، تعرفه‌ها و عوارض، فضای تصمیم‌گیری را برای فعالان اقتصادی دشوار کرده است. این بی‌ثباتی، ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد و انگیزه تولید را کاهش می‌دهد.

پس از ایجاد ثبات، باید توسعه همکاری‌های بین‌المللی و جذب فناوری در اولویت قرار گیرد. اکنون سال‌هاست که روابط اقتصادی ایران با بسیاری از کشورهای صنعتی جهان محدود شده و همین مسئله حتی نقل و انتقال مالی و همکاری شرکت‌های خارجی با ایران را نیز با مشکل مواجه کرده است.

بنابراین اگر مساله تحریم‌ها مدیریت شود، امکان انتقال فناوری، سرمایه‌گذاری مشترک و حضور فعال‌تر صنعت ایران در بازارهای جهانی نیز فراهم خواهد شد. در کنار این موضوع، باید از توان دانشمندان، متخصصان و جوانان ایرانی برای بومی‌سازی فناوری‌ها و ارتقای سطح تولید کشور حداکثر استفاده کرد تا صنعت ایران بتواند جایگاه شایسته خود را در اقتصاد جهانی بازپابد.

در ایران، تغییر مداوم مقررات در حوزه‌های ارزی، پولی، مالی، صادرات، واردات، تعرفه‌ها و عوارض، فضای تصمیم‌گیری را برای فعالان اقتصادی دشوار کرده است. این بی‌ثباتی، ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد و انگیزه تولید را کاهش می‌دهد.

صنعت ایران تا چه اندازه نیازمند تعامل با زنجیره ارزش جهانی است؟ آیا توسعه صنعتی بدون ارتباط مؤثر با بازارها، فناوری و سرمایه‌گذاری بین‌المللی امکان‌پذیر است؟

پاسخ این سؤال کاملاً روشن است. صنعت ایران به دلیل فاصله‌ای که طی سال‌های گذشته با فناوری‌های روز دنیا پیدا کرده، بیش از هر زمان دیگری به تعامل با کشورهای پیشرفته صنعتی نیاز دارد. تجربه نشان می‌دهد هر صنعتی که بتواند از فناوری‌های نوین استفاده کند، علاوه بر کاهش قیمت تمام‌شده محصولات خود و مدیریت مصرف انرژی و آب، کیفیت تولید را نیز می‌تواند ارتقا بخشد و در نهایت رضایت مشتری را افزایش می‌دهد. البته در کنار بهره‌گیری از فناوری‌های خارجی، باید از ظرفیت‌های داخلی نیز به بهترین شکل استفاده کنیم. نیروی انسانی متخصص، منابع انرژی و سایر مزیت‌های کشور سرمایه‌هایی هستند که می‌توانند در کنار انتقال فناوری، به رشد صنعت کمک کنند. اما واقعیت این است که کشورهایایی که از تعاملات بین‌المللی فاصله گرفته‌اند، معمولاً با کاهش رشد اقتصادی، افت تولید و کاهش رفاه عمومی مواجه شده‌اند. متأسفانه تحریم‌های طولانی‌مدت باعث شده ایران در بسیاری از حوزه‌های صنعتی و حتی کشاورزی از فناوری‌های نوین عقب بماند. در مقطع کوتاهی که برجام اجرایی شد و ارتباطات بین‌المللی تا حدی برقرار بود، تعدادی از شرکت‌های معتبر مهندسی و مشاوره معدنی وارد ایران شدند و بررسی‌هایی انجام دادند. همان زمان مشخص شد که دنیا در حوزه‌هایی مانند اکتشاف معدن تا چه اندازه پیشرفت کرده و ما به دلیل محدودیت‌های بین‌المللی از این فناوری‌ها بی‌بهره مانده‌ایم.

رقابت چه تأثیری بر افزایش کیفیت، بهره‌وری و نوآوری در صنایع دارد؟ آیا حمایت از تولید، بدون ایجاد فضای رقابتی، می‌تواند به توسعه پایدار منجر شود؟

رقابت یکی از مهم‌ترین اصول توسعه صنعتی است و بدون آن نمی‌توان انتظار افزایش کیفیت یا بهره‌وری داشت. بهترین نمونه برای این موضوع صنعت خودرو است. این صنعت طی حدود چهار دهه گذشته از حمایت‌های گسترده دولتی برخوردار بوده و با تعرفه‌های بالا، ممنوعیت واردات و محدودیت‌های مختلف، از فضای رقابتی فاصله گرفته است. نتیجه چنین سیاستی را امروز همه مشاهده می‌کنند؛ کیفیت خودروها متناسب با استانداردهای جهانی رشد نکرده، قیمت تمام‌شده افزایش یافته و مصرف‌کننده ناچار شده محصولی را با قیمت بالا و کیفیت پایین خریداری کند. علاوه بر زیان اقتصادی، خسارت‌های انسانی ناشی از کیفیت پایین خودروها نیز قابل انکار نیست. اگر فضای رقابتی از ابتدا در این صنعت فراهم می‌شد، امروز صنعت خودروی ایران می‌توانست یکی از صنایع پیشرو منطقه باشد. این تجربه تنها به خودرو محدود نمی‌شود و در بسیاری از صنایع دیگر نیز قابل مشاهده است. حمایت از تولید داخلی ضرورتی انکارناپذیر است، اما این حمایت باید منطقی، هدفمند و زمان‌بندی‌شده باشد. هر زمان که واردات یک محصول صرفاً به دلیل تولید داخلی ممنوع شده و تولیدکننده نیز خود را بی‌نیاز از رقابت

معدن؛ پیشران توسعه اقتصاد



مهندس محمدرضا بهرامن

رئیس خانه معدن ایران

ارزی، حقوق دولتی و مقررات صادراتی، هزینه سرمایه‌گذاری را افزایش داده و بسیاری از پروژه‌های بزرگ را از چرخه اجرا خارج می‌کند. تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که ثبات قوانین، احترام به حقوق سرمایه‌گذاران و پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌ها، مهم‌ترین عامل توسعه بخش معدن است. از همین رو، نگاه سیاست‌گذاری باید از «افزایش استخراج» به «افزایش ارزش آفرینی» تغییر کند.

■ معدن آینده، معدن هوشمند است

تحول دیجیتال، چهره معدنکاری جهان را تغییر داده است. هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، کلان‌داده، سنجش از دور، تصاویر ماهواره‌ای، دوقلوهای دیجیتال و ماشین‌آلات خودران، آینده این صنعت را رقم خواهند زد.

در آینده، کشوری موفق‌تر خواهد بود که داده بیشتری از ذخایر خود تولید کند، نه صرفاً استخراج بیشتری انجام دهد.

برای تبدیل معدن به موتور رشد اقتصاد غیرنفتی، مجموعه‌ای از اصلاحات اساسی ضروری است:

- آغاز نهضت ملی اکتشاف با تکیه بر فناوری‌های نوین و مشارکت بخش خصوصی؛
- ایجاد ثبات در قوانین، مقررات و سیاست‌های اقتصادی؛
- توسعه معدنکاری هوشمند و بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال؛
- تکمیل زنجیره ارزش و کاهش خام‌فروشی؛
- نوسازی ماشین‌آلات و تجهیزات معدنی؛
- سرمایه‌گذاری در آموزش، پژوهش و توسعه سرمایه انسانی؛
- اصلاح نظام تأمین مالی و توسعه ابزارهای نوین سرمایه‌گذاری؛
- توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، انرژی و زیرساخت‌های دیجیتال؛
- تقویت مسئولیت اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی؛
- مشارکت واقعی بخش خصوصی در فرآیند سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی.

تحقق این اهداف نیازمند آن است که معدن از یک بخش اقتصادی صرف، به یکی از ارکان حکمرانی توسعه کشور تبدیل شود.

■ آینده اقتصاد ایران از کیفیت تصمیم‌ها آغاز می‌شود

تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که توسعه معدن، نتیجه تصمیم‌های بزرگ و بلندمدت است، نه سیاست‌های مقطعی و بخشنامه‌های متغیر.

معدن امروز دیگر تنها به وزارت صمت مربوط نیست؛ این بخش با سیاست‌های پولی و مالی، بازار سرمایه، انرژی، حمل‌ونقل، محیط‌زیست، آموزش عالی، فناوری، دیپلماسی اقتصادی و حتی امنیت ملی پیوند خورده است. از همین رو، ایران بیش از هر زمان دیگری به یک حکمرانی یکپارچه در حوزه معدن نیاز دارد؛ حکمرانی‌ای که دولت، بخش خصوصی، دانشگاه‌ها و نهادهای تخصصی را در یک مسیر مشترک قرار دهد.

خانه معدن ایران طی سال‌های گذشته همواره بر این باور بوده که توسعه پایدار، حاصل تقابل نیست، بلکه نتیجه گفت‌وگو، اعتماد، مشارکت و استفاده از خرد جمعی است.

امروز جهان در آستانه انقلابی معدنی قرار دارد؛ انقلابی که بر پایه فناوری، هوش مصنوعی، داده، مواد معدنی حیاتی و اقتصاد کم‌کربن شکل می‌گیرد. ایران نیز می‌تواند یکی از بازیگران اصلی این تحول باشد، مشروط بر آنکه مزیت‌های طبیعی خود را با سرمایه‌گذاری، فناوری، ثبات مقررات، تکمیل زنجیره ارزش و اعتماد به بخش خصوصی همراه سازد.

من آینده معدن ایران را روشن می‌بینم، اما این آینده تنها با تغییر نگاه محقق خواهد شد؛ نگاهی که معدن را نه منبعی برای تأمین هزینه‌های امروز، بلکه موتور سرمایه‌گذاری، نوآوری، اشتغال و توسعه نسل‌های آینده بداند.

اکنون زمان تصمیم‌های بزرگ فرا رسیده است. تصمیم‌هایی که نه تنها سرنوشت معدن، بلکه آینده اقتصاد ایران را رقم خواهند زد. اگر امروز با عقلانیت، آینده‌نگری و وفاق ملی مسیر اصلاح را آغاز کنیم، معدن می‌تواند همان نقشی را در اقتصاد قرن بیست‌ویکم ایفا کند که نفت در قرن گذشته ایفا کرد؛ با این تفاوت که این بار توسعه بر پایه ارزش افزوده، نوآوری، نوآوری و سرمایه انسانی شکل خواهد گرفت، نه خام‌فروشی.

در تاریخ توسعه اقتصادی جهان، مقاطع محدودی وجود داشته که مسیر اقتصاد بین‌الملل به‌طور بنیادین تغییر کرده است؛ دوره‌هایی که نه تنها الگوی تجارت و سرمایه‌گذاری، بلکه مفهوم قدرت، امنیت و توسعه نیز دگرگون شده است. امروز جهان در آستانه یکی از همین نقاط عطف قرار دارد.

اگر قرن بیستم، قرن نفت بود، قرن بیست‌ویکم به‌سرعت در حال تبدیل شدن به قرن مواد معدنی است.

■ آینده معدن تنها به استخراج محدود نمی‌شود

پیام اصلی بیست‌وهفتمین کنگره جهانی معدن (WMC ۲۰۲۶) در لیما نیز بر همین واقعیت استوار بود؛ نمی‌شود، بلکه بر سه پایه حکمرانی کارآمد، فناوری و اعتماد اجتماعی بنا شده است. کشورهایی که زودتر ساختار حکمرانی معدن خود را اصلاح کنند، زنجیره ارزش را توسعه دهند، فناوری‌های نوین را به‌کار گیرند و سرمایه اجتماعی را تقویت کنند، بازیگران اصلی اقتصاد آینده خواهند بود.

ایران بر روی یکی از غنی‌ترین کمرندهای معدنی جهان قرار گرفته و از تنوع بالای ذخایر، موقعیت جغرافیایی ممتاز، نیروی انسانی متخصص و تجربه طولانی در فعالیت‌های معدنی برخوردار است. با وجود این ظرفیت‌ها، معدن هنوز نتوانسته به موتور اصلی رشد اقتصاد ملی تبدیل شود.

■ ذخایر معدنی به‌تنهایی ثروت آفرین نیستند

دلیل این عقب‌ماندگی را نباید در کمبود منابع جست‌وجو کرد؛ مسئله اصلی، شیوه حکمرانی است.

امروزه وجود ذخایر معدنی به‌تنهایی ثروت آفرین نیست. آنچه ارزش خلق می‌کند، توانایی تبدیل منابع طبیعی به سرمایه، فناوری، اشتغال، صادرات و نوآوری است. تفاوت کشورهایی مانند استرالیا، کانادا، شیلی و حتی عربستان سعودی با بسیاری از کشورهای دارای منابع غنی، نه در حجم ذخایر، بلکه در کیفیت سیاست‌گذاری و حکمرانی آنهاست. این کشورها معدن را صرفاً یک فعالیت اقتصادی نمی‌دانند، بلکه آن را یکی از ارکان امنیت اقتصادی و توسعه پایدار تلقی می‌کنند. نتیجه چنین نگاهی، جذب سرمایه، توسعه فناوری، تکمیل زنجیره ارزش و افزایش رقابت‌پذیری است.

در مقابل، در ایران هنوز در بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها، معدن بیشتر به‌عنوان منبعی برای تأمین درآمدهای کوتاه‌مدت دولت دیده می‌شود تا یک سرمایه راهبردی. حاصل این رویکرد، کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری، فرسودگی ماشین‌آلات، کند شدن اکتشاف، بی‌ثباتی مقررات و از دست رفتن فرصت‌های تاریخی است.

در شرایطی که جهان میلیاردها دلار برای توسعه اکتشافات، معدنکاری هوشمند، فناوری‌های فرآوری و تأمین مواد معدنی حیاتی سرمایه‌گذاری می‌کند، بخش معدن ایران همچنان با چالش‌هایی نظیر تأمین ماشین‌آلات، محدودیت انرژی، ناپایداری مقررات، ضعف زیرساخت‌ها و دشواری تأمین مالی روبه‌رو است.

■ جهان منتظر هیچ کشوری نمی‌ماند

انقلاب صنعتی چهارم، اقتصاد سبز و رقابت بر سر مواد معدنی حیاتی، پنجره‌ای تاریخی اما محدود پیش روی ایران گشوده است؛ فرصتی که اگر امروز از آن بهره نگیریم، فردا ممکن است به فرصتی از دست‌رفته تبدیل شود.

امروز دیگر پرسش این نیست که آیا معدن می‌تواند جایگزین نفت شود؛ پرسش اصلی این است که آیا ایران می‌تواند پیش از پایان این فرصت، حکمرانی معدن خود را متحول کند؟

■ حکمرانی معدن؛ مساله اصلی

اقتصاد معدن امروز بر پایه کیفیت تصمیم‌گیری اداره می‌شود، نه صرفاً حجم ذخایر. سرمایه‌گذاری در این صنعت بلندمدت، پرهزینه و پرریسک است و بدون ثبات مقررات، امنیت سرمایه‌گذاری و شفافیت، امکان جذب سرمایه‌های بزرگ وجود ندارد. سرمایه بیش از هر چیز از بی‌ثباتی گریزان است. تغییر مکرر بخشنامه‌ها، سیاست‌های

رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران خاطر نشان کرد:

فولاد در تله ناترازی انرژی



صنعت فولاد کشور با وجود برخورداری از ظرفیت‌های کم‌نظیر معدنی، بیش از هر عامل دیگری از بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری، ناترازی انرژی، مقررات متغیر و بروکراسی پیچیده آسیب می‌بیند. بهرام سبحانی، رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران، معتقد است؛ توسعه پایدار این صنعت تنها در سایه ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری، ثبات قوانین، تأمین پایدار انرژی و اصلاح فرآیندهای تصمیم‌گیری امکان‌پذیر است؛ موضوعی که به باور وی، بیش از هر چیز باید از گره‌های بروکراتیکی آغاز شود که امروز مسیر تولید و سرمایه‌گذاری را با چالش مواجه کرده‌اند. در ادامه، وی به مهم‌ترین موانع پیش روی صنعت فولاد و راهکارهای عبور از آنها می‌پردازد. این گفت و گو را بخوانید:

روند تأمین مواد اولیه، قطعات یدکی، الکترو، نسوز و سایر اقلام مورد نیاز تولید را دشوار کرده است. تجربه سال‌های اخیر نیز نشان داد برخی سیاست‌های ارزی نه‌تنها به بازگشت ارز کمک نکرد، بلکه زمینه فعالیت واسطه‌ها و کاهش شفافیت صادرات را فراهم کرد.

اگر قرار باشد تنها یک اصلاح در نظام تصمیم‌گیری و بروکراسی صنعتی انجام شود، اولویت شما چه خواهد بود؟

اگر تنها یک اصلاح در دستور کار قرار گیرد، آن اصلاح باید ایجاد ثبات در سیاست‌گذاری و تضمین امنیت سرمایه‌گذاری باشد. سرمایه‌گذار باید مطمئن باشد که در یک دوره ۱۰ تا ۲۰ ساله، قوانین و مقررات به شکلی تغییر نمی‌کند که تمام محاسبات اقتصادی پروژه را بر هم بزند.

دولت باید تأمین پایدار انرژی صنایع را به عنوان یک تعهد بلندمدت ببپذیرد و سیاست‌های ارزی، مالیاتی و مقررات مرتبط با تولید نیز از ثبات کافی برخوردار باشند تا سرمایه‌گذار بتواند برای آینده برنامه‌ریزی کند.

همچنین توسعه ظرفیت‌های جدید باید متناسب با امکانات زیرساختی باشد. امروز ظرفیت نصب‌شده فولاد کشور از اهداف تعیین‌شده در سند چشم‌انداز عبور کرده، اما بخش قابل توجهی از این ظرفیت به دلیل کمبود انرژی، آب و سایر زیرساخت‌ها بلااستفاده مانده است. بنابراین، پیش از صدور مجوزهای جدید، باید امکان بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های موجود فراهم شود.

آیا امروز صنعت فولاد بیش از تحریم‌ها، از بروکراسی داخلی آسیب می‌بیند؟

تحریم‌ها بدون تردید بر صنعت فولاد اثرگذار بوده‌اند، اما بخش قابل توجهی از مشکلات امروز، ریشه در تصمیمات و سیاست‌های داخلی دارد؛ مسائلی که با اصلاح آنها می‌توان بخش مهمی از موانع تولید را برطرف کرد. تعدد بخشنامه‌ها، تفسیرهای متفاوت از قوانین، رویه‌های پیچیده اداری و تحمیل هزینه‌هایی که گاه مبنای قانونی روشنی ندارند، فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد کرده است. در برخی موارد حتی واحدهایی که مشمول یک قانون نیستند، صرفاً به دلیل برداشت‌های نادرست از مقررات، ملزم به پرداخت هزینه‌هایی شده‌اند که اساساً با متن قانون همخوانی ندارد.

اگر قرار است معدن و صنایع معدنی به موتور محرک اقتصاد کشور تبدیل شوند، باید نگاه سیاست‌گذاران از درآمدزایی کوتاه‌مدت به سمت حمایت از تولید، سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار تغییر کند. ایران از ظرفیت‌های معدنی کم‌نظیری برخوردار است و با اصلاح سیاست‌ها، کاهش بروکراسی، تأمین پایدار انرژی و ایجاد ثبات در مقررات، می‌تواند سهم بسیار بزرگ‌تری در تولید، اشتغال، صادرات غیرنفتی و رشد اقتصادی کشور ایفا کند.

مهم‌ترین گره بروکراسی که امروز صنعت فولاد را درگیر کرده، چیست؟

ایران از معدود کشورهایی است که تقریباً تمامی عناصر معدنی مورد نیاز صنایع معدنی را در اختیار دارد. ذخایر بزرگ سنگ آهن در استان‌هایی مانند یزد، کرمان، خراسان و غرب کشور، زمینه توسعه زنجیره فولاد را فراهم کرده و همین مزیت موجب شده سرمایه‌گذاری‌ها صرفاً به استخراج مواد معدنی محدود نماند و به سمت ایجاد ارزش افزوده در حلقه‌های پایین‌دستی حرکت کند.

با این حال، مهم‌ترین مشکل امروز صنعت فولاد، کمبود منابع معدنی نیست؛ بلکه نااطمینانی ناشی از تصمیمات و مقررات متغیر است. هر سرمایه‌گذاری پیش از ورود به یک پروژه، مطالعات فنی و اقتصادی انجام می‌دهد و بر اساس نرخ بازگشت سرمایه تصمیم می‌گیرد. اما زمانی که مقررات به‌طور مستمر تغییر می‌کند و هر روز بخشنامه جدیدی صادر می‌شود، امنیت اقتصادی سرمایه‌گذار از بین می‌رود و انگیزه سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. اگر قرار است سرمایه‌ها به سمت تولید هدایت شوند، پیش‌شرط آن ثبات در قوانین و اطمینان از تداوم سیاست‌هاست.

کدام مقررات یا فرآیندهای اداری بیشترین مانع را بر سر راه تولید و سرمایه‌گذاری در صنعت فولاد ایجاد کرده‌اند؟

نخستین مانع، بی‌ثباتی در تأمین انرژی است. تمام محاسبات اقتصادی واحدهای فولادی بر مبنای تولید مستمر در طول سال انجام می‌شود، اما وقتی کارخانه چند ماه با محدودیت برق یا گاز مواجه می‌شود، همه این محاسبات به هم می‌ریزد.

کارخانه‌ای که نقطه سر به سر آن روی ظرفیت ۸۰ درصد تعریف شده، اگر با ظرفیت ۶۰ یا ۷۰ درصد فعالیت کند، عملاً وارد زیان می‌شود. این موضوع طی سال‌های اخیر خسارت‌های سنگینی به واحدهای فولادی وارد کرده و برخی واحدها را تا مرز تعطیلی پیش برده است. تصمیم‌گیران باید توجه داشته باشند که قطع برق و گاز صنایع تنها یک اقدام مدیریتی برای عبور از بحران نیست، بلکه به معنای برهم خوردن محاسبات اقتصادی سرمایه‌گذاری و کاهش امنیت سرمایه در کشور است.

از سوی دیگر، افزایش مکرر قیمت انرژی، حمل‌ونقل و سایر هزینه‌های تولید، بدون آنکه امکان افزایش متناسب قیمت محصولات وجود داشته باشد، سودآوری واحدهای تولیدی را به شدت کاهش داده است. قیمت فولاد بر اساس عرضه و تقاضا در بورس کشف می‌شود و تولیدکننده اختیار تعیین قیمت ندارد، اما هزینه‌های تولید به‌صورت مستمر افزایش می‌یابد و همین موضوع توجیه اقتصادی سرمایه‌گذاری را با چالش روبه‌رو می‌کند.

در کنار این مسایل، سیاست‌های ارزی نیز به یکی از موانع جدی تبدیل شده است. تولیدکننده باید ارز حاصل از صادرات را به کشور بازگرداند، اما در مقابل باید بتواند نیازهای ارزی خود را از همان محل تأمین کند. محدودیت در استفاده از ارز صادراتی،

افزایش مکرر قیمت انرژی، حمل‌ونقل و سایر هزینه‌های تولید، بدون آنکه امکان افزایش متناسب قیمت محصولات وجود داشته باشد، سودآوری واحدهای تولیدی را به شدت کاهش داده است

عضو هیات مدیره انجمن مس ایران اظهار داشت:

مس؛ فلز آینده



تحولات جهانی در حوزه انرژی، توسعه خودروهای برقی، گسترش هوش مصنوعی و سرمایه‌گذاری گسترده در زیرساخت‌های برق، جایگاه مس را از یک فلز صنعتی به یکی از مهم‌ترین مواد معدنی راهبردی جهان ارتقا داده است. بهرام شکوری، عضو هیأت مدیره انجمن مس ایران، معتقد است آینده مس تنها به بازار معدن محدود نمی‌شود، بلکه این فلز به یکی از پایه‌های امنیت انرژی، اقتصاد دیجیتال و رقابت ژئوپلیتیکی کشورها تبدیل خواهد شد. وی در این گفت‌وگو ضمن تشریح جایگاه جهانی مس، به ظرفیت‌های ایران، چالش‌های توسعه صنایع پایین‌دستی و الزامات تبدیل این مزیت معدنی به یک ابزار توسعه اقتصادی می‌پردازد.

داخل مراکز داده، کابل‌ها، تجهیزات انتقال برق، ترانسفورماتورها، سرورها و سیستم‌های سرمايش همگی به مس وابسته‌اند.

از سوی دیگر، توسعه مراکز داده مستلزم افزایش ظرفیت نیروگاه‌ها، شبکه انتقال و توزیع برق است که خود به حجم بالایی از تجهیزات مسی نیاز دارد. علاوه بر این، توسعه روباتیک، خودروهای خودران، اینترنت اشیا، کارخانه‌های هوشمند و تجهیزات پردازشی نیز تقاضای جدیدی برای این فلز ایجاد خواهد کرد. در واقع، اگرچه هوش مصنوعی بر پایه تراشه‌ها فعالیت می‌کند، اما زیرساخت فیزیکی آن بر برق و مس استوار است.

کدام کشورها بازیگران اصلی بازار جهانی مس هستند؟

در بخش استخراج، شیلی همچنان بزرگ‌ترین تولیدکننده جهان محسوب می‌شود و پس از آن کشورهایی مانند جمهوری دموکراتیک کنگو، پرو، چین، روسیه، اندونزی، زامبیا و استرالیا قرار دارند.

اما قدرت واقعی تنها به میزان ذخایر وابسته نیست. چین با وجود آنکه تولید معدنی کمتری نسبت به برخی کشورها دارد، به دلیل ظرفیت عظیم ذوب، پالایش، تولید تجهیزات و بازار مصرف، بخش بزرگی از زنجیره ارزش جهانی مس را در اختیار گرفته است.

به همین دلیل، در اقتصاد امروز تنها مالکیت معدن مزیت محسوب نمی‌شود؛ بلکه فناوری، سرمایه، صنایع پایین‌دستی، زیرساخت و دسترسی به بازارهای جهانی، تعیین‌کننده جایگاه کشورها در این صنعت است.

آیا مس می‌تواند به ابزار دیپلماسی اقتصادی تبدیل شود؟

با افزایش اهمیت مواد معدنی راهبردی، مس نیز به یکی از ابزارهای جدید رقابت اقتصادی کشورها تبدیل خواهد شد. اگرچه احتمال استفاده از آن مشابه تحریم نفت یا گاز کمتر است، اما ابزارهایی مانند محدودیت صادرات، تعرفه‌ها، الزام به فرآوری داخلی، کنترل سرمایه‌گذاری خارجی، قراردادهای بلندمدت و ذخیره‌سازی راهبردی، می‌تواند بر بازار جهانی اثرگذار باشد.

قرار گرفتن مس در فهرست مواد معدنی حیاتی برخی کشورهای بزرگ نیز نشان می‌دهد این فلز دیگر صرفاً یک کالای صنعتی نیست، بلکه بخشی از امنیت اقتصادی و صنعتی کشورها محسوب می‌شود.

برای ایران نیز این ظرفیت وجود دارد که مس را به یکی از ابزارهای دیپلماسی اقتصادی تبدیل کند؛ مشروط بر آنکه سیاست صنعتی، سیاست معدنی و سیاست خارجی در یک مسیر هماهنگ قرار گیرند و به جای صادرات مواد اولیه، زمینه توسعه صنایع پایین‌دستی، انتقال فناوری و مشارکت‌های بلندمدت بین‌المللی فراهم شود.

مس می‌تواند به یکی از ابزارهای مهم دیپلماسی اقتصادی ایران تبدیل شود، مشروط بر آنکه سیاست صنعتی، معدنی و سیاست خارجی در یک مسیر هماهنگ قرار گیرند. ایران باید به جای تمرکز بر صادرات مواد اولیه، توسعه صنایع پایین‌دستی، انتقال فناوری، افزایش ظرفیت فرآوری و گسترش همکاری‌های بلندمدت بین‌المللی را در دستور کار قرار دهد. در نهایت، ارزش واقعی ذخایر معدنی زمانی محقق می‌شود که این منابع به فناوری، تولید رقابت‌پذیر، صادرات پایدار و افزایش قدرت اقتصادی کشور تبدیل شوند.

آیا مس می‌تواند جایگزین نفت به عنوان کالای راهبردی جهان شود؟

مس جایگزین کامل نفت نخواهد شد، زیرا نفت همچنان در صنایع پتروشیمی، حمل‌ونقل و بسیاری از زنجیره‌های تولید نقش اساسی دارد. با این حال، اقتصاد آینده بیش از هر زمان دیگری بر پایه برق و فناوری‌های نوین شکل می‌گیرد و همین موضوع، مس را به یکی از مهم‌ترین فلزات راهبردی جهان تبدیل کرده است.

توسعه خودروهای برقی، نیروگاه‌های خورشیدی و بادی، شبکه‌های انتقال برق، باتری‌ها، مراکز داده، تجهیزات مخابراتی، روباتیک و صنایع هوش مصنوعی همگی به مصرف گسترده مس وابسته‌اند. از سوی دیگر، قابلیت بازیافت این فلز باعث شده علاوه بر ذخایر معدنی، ظرفیت پالایش و بازیافت نیز به بخشی از قدرت اقتصادی کشورها تبدیل شود. از این منظر، مس را باید ستون اصلی اقتصاد برقی و دیجیتال آینده دانست.

چرا ایران با وجود ذخایر بزرگ، هنوز در صنایع پایین‌دستی مس جایگاه مناسبی ندارد؟

چالش اصلی ایران تنها خام‌فروشی نیست، بلکه تکمیل نشدن زنجیره ارزش است. کشور در بخش استخراج، تولید کنسانتره، ذوب و تولید کاند سرمایه‌گذاری قابل توجهی انجام داده، اما در تولید محصولات با ارزش افزوده بالا مانند سیم و کابل تخصصی، فویل مسی، آلیاژهای پیشرفته، تجهیزات برقی و قطعات صنایع نوین، فاصله محسوسی با ظرفیت‌های موجود دارد. نبود راهبرد جامع برای توسعه زنجیره مس، تغییرات مکرر مقررات، محدودیت‌های صادراتی، مشکلات تأمین مالی، کمبود انرژی، ضعف ارتباط میان صنعت مس و صنایع پیشرفته و همچنین محدودیت دسترسی به فناوری‌های روز، مهم‌ترین موانع توسعه این بخش به شمار می‌روند.

راهکار، جلوگیری از صادرات مواد اولیه نیست؛ بلکه باید تولید محصولات نهایی را از طریق ثبات مقررات، تأمین انرژی، تسهیل واردات فناوری، حمایت مالی و توسعه بازارهای صادراتی، اقتصادی و سودآور کرد.

آیا رشد تقاضای جهانی مس به افزایش قیمت محصولات فناوری منجر خواهد شد؟

احتمال وقوع چنین شرایطی بسیار جدی است. توسعه یک معدن جدید مس معمولاً بیش از یک دهه زمان نیاز دارد و همزمان کاهش عیار معادن، محدودیت‌های زیست‌محیطی، کمبود آب و افزایش هزینه‌های تولید، رشد عرضه را با کندی مواجه کرده است.

در صورت پیشی گرفتن تقاضا از عرضه، قیمت مس افزایش خواهد یافت و این موضوع هزینه تولید کابل، ترانسفورماتور، خودروهای برقی، تجهیزات انرژی‌های تجدیدپذیر، مراکز داده و زیرساخت‌های برق را بالا می‌برد؛ پدیده‌ای که از آن به عنوان «تورم فلزات راهبردی» یاد می‌شود.

هرچند در برخی کاربردها می‌توان از آلومینیوم استفاده کرد، اما ویژگی‌هایی مانند هدایت الکتریکی بالا، دوام و قابلیت اطمینان باعث می‌شود مس همچنان انتخاب نخست بسیاری از صنایع حساس باقی بماند.

هوش مصنوعی چه ارتباطی با بازار جهانی مس دارد؟

رشد هوش مصنوعی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم مصرف مس را افزایش می‌دهد. در

مس می‌تواند برای اقتصاد ایران نقشی بسیار فراتر از یک ماده معدنی داشته باشد؛ اما ذخیره زیرزمین به‌خودی‌خود ثروت نیست

رئیس انجمن فولاد آلیاژی از مجلس خواستار شد: توقف دریافت های کلان اتاق بازرگانی



مهدی محمدی رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد آلیاژی با اشاره به دریافت مبالغ کلان از شرکتها توسط اتاق بازرگانی، این رویه را «فاقد هرگونه توجیه عقلانی و اقتصادی» و مصداق دریافت «پول زور به صورت قانونی» خواند و خواستار توقف فوری دریافت سه در هزار درآمد مشمول مالیات و چهار در هزار سود شرکتها توسط اتاق بازرگانی شد و از نمایندگان مجلس خواست که با ارائه طرحی قوانین موجود در این زمینه را اصلاح کنند.

کاملاً داوطلبانه است و هیچ شرکتی برای انجام صادرات و واردات یا تمدید مجوزهای مرتبط، ملزم به پرداخت وجه به اتاق بازرگانی نیست. حتی در برخی کشورهای اروپایی مانند آلمان و ایتالیا که عضویت در اتاق بازرگانی برای شرکتها اجباری است، اتاقها نهادهای عمومی با وظایف قانونی گسترده در حوزههایی مانند آموزش حرفه‌ای، آزمون‌های رسمی، صدور برخی گواهی‌های قانونی و ارائه خدمات عمومی هستند و پرداخت حق عضویت نیز بخشی از نظام تأمین مالی همین وظایف شفاف و عام‌المنفعه است. در اکثر کشورها، چیزی معادل «کارت بازرگانی» ایران که هر سال تمدید آن منوط به پرداخت مبالغی کلان به اتاق بازرگانی باشد، وجود ندارد و هر شرکتی که به طور قانونی ثبت شده و الزامات گمرکی، مالیاتی و سایر مقررات را رعایت کند، می‌تواند واردات و صادرات انجام دهد.

رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد آلیاژی از منظر اقتصادی نیز این رویه را غیرقابل دفاع خواند و با اشاره به هزینه‌های سنگین تولیدکنندگان، عنوان کرد: شرکتی که مالیات خود را به دولت پرداخت کرده، هزینه‌های بیمه، عوارض، حقوق گمرکی و دهها هزینه قانونی دیگر را متحمل شده است، باید علاوه بر آن بخشی از درآمد مشمول مالیات و سود خود را نیز به نهادی بپردازد که نقش آن در فرآیند تجارت خارجی صرفاً واسطه‌ای است. این امر به کاهش رقابت‌پذیری بنگاه‌ها و تحمیل بار مالی مضاعف بر تولیدکنندگان، صادرکنندگان و واردکنندگان منجر می‌شود.

وی خاطرنشان ساخت: یک محاسبه‌ی سرانگشتی بر اساس تحلیل اطلاعات منتشرشده در سامانه کدال بورس نشان می‌دهد که تنها ۸ شرکت بورسی شامل شرکت‌های ملی صنایع مس ایران، پالایش نفت اصفهان، پالایش نفت بندرعباس، فولاد مبارکه، پتروشیمی نوری، پتروشیمی پارس، پلیمر آریاساسول و پتروشیمی جم باید جمعاً برای سال مالی ۱۴۰۴، مبلغی بیش از ۳ هزار و ۹۱۳ میلیارد تومان بابت سه در هزار درآمد و چهار در هزار سود به اتاق بازرگانی بپردازند! وقتی تنها ۸ شرکت مجبور به پرداخت چنین مبلغی هستند، چند ده هزار شخص حقوقی و حقیقی در کل ایران سالانه در مجموع چه مبلغ نجومی‌ای به اتاق بازرگانی پرداخت می‌کنند؟ آیا کسی تاکنون پاسخ داده که اتاق‌های بازرگانی در قبال این حجم عظیم از پول، دقیقاً چه خدماتی ارائه می‌دهند؟ هزینه‌کرد این مبالغ توسط کدام نهاد نظارتی تاکنون بررسی شده است؟!

رئیس انجمن فولاد آلیاژی در پایان گفت: از نمایندگان مجلس شورای اسلامی درخواست داریم که هرچه سریع‌تر طرحی دو فوریتی ارائه دهند که بر اساس آن، دریافت چهار در هزار سود و سه در هزار درآمد مشمول مالیات شرکتها توسط اتاق بازرگانی به کلی متوقف شود و به جای این سیستم ظالمانه و غیرمتناسب، شرکتها مبالغ ثابت سالانه‌ای را به اتاق بازرگانی پرداخت کنند. پیشنهاد بنده این است که شرکت‌های کوچک سالانه ۵۰ میلیون تومان، شرکت‌های متوسط سالانه ۲۰۰ میلیون تومان و شرکت‌های بزرگ سالانه ۳۰۰ میلیون تومان به اتاق بازرگانی پرداخت کنند. البته در حال حاضر نیز اتاق‌های بازرگانی سالانه از شرکتها حق عضویت دریافت می‌کنند و با حذف مبالغ سه در هزار درآمد و چهار در هزار سود، مبالغ گفته‌شده را می‌توان به عنوان مبالغ جدید حق عضویت سالانه شرکتها در اتاق بازرگانی رنظر گرفت. این مبالغ ثابت، عادلانه‌ترین و شفاف‌ترین روش برای تأمین هزینه‌های واقعی اتاق بازرگانی است و از هرگونه بی‌عدالتی و دریافت‌های درصدی که با گردش مالی و سود شرکتها رابطه‌ی مستقیم دارد، جلوگیری می‌کند.

مهدی محمدی گفت: یک پرسش اساسی که سال‌ها ذهن تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی را به خود مشغول کرده، این است که اتاق بازرگانی بر اساس کدام منطق عقلانی و اقتصادی، دریافت مبلغ سه در هزار درآمد مشمول مالیات شرکتها را به پیش‌شرط تمدید کارت بازرگانی تبدیل کرده است؟ و چرا به صورت مجزا، اتاق بازرگانی چهار در هزار سود پس از کسر مالیات شرکتها را هم مجدداً دریافت می‌کند؟ این در حالی است که اتاق‌های بازرگانی به صورت جداگانه از شرکت‌های عضو خود، حق عضویت سالانه نیز دریافت می‌کنند!

محمدی اظهار داشت: امروز تمامی فرآیندهای تجارت خارجی، در بستر سامانه جامع تجارت، گمرک، وزارت صمت، سازمان امور مالیاتی و سایر مراجع دولتی انجام می‌شود و اتاق بازرگانی نقشی فراتر از یک واسطه‌ی تشریفاتی در این میان ایفا نمی‌کند. اگر هیچ‌یک از خدمات قانونی در زمینه واردات و صادرات توسط اتاق بازرگانی انجام نمی‌شود، چرا پرداخت سه در هزار درآمد مشمول مالیات به اتاق بازرگانی باید پیش‌شرط ادامه فعالیت‌های تجاری و تمدید کارت‌های بازرگانی شرکتها باشد؟ این یعنی تبدیل یک مجوز حاکمیتی در حوزه صادرات و واردات به یک منبع درآمد برای نهادی (اتاق بازرگانی) که نه ریسکی می‌پذیرد و نه خدمتی ارائه می‌دهد. مسئله وقتی حادث می‌شود که دقت کنیم که شرکتها مجبورند چهار در هزار سود خود را نیز طبق ماده ۱۳ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور به صورت سالانه به حساب اتاق بازرگانی واریز کنند! گفتنی است سه در هزار درآمد شرکتها نیز طبق قانون نحوه تأمین هزینه‌های اتاق‌های بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران پرداخت می‌شود که هر دوی این قوانین باید اصلاح شوند.

رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد آلیاژی تصریح کرد: باید میان مبلغ دریافتی و خدمتی که ارائه می‌شود رابطه‌ی منطقی، مستقیم و متناسب وجود داشته باشد. در مورد سه در هزار درآمد شرکتها و چهار در هزار سود شرکتها که به اتاق بازرگانی پرداخت می‌شود، چنین رابطه‌ای به روشنی وجود ندارد. این وجوه نه متناسب با هزینه ارائه یک خدمت مشخص، بلکه متناسب با درآمد یا سود بنگاه اقتصادی تعیین می‌شوند؛ و اساساً اتاق بازرگانی هیچ خدمتی به شرکتها و فعالان اقتصادی در حوزه صادرات و واردات ارائه نمی‌دهد که بخواهد مبلغی را طلب کند. نه تنها دریافت این مبالغ توسط اتاق بازرگانی فاقد توجیه عقلانی و اقتصادی است بلکه محل هزینه‌کرد این مبالغ توسط اتاق بازرگانی نیز مشخص نیست و این نهاد هیچ‌گره‌ای از گره‌های کارخانجات و تولیدکنندگان را تاکنون باز نکرده و فاقد هرگونه کارکرد اقتصادی است.

محمدی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به تعارض منافع آشکار در این ساختار، گفت: نهادی که درآمد خود را از تمدید کارت‌های بازرگانی تأمین می‌کند، به طور طبیعی ذی‌نفع در استمرار وابستگی فعالان اقتصادی به خود است. این یعنی اتاق بازرگانی هرگز انگیزه‌ای برای ساده‌سازی فرآیندها یا حذف تشریفات زائد ندارد، چون هر پیچیدگی و تاخیری، به نفع درآمدزایی آن تمام می‌شود. در نظام حکمرانی مطلوب، مرجع دارای منفعت مالی هرگز نباید در موقعیتی قرار گیرد که پرداخت به آن، شرط بهره‌مندی از یک مجوز قانونی باشد و بی‌مقایسه‌ی تجربه‌ی کشورهای توسعه‌یافته با وضعیت ایران، اظهار داشت: در کشورهایی مانند آمریکا، انگلیس، کانادا و استرالیا، عضویت در اتاق بازرگانی

چالش‌های ساختاری صنعت خودرو از نگاه سعید معدنی اصلاح حکمرانی، شرط توسعه خودرو



صنعت خودروی ایران در آستانه احتمال کاهش تحریم‌ها بار دیگر با این پرسش روبه‌روست که آیا این بار می‌تواند از فرصت تعامل با خودروسازان جهانی برای جذب سرمایه، انتقال فناوری و ارتقای کیفیت بهره‌برداری یا تجربه ناکام پس‌ابرجام تکرار خواهد شد؟ سعید معدنی، مدیرعامل اسبق سایپا، معتقد است: رفع تحریم‌ها به تنهایی ضامن توسعه نیست و اصلاح حکمرانی، کاهش مداخلات دولت و گسترش ارتباط با جهان، پیش‌شرط‌های اصلی تحول این صنعت به شمار می‌روند.

بازارهای صادراتی به توسعه پایدار دست پیدا نمی‌کند. با این حال، حتی در صورت رفع تحریم‌ها نیز اگر دولت نقش خود را اصلاح نکند، مشکلات ادامه خواهد داشت. مهم‌ترین اصلاح، تغییر نوع حکمرانی دولت در صنعت خودرو است. خصوصی‌سازی به معنای کنار کشیدن کامل دولت نیست، بلکه دولت باید از مداخله مستقیم در مدیریت شرکت‌ها، قیمت‌گذاری، شیوه فروش و تصمیمات اجرایی فاصله بگیرد و در مقابل، نقش سیاست‌گذار، برنامه‌ریز و ناظر را ایفا کند. وظیفه اصلی دولت تدوین سیاست‌های کلان، دریافت برنامه توسعه از خودروسازان، انطباق این برنامه‌ها با منافع ملی و نظارت بر اجرای آنهاست. متأسفانه طی سال‌های گذشته دولت بیش از آنکه نقش حاکمیتی داشته باشد، وارد مدیریت اجرایی شده و همین مسئله یکی از عوامل اصلی کاهش بهره‌وری صنعت خودرو بوده است.

آیا در شرایط فعلی، راهبردهای همکاری با خودروسازان جهانی همچنان مسیر واقعی توسعه است یا باید تمرکز را به سمت بومی‌سازی هوشمند و توسعه پلتفرم‌های داخلی تغییر داد؟

تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد هیچ الگوی واحدی برای توسعه صنعت خودرو وجود ندارد. هند توسعه صنعت خودرو را از مسیر تقویت قطعه‌سازی آغاز کرد و پس از دستیابی به زنجیره تأمین قدرتمند، زمینه حضور خودروسازان بزرگ جهان را فراهم ساخت. کره جنوبی ابتدا با همکاری شرکت‌های خارجی وارد صنعت خودرو شد، اما پس از کسب تجربه، توسعه پلتفرم‌های بومی را در دستور کار قرار داد. چین نیز با الزام خودروسازان خارجی به مشارکت با شرکت‌های داخلی و افزایش تدریجی ساخت داخل، امروز به یکی از قدرت‌های بزرگ خودروسازی جهان تبدیل شده است.

به نظر من، ایران نیز باید از ترکیبی از این تجربیات استفاده کند. اگر فرض کنیم ظرفیت تولید سالانه حدود یک و نیم تا دو میلیون دستگاه خودرو وجود داشته باشد، می‌توان حدود نیمی از تولید را در قالب مشارکت رقابتی با خودروسازان معتبر جهانی و بر اساس برنامه مشخص افزایش ساخت داخل انجام داد و نیم دیگر را بر پایه توسعه پلتفرم‌های ملی پیش برد.

توسعه پلتفرم داخلی به معنای تولید صد درصد داخلی همه قطعات نیست. خودروی بومی، خودرویی است که طراحی، مهندسی و مالکیت دانش آن در اختیار شرکت ایرانی باشد، حتی اگر بخشی از قطعات آن از تأمین‌کنندگان بین‌المللی خریداری شود. به تدریج و متناسب با توان صنعت قطعه‌سازی، می‌توان سهم ساخت داخل را نیز افزایش داد. خوشبختانه توان طراحی خودرو در کشور وجود دارد و نمونه‌هایی مانند شاهین نشان داده‌اند که مهندسان ایرانی از ظرفیت لازم برخوردارند. بسیاری از متخصصانی که امروز در شرکت‌های معتبر جهانی فعالیت می‌کنند، سابقه حضور در مراکز تحقیق و توسعه خودروسازان داخلی را داشته‌اند.

در نهایت، توسعه صنعت خودرو بدون ارتباط مؤثر با اقتصاد جهانی، انتقال فناوری، دسترسی به بازارهای صادراتی و اصلاح ساختار حکمرانی امکان‌پذیر نیست. اگر روابط بین‌المللی عادی نباشد، حتی تولید بهترین خودرو نیز به دلیل محدودیت در مبادلات مالی، فناوری و صادرات با موفقیت همراه نخواهد بود. از سوی دیگر، اگر اصلاحات داخلی هم‌زمان با گسترش تعاملات خارجی انجام شود، صنعت خودرو می‌تواند بار دیگر به یکی از پیشران‌های توسعه صنعتی و اقتصادی کشور تبدیل شود.

با توجه به تجربه دوره‌های قبلی پساتحریم، چرا صنعت خودروی ایران نتوانست از فرصت ورود فناوری، سرمایه‌گذاری خارجی و ارتقای کیفیت به شکل پایدار استفاده کند و چه تضمینی وجود دارد که این چرخه دوباره تکرار نشود؟

واقعیت این است که پس از امضای برجام، فضای بسیار مناسبی برای توسعه همکاری‌های بین‌المللی و جذب سرمایه‌گذاری در صنعت خودرو ایجاد شد. تقریباً تمامی خودروسازان بزرگ جهان، از اروپا تا آسیا و حتی برخی شرکت‌های آمریکایی، علاقه‌مند به حضور در بازار ایران بودند. در آن مقطع که در وزارت صنعت به عنوان مشاور وزیر فعالیت می‌کردم، از نزدیک شاهد مذاکرات و تمایل گسترده شرکت‌های خارجی برای احیای همکاری‌های گذشته یا آغاز همکاری‌های جدید بودم.

حتی در مواردی امکان همکاری غیرمستقیم با شرکت‌هایی مانند فورد از طریق شرکای آسیایی آنها نیز مطرح شد، اما به دلیل محدودیت‌های سیاسی و خط قرمزهایی که وجود داشت، این فرصت‌ها عملیاتی نشد. در ادامه نیز با روی کار آمدن دونالد ترامپ و خروج آمریکا از برجام، عملاً همه برنامه‌هایی که در حال شکل‌گیری بود متوقف شد و پیش از آنکه به مرحله اجرا و انتقال فناوری برسد، از بین رفت.

در نتیجه، صنعت خودرو فرصت کافی برای بهره‌برداری از فضای ایجاد شده پیدا نکرد. در همان دوره، بخش خصوصی به دلیل آزادی عمل بیشتر، همکاری خود را عمدتاً با خودروسازان چینی توسعه داد و به تدریج بسیاری از شرکت‌ها به مونتاژکار محصولات چینی تبدیل شدند؛ در حالی که هدف اولیه برجام ایجاد فضای رقابتی میان خودروسازان بزرگ جهان و انتقال فناوری به صنعت خودرو ایران بود.

واقعیت این است که رشد صنعت خودرو در هیچ کشوری بدون تعامل مستمر با خودروسازان و زنجیره جهانی فناوری امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل، محدود شدن همکاری‌ها به یک کشور خاص، آن هم صرفاً در قالب مونتاژ، نمی‌تواند مسیر توسعه پایدار را فراهم کند.

در سناریوی رفع یا کاهش تحریم‌ها، مهم‌ترین مانع واقعی تحول صنعت خودرو ایران را چه می‌دانید؟ ساختار حکمرانی و مالکیت، مدل قیمت‌گذاری و بازار یا ضعف در زنجیره تأمین و فناوری؟ کدام یک باید در اولویت اصلاح قرار گیرد؟

اگر تحریم‌ها به صورت واقعی رفع شوند، طبیعتاً زمینه برای حضور سرمایه‌گذاران خارجی و شکل‌گیری همکاری‌های بین‌المللی فراهم خواهد شد، اما اگر این اتفاق رخ ندهد، صنعت خودرو بیش از گذشته به سمت مونتاژکاری حرکت می‌کند و حتی خودروسازان بزرگ داخلی نیز ناچار خواهند شد همان مسیری را طی کنند که امروز بسیاری از شرکت‌های خصوصی طی کرده‌اند.

در گذشته همکاری با خودروسازانی از ژاپن، کره، فرانسه و آلمان وجود داشت، اما اکنون تقریباً همه ظرفیت همکاری به چین محدود شده است؛ در حالی که این نوع همکاری‌ها معمولاً به انتقال فناوری منجر نمی‌شود و بیشتر بر مونتاژ محصولات آماده استوار است.

در صورت رفع تحریم‌ها، ایران به دلیل بازار بزرگ داخلی و دسترسی به بازار چند صد میلیونی کشورهای همسایه، ظرفیت تبدیل شدن به یکی از قطب‌های خودروسازی منطقه را دارد. اما تحقق این ظرفیت مستلزم ایجاد فضای امن سرمایه‌گذاری، روابط پایدار بین‌المللی و امکان صادرات است؛ زیرا هیچ صنعت خودروسازی بدون حضور در

رشد صنعت خودرو در هیچ کشوری بدون تعامل مستمر با خودروسازان و زنجیره جهانی فناوری امکان‌پذیر نیست

عضو هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران، تصریح کرد:

برق در بن بست سرمایه



ناترازی برق دیگر صرفاً یک چالش فنی یا مدیریتی نیست، بلکه به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اقتصاد ایران تبدیل شده است؛ بحرانی که ریشه‌های آن را باید در کاهش سرمایه‌گذاری، فرسودگی زیرساخت‌ها و ناکارآمدی اقتصاد برق جست‌وجو کرد. در سال‌های اخیر، همزمان با افزایش مصرف و رشد نیاز کشور به ظرفیت‌های جدید تولید، انگیزه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به دلیل قیمت‌گذاری دستوری، بی‌ثباتی مقررات، تأخیر در پرداخت مطالبات و نبود تضمین‌های مؤثر برای حفظ ارزش سرمایه، به شدت کاهش یافته است. سعید سالمی، عضو هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران، معتقد است تا زمانی که ساختار اقتصادی این صنعت اصلاح نشود و اعتماد سرمایه‌گذاران با تضمین‌های پایدار و شفاف بازنگردد، ورود سرمایه‌های جدید دور از انتظار خواهد بود. او در این گفت‌وگو از مهم‌ترین موانع سرمایه‌گذاری در صنعت برق، پیامدهای ادامه این روند و الزامات خروج این صنعت از بن بست سرمایه‌گذاری می‌گوید.

زیان‌ده می‌کند. در چنین فضایی، سرمایه‌گذار نه تنها نسبت به بازگشت سرمایه اطمینان ندارد، بلکه ورود به این صنعت را با ریسک بالای زیان ارزیابی می‌کند.

چرا بسیاری از نیروگاه‌های کشور با افت راندمان مواجه هستند و سرمایه جدیدی برای نوسازی یا تبدیل آن‌ها به سیکل ترکیبی جذب نمی‌شود؟ آیا این روند می‌تواند خاموشی‌های سال‌های آینده را تشدید کند؟

افت راندمان نیروگاه‌ها عمدتاً به دو دلیل رخ داده است؛ نخست اینکه به دلیل کمبود منابع، تعمیرات اساسی به‌موقع انجام نمی‌شود و دوم اینکه سرمایه‌گذاری برای تبدیل نیروگاه‌های گازی به سیکل ترکیبی با نرخ‌های سود بانکی و تورم کنونی، توجیه اقتصادی ندارد. از سوی دیگر، رشد مصرف برق از رشد ظرفیت تولید پیشی گرفته است. اگر این روند ادامه پیدا کند، فاصله میان تولید و مصرف هر سال بیشتر می‌شود و خاموشی‌ها بیش از آنکه ناشی از کمبود سوخت باشند، نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری در توسعه و نگهداشت زیرساخت‌های تولید برق خواهند بود.

اگر شما جای یک سرمایه‌گذار بزرگ بودید، برای ورود به این صنعت چه تضمین‌هایی مطالبه می‌کردید؟

صنعت برق بیش از کمبود فناوری، با کمبود اعتماد روبه‌رو است. این اعتماد تنها با قراردادهای شفاف، ضمانت‌های اجرایی و جبران خسارت ناشی از تغییر قوانین شکل می‌گیرد. تا زمانی که دولت همزمان نقش تنظیم‌گر، خریدار، فروشنده و رقیب بخش خصوصی را ایفا کند، بخش خصوصی با احتیاط به این بازار نگاه خواهد کرد. برای بازگشت سرمایه‌گذاران، باید تضمین‌های مؤثری در سطح حاکمیت ایجاد شود؛ از جمله ثبات بلندمدت نرخ خرید برق بر مبنای شاخص‌های واقعی اقتصاد، تعدیل منظم قراردادهای متناسب با تورم و نرخ ارز، ایجاد صندوق تضمین مطالبات برای پرداخت به‌موقع بدهی نیروگاه‌ها، امکان فروش مستقیم برق به صنایع از طریق قراردادهای دوجانبه و فراهم شدن امکان مدیریت اقتصادی سوخت نیروگاه‌ها. تنها با چنین اصلاحاتی می‌توان امید داشت که سرمایه‌های جدید دوباره به صنعت برق بازگردند و ناترازی تولید و مصرف به‌تدریج کاهش یابد.

وقتی دولت برق را با قیمت یارانه‌ای از نیروگاه‌ها خریداری و با نرخ‌های تکلیفی عرضه می‌کند، آیا اساساً فضایی برای سودآوری سرمایه‌گذار باقی می‌ماند؟

سرمایه‌گذار پیش از محاسبه نرخ بازده، به ثبات قواعد بازی نیاز دارد. در صنعت برق، نرخ خرید تضمینی، شیوه تسویه مطالبات، نرخ ارز مبنا و فرمول‌های تعدیل بارها و به‌صورت یک‌طرفه تغییر کرده‌اند. در نتیجه سرمایه‌گذار ناچار است به قراردادهایی متعهد بماند که ارزش واقعی آن‌ها در اثر تورم به‌سرعت کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، دولت هم خریدار انحصاری برق با قیمتی کمتر از هزینه تمام‌شده است و هم آن را با نرخ‌های تکلیفی عرضه می‌کند. شکاف میان این دو قیمت از محل منابع عمومی جبران می‌شود، اما بخش خصوصی نه از این یارانه بهره‌ای می‌برد و نه تضمینی برای تداوم آن دارد. تا زمانی که قیمت خرید برق هزینه واقعی سرمایه را پوشش ندهد، نمی‌توان انتظار سودآوری و ورود سرمایه‌گذاران جدید را داشت.

چرا سرمایه‌گذاری در ساخت نیروگاه با شرایط تورمی و نوسانات ارزی اقتصاد ایران همخوانی ندارد؟

نیروگاه یک سرمایه‌گذاری بلندمدت با عمر اقتصادی حدود ۳۰ سال است، اما اقتصاد ایران هر سال با تغییرات شدید نرخ ارز و تورم مواجه می‌شود. هنگامی که قراردادهای متناسب با این تغییرات تعدیل نمی‌شوند، تمام ریسک کاهش ارزش سرمایه بر دوش سرمایه‌گذار قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، هیچ نرخ از پیش تعیین‌شده‌ای نمی‌تواند ارزش سرمایه را در طول دوره بهره‌برداری حفظ کند. به همین دلیل، بازگشت سرمایه با ابهام همراه است و سرمایه‌ها به سمت بازارهایی حرکت می‌کنند که انعطاف بیشتری در برابر تورم و نوسانات اقتصادی دارند.

دلیل واهمه بخش خصوصی از ورود به صنعت چیست؟ آیا مهم‌ترین نگرانی، وصول نشدن مطالبات از وزارت نیرو است؟

مطالبات معوق یکی از جدی‌ترین مشکلات صنعت برق است. نیروگاه‌ها گاهی ماه‌ها برای دریافت مطالبات خود منتظر می‌مانند و همین موضوع آن‌ها را ناچار می‌کند برای تأمین نقدینگی به تسهیلات بانکی با هزینه‌های بالا متوسل شوند. هزینه ناشی از تأخیر در پرداخت، بخش قابل توجهی از سود نیروگاه‌ها را از بین می‌برد و حتی آن‌ها را

سرمایه‌گذار پیش از محاسبه نرخ بازده، به ثبات قواعد بازی نیاز دارد.

صنعت برق بیش از کمبود فناوری، با کمبود اعتماد روبه‌رو است. این اعتماد تنها با قراردادهای شفاف، ضمانت‌های اجرایی و جبران خسارت ناشی از تغییر قوانین شکل می‌گیرد.

در صنعت برق، نرخ خرید تضمینی، شیوه تسویه مطالبات، نرخ ارز مبنا و فرمول‌های تعدیل بارها و به‌صورت یک‌طرفه تغییر کرده‌اند.

در گفت‌وگو با دبیر انجمن صنایع نساجی ایران بررسی شد: نساجی ایران در دوراهی بقا و رقابت



صنعت نساجی ایران به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و اشتغال‌زاترین صنایع کشور، امروز با مجموعه‌ای از چالش‌های اقتصادی، فناوری و زیرساختی مواجه است؛ چالش‌هایی که از کمبود نقدینگی و نوسانات ارزی تا ناترازی انرژی، فاصله فناوری با رقبای جهانی و الزامات تولید پایدار را در برمی‌گیرد. سید شجاع‌الدین امامی‌رئوف، دبیر انجمن صنایع نساجی ایران، در این گفت‌وگو مهم‌ترین موانع پیش‌روی صنعت، الزامات حفظ رقابت‌پذیری و راهکارهای عبور از شرایط کنونی را تشریح می‌کند.

مهم‌ترین چالش امروز صنعت نساجی چیست و چه اقداماتی برای تأمین نقدینگی واحدهای تولیدی انجام شده است؟

تأمین نقدینگی و سرمایه در گردش، مهم‌ترین دغدغه امروز واحدهای تولیدی صنعت نساجی است. کاهش ارزش پول ملی، نوسانات ارزی و از دست رفتن بازار شب عید در پی تحولات سیاسی و شرایط جنگی، فشار سنگینی بر بنگاه‌های تولیدی وارد کرده و بسیاری از واحدها را با کمبود منابع مالی روبه‌رو ساخته است. با وجود کاهش فروش، تولیدکنندگان تلاش کرده‌اند چرخه تولید و اشتغال را حفظ کنند، اما افزایش هزینه مواد اولیه و سیاست‌های انقباضی بانک‌ها این مسیر را دشوار کرده است. در این مدت، استفاده از ابزارهایی مانند اوراق گام، گواهی اعتبار مولد، گواهی پروژه و تأمین مالی زنجیره‌ای از طریق تعامل با شبکه بانکی و اتاق بازرگانی پیگیری شده، اما این اقدامات هنوز پاسخگوی نیاز واقعی صنعت نیست. همچنین وعده اختصاص حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان منابع برای زنجیره ارزش صنعت نساجی نیز تاکنون عملیاتی نشده است.

صنعت نساجی چگونه می‌تواند قدرت رقابت خود را در بازارهای صادراتی حفظ کند؟

با وجود مشکلات موجود، صنعت نساجی همچنان ظرفیت مناسبی برای صادرات دارد و تنها در بخش فرش ماشینی و موکت سالانه حدود ۳۵۰ میلیون دلار صادرات انجام می‌شود. با این حال، افزایش هزینه تولید، مهم‌ترین مانع رقابت با تولیدکنندگان منطقه‌ای است. محدودیت‌های ارزی، ناترازی انرژی، افزایش هزینه حمل‌ونقل، کمبود مواد اولیه و ریسک‌های اقتصادی باعث شده بخشی از مواد اولیه وارداتی با قیمتی ۴۰ تا ۵۰ درصد بالاتر از نرخ جهانی به دست تولیدکنندگان برسد. برای نمونه، چپس پلی‌استر که در بازار جهانی حدود ۱۰۱ دلار قیمت دارد، با حدود ۱۰۶ دلار در اختیار واحدهای داخلی قرار می‌گیرد و همین موضوع مستقیماً قیمت تمام‌شده را افزایش می‌دهد. در کنار این عوامل، کمبود انرژی، افت راندمان تولید و کاهش تقاضا نیز هزینه‌ها را بالا برده است. توسعه مقیاس تولید، نوسازی واحدها، افزایش بهره‌وری و ایجاد ثبات در تأمین مواد اولیه، مهم‌ترین راهکارهای کاهش قیمت تمام‌شده و افزایش توان رقابت در بازارهای صادراتی به شمار می‌روند.

بزرگ‌ترین مانع حرکت صنعت نساجی به سمت تولید دانش‌بنیان چیست؟

صنعت نساجی جهان به سرعت به سمت تولید منسوجات هوشمند، فنی و با ارزش افزوده بالا حرکت می‌کند. این محصولات در صنایع پزشکی، هوافضا، خودروسازی و سایر بخش‌های پیشرفته کاربرد گسترده‌ای دارند، اما همچنان بخش عمده بازار جهانی در اختیار محصولاتی است که بر پایه طراحی، نوآوری و سلیقه مصرف‌کننده تولید می‌شوند. در ایران نیز ظرفیت ورود به این حوزه وجود دارد و شرکت‌های دانش‌بنیان، مراکز تحقیق و توسعه و دانشگاه‌ها می‌توانند نقش مؤثری در توسعه فناوری‌های نوین ایفا کنند. با این حال، مهم‌ترین موانع، فاصله میان آموزش دانشگاهی و نیاز واقعی صنعت است.

برای کاهش این شکاف، باید ارتباط میان دانشگاه، مراکز پژوهشی و واحدهای تولیدی تقویت شود تا آموزش، پژوهش و تحقیق و توسعه متناسب با نیازهای روز صنعت بازطراحی شود.

راهکار صنعت برای مقابله با کمبود نیروی انسانی متخصص چیست؟

کمبود نیروی انسانی متخصص و ماهر از چالش‌های قدیمی صنعت نساجی است. اگرچه در گذشته دانشکده‌های مهندسی نساجی با هدف تربیت نیروی متخصص ایجاد شدند، اما تحول فناوری و تغییر نیازهای تولید، فاصله میان آموزش و صنعت را افزایش داده است. امروز بیش از هر زمان دیگری لازم است همکاری دانشگاه و صنعت بازتعریف شود تا نیروی انسانی متناسب با فناوری‌های روز تربیت شود. علاوه بر آن، تغییر نگرش نسل جدید نسبت به اشتغال نیز بر این موضوع اثرگذار بوده است. انتظارات متفاوت جوانان از محیط کار و افزایش جذابیت مشاغل نوظهور، موجب کاهش تمایل به فعالیت در واحدهای تولیدی شده است.

در چنین شرایطی، توسعه اتوماسیون، هوشمندسازی خطوط تولید، استفاده از فناوری‌های نوین و ارتقای محیط‌های کاری می‌تواند ضمن افزایش بهره‌وری، وابستگی به نیروی انسانی را کاهش داده و زمینه جذب نیروهای متخصص را فراهم کند.

صنعت نساجی چگونه می‌تواند خود را با الزامات تولید سبز و استانداردهای جهانی هماهنگ کند؟

تولید سبز و توسعه پایدار دیگر یک انتخاب نیست، بلکه شرط حضور در زنجیره جهانی تأمین محسوب می‌شود. بسیاری از کشورها سرمایه‌گذاری گسترده‌ای برای کاهش آثار زیست‌محیطی صنایع انجام داده‌اند و رعایت استانداردهای محیط‌زیستی به یکی از الزامات تجارت بین‌المللی تبدیل شده است.

اگرچه در سال‌های اخیر موضوع تولید پایدار در ایران نیز مورد توجه قرار گرفته، اما فاصله قابل توجهی با استانداردهای جهانی وجود دارد. محدود بودن ارتباط با بازارهای بین‌المللی، آشنایی ناکافی با الزامات روز دنیا و کمبود سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پاک از مهم‌ترین عوامل این فاصله است.

در سال‌های اخیر، انجمن صنایع نساجی ایران و اتاق بازرگانی کارگروه‌هایی برای بررسی الزامات تولید پایدار تشکیل داده‌اند، اما تحقق این هدف نیازمند عزم ملی، آموزش مستمر، فرهنگ‌سازی و توسعه زیرساخت‌های زیست‌محیطی است. همچنین بازیافت مواد و تولید الباف بازیافتی تنها زمانی در چارچوب تولید سبز قرار می‌گیرد که تمام مراحل جمع‌آوری، فرآوری و تولید مطابق استانداردهای بین‌المللی انجام شود.

از این رو، توسعه دانش فنی، ارتقای فناوری، سرمایه‌گذاری در تجهیزات پاک و آشنایی فعالان صنعت با استانداردهای جهانی، از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های حفظ جایگاه صنعت نساجی ایران در بازارهای داخلی و صادراتی به شمار می‌رود. بدون اصلاح نظام تأمین مالی، نوسازی فناوری، توسعه سرمایه انسانی و حرکت به سمت تولید پایدار، رقابت با تولیدکنندگان منطقه‌ای و جهانی دشوارتر خواهد شد و آینده این صنعت بیش از گذشته به کیفیت سیاست‌گذاری و میزان سرمایه‌گذاری در بهره‌وری و نوآوری وابسته خواهد بود.

توسعه دانش فنی،
ارتقای فناوری،
سرمایه‌گذاری در
تجهیزات پاک و آشنایی
فعالان صنعت با
استانداردهای جهانی، از
مهم‌ترین پیش‌شرط‌های
حفظ جایگاه صنعت
نساجی ایران در بازارهای
داخلی و صادراتی به
شمار می‌رود



کرمان دهم‌تهر



- حجم موتور 1499cc تنفس طبیعی
- گیربکس اتوماتیک از نوع CVT
- مجهز به سیستم فرمان برقی (EPS)
- سیستم کنترل کشش (TCS)
- سیستم کنترل ایستایی در سربالایی (HAC)
- سیستم کنترل سرعت در سرازیری (HDC)
- ترمز پارک برقی (EPB) + اتوهلد (Auto Hold)
- سانروف
- سیستم ورود بدون کلید + استارت دکمه‌ای
- چراغ‌های جلو و عقب LED
- چراغ روشنایی در روز
- آینه‌های جانبی تاشونده برقی مجهز به گرمکن



© K E R M A N M O T O R

KMC SHADOW

کی ام سی شادو

- کروز کنترل
- پشت آمپر دیجیتال
- شارژر وایرلس
- تنظیم برقی صندلی راننده در 6 جهت
- تنظیم برقی صندلی سرنشین در 4 جهت
- گرمکن صندلی‌های ردیف جلو
- قابلیت تاشوندگی صندلی‌های ردیف عقب
- روکش صندلی چرمی و پارچه ای
- اهرم تعویض دنده با عملکرد الکترونیکی
- قابلیت تنظیم حالت رانندگی : STANDARD – SPORT – SNOW
- نمایشگر مرکزی 10 اینچی مجهز به سیستم مسیریاب
- مجهز به Apple CarPlay و Android Auto

مدیر عامل گروه سرمایه گذاری خوارزمی تصریح کرد:

خلق ارزش از زنجیره معدن



در شرایطی که اقتصاد ایران با نوسانات ارزی، تورم و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری روبه‌روست، توجه به دارایی‌های مولد و تکمیل زنجیره ارزش، بیش از گذشته اهمیت یافته است. گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی نیز با تمرکز بر توسعه فعالیت‌های معدنی، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های راهبردی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، تلاش دارد سهم بیشتری در خلق ارزش پایدار برای سهامداران ایفا کند. در گفت‌وگو با دکتر سعید سوادکوهی، مدیرعامل گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی، مهم‌ترین برنامه‌ها و رویکردهای این هلدینگ در حوزه معدن را بررسی کرده‌ایم.

معدن چه جایگاهی در راهبرد توسعه خوارزمی دارد؟

معدن در گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی یکی از مهم‌ترین پیشران‌های خلق ارزش پایدار به شمار می‌رود. نگاه ما صرفاً تملک معادن نیست، بلکه توسعه یک زنجیره یکپارچه از اکتشاف، استخراج، فرآوری، توسعه فناوری، مدیریت پروژه، تأمین مالی و توسعه بازار را دنبال می‌کنیم. در شرایط اقتصادی امروز، دارایی‌های معدنی به دلیل اتکا به منابع واقعی، نقش مهمی در حفظ ارزش سرمایه دارند و از همین رو، توسعه پروژه‌های طلا، مس و سایر ذخایر دارای مزیت رقابتی، همراه با تکمیل زنجیره ارزش، در اولویت برنامه‌های گروه قرار گرفته است. ما آینده معدن را در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، هوشمندسازی، تحلیل داده، افزایش بهره‌وری و توسعه سرمایه انسانی متخصص می‌بینیم و معتقدیم ارزش آفرینی پایدار زمانی محقق می‌شود که منابع معدنی با دانش و مدیریت حرفه‌ای همراه شوند.

چرا خوارزمی توسعه زنجیره ارزش معدن را بر سایر حوزه‌ها ترجیح داده است؟

اقتصاد ایران از مزیت کم‌نظیری در حوزه ذخایر معدنی برخوردار است و این مزیت، برخلاف بسیاری از مزیت‌های اقتصادی، ماندگار و غیرقابل انتقال است. همچنین تجربه نشان داده در اقتصادهای تورمی، دارایی‌های واقعی عملکرد مناسب‌تری در حفظ ارزش سرمایه دارند.

با این حال، هدف ما تنها بهره‌برداری از یک معدن نیست؛ زیرا بخش عمده ارزش اقتصادی در حلقه‌های پایین‌دستی، فرآوری، توسعه فناوری و تولید محصولات با ارزش افزوده بالاتر ایجاد می‌شود. به همین دلیل، راهبرد خوارزمی حرکت از خام‌فروشی به سمت ارزش آفرینی در کل زنجیره معدن است.

طبیعتاً این حوزه با ریسک‌هایی همچون ریسک‌های اکتشافی، عملیاتی، مالی و زیرساختی همراه است، اما ما ریسک را صرفاً تهدید نمی‌دانیم؛ بلکه آن را متغیری قابل مدیریت برای دستیابی به بازدهی پایدار تلقی می‌کنیم.

تاب‌آوری و ارزش آفرینی در پروژه‌های معدنی بر چه عواملی استوار است؟

از نگاه ما، تاب‌آوری بر هم‌افزایی سه سرمایه راهبردی؛ یعنی سرمایه مالی، سرمایه فناوریانه و سرمایه مدیریتی استوار است. البته در نهایت این کیفیت مدیریت است که منابع را به ارزش اقتصادی تبدیل می‌کند.

امروز آینده معدن‌کاری با تحول دیجیتال، هوش مصنوعی، اتوماسیون، تحلیل داده‌های زمین‌شناسی و فناوری‌های نوین فرآوری گره خورده است. در کنار این تحولات، مدیریت حرفه‌ای پروژه، کنترل ریسک، مدیریت دانش و اجرای دقیق پروژه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت سرمایه‌گذاری‌های معدنی دارد؛ زیرا ارزش زمانی ایجاد می‌شود که پروژه با هزینه مناسب، در زمان مقرر و با کیفیت مطلوب به بهره‌برداری برسد.

هم‌افزایی میان هلدینگ‌های معدن، انرژی و مالی چگونه شکل می‌گیرد؟

یکی از مهم‌ترین مزیت‌های خوارزمی، هم‌افزایی میان سه هلدینگ معدن، انرژی و مالی است. این سه بخش به صورت مستقل عمل نمی‌کنند، بلکه اجزای یک زنجیره ارزش واحد هستند. هلدینگ انرژی با تأمین زیرساخت‌های موردنیاز پروژه‌های معدنی، بخشی از ریسک‌های عملیاتی را کاهش می‌دهد و هلدینگ مالی نیز با استفاده از ظرفیت‌های بازار سرمایه و ابزارهای نوین تأمین مالی، منابع موردنیاز پروژه‌های توسعه‌ای را فراهم می‌کند. این ساختار یکپارچه، انعطاف‌پذیری گروه را در برابر محدودیت‌های اقتصادی و زیرساختی افزایش داده و زمینه اجرای سریع‌تر پروژه‌ها را فراهم می‌سازد.

استفاده از ابزارهای نوین
بازار سرمایه، طراحی
ساختارهای متناسب
تأمین مالی و همکاری با
سرمایه‌گذاران راهبردی،
امکان اجرای پروژه‌های
توسعه‌ای را بدون ایجاد
فشار بر نقدینگی فراهم
می‌آورد

اولویت سرمایه‌گذاری خوارزمی در سال ۱۴۰۵ چیست؟

راهبرد ما ایجاد توازن میان توسعه ذخایر جدید و ارتقای فناوری است. توسعه اکتشاف بدون فناوری بهره‌وری را کاهش می‌دهد و توسعه فناوری بدون دسترسی به ذخایر جدید نیز رشد بلندمدت را تضمین نخواهد کرد. بر همین اساس، تخصیص سرمایه بر پایه شاخص‌هایی مانند نرخ بازده سرمایه‌گذاری، ارزش فعلی پروژه‌ها، میزان ذخایر، دوره بازگشت سرمایه، ریسک‌های عملیاتی، توسعه زنجیره ارزش و اثر هر پروژه بر ارزش پرتفوی انجام می‌شود.

هدف نهایی ما افزایش کیفیت دارایی‌ها و ارتقای توان ارزش آفرینی آن‌هاست، نه صرفاً افزایش حجم سرمایه‌گذاری.

چگونه میان سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و مدیریت نقدینگی تعادل برقرار می‌شود؟

پروژه‌های معدنی ماهیتی سرمایه‌بر و بلندمدت دارند؛ از این رو مدیریت نقدینگی یکی از ارکان اصلی نظام سرمایه‌گذاری خوارزمی است. تنوع فعالیت‌های گروه در حوزه‌های معدن، انرژی، مالی، دارو، ساختمان و بازرگانی، جریان‌های نقدی متنوعی ایجاد کرده که امکان مدیریت متوازن منابع را فراهم می‌کند.

در کنار آن، استفاده از ابزارهای نوین بازار سرمایه، طراحی ساختارهای متناسب تأمین مالی و همکاری با سرمایه‌گذاران راهبردی، امکان اجرای پروژه‌های توسعه‌ای را بدون ایجاد فشار بر نقدینگی فراهم می‌آورد.

در نهایت، باور ما این است که موفقیت در معدن تنها به کشف ذخایر یا اجرای پروژه‌ها وابسته نیست؛ بلکه به توانایی تبدیل این دارایی‌ها به ارزش اقتصادی پایدار از طریق مدیریت حرفه‌ای، فناوری، تکمیل زنجیره ارزش و سرمایه‌گذاری هوشمندانه بستگی دارد.

این رویکرد، مبنای برنامه‌های توسعه‌ای گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی در سال‌های آینده خواهد بود.

امروز آینده معدن‌کاری
با تحول دیجیتال،
هوش مصنوعی،
اتوماسیون، تحلیل
داده‌های زمین‌شناسی و
فناوری‌های نوین فرآوری
گره خورده است

مدیرعامل شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین عنوان کرد:

آینده معدن در عصر مواد معدنی استراتژیک



آینده اقتصاد جهانی بیش از هر زمان دیگری به تأمین پایدار مواد معدنی استراتژیک گره خورده است و کشورهایی که بتوانند زنجیره ارزش این بخش را تکمیل کرده، در فناوری سرمایه‌گذاری کنند و زیرساخت‌های تولید را توسعه دهند، از مزیت رقابتی بیشتری برخوردار خواهند شد. ایران نیز با برخورداری از ذخایر غنی معدنی، ظرفیت آن را دارد که سهم پررنگ‌تری در این معادله ایفا کند؛ مشروط بر آنکه چالش‌هایی مانند ناترازی انرژی، ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل و موانع توسعه برطرف شود. علی‌امرابی، مدیرعامل شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین با تأکید بر این رویکرد، از تنوع‌بخشی به سبد محصولات، توسعه صنایع پایین‌دستی و حرکت به سمت تولید محصولات با ارزش افزوده بیشتر، به عنوان راهبرد اصلی این شرکت برای آینده یاد می‌کند.

رقابت جهانی بر سر مواد معدنی استراتژیک چه فرصت‌هایی برای ایران و گهرزمین ایجاد می‌کند؟

واقعیت این است که اقتصاد جهان در حال تغییر است. اگر روند مصرف فولاد را در افق ۲۰۳۰ تا ۲۰۵۰ بررسی کنیم، می‌بینیم که رشد تقاضا مانند گذشته نخواهد بود و مصرف فولاد به سمت مدیریت‌شده‌تر شدن حرکت می‌کند. از سوی دیگر، توسعه فولادهای آلیاژی، استفاده از مواد سبک‌تر در صنایع مختلف و تغییر الگوی ساخت‌وساز، موجب شده اهمیت برخی مواد معدنی استراتژیک بیش از گذشته افزایش پیدا کند. امروز فلزاتی مانند مس، طلا، لیتیوم و عناصر نادر خاکی به محور رقابت اقتصادهای بزرگ تبدیل شده‌اند.

بر همین اساس، گهرزمین نیز برنامه خروج از تک‌محصولی را دنبال می‌کند. علاوه بر توسعه زنجیره فولاد، ورود به حوزه مس آغاز شده و احداث واحدهای فرآوری مس و طلا نیز در برنامه شرکت قرار دارد. هدف این است که سبد سرمایه‌گذاری شرکت متنوع‌تر شود تا سودآوری آن تنها به یک محصول وابسته نباشد و بتواند در بازارهای داخلی و صادراتی جایگاه مستحکم‌تری به دست آورد.

ایران برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های معدنی و توسعه زنجیره ارزش چه موانعی پیش‌رو دارد؟

امروز یکی از مهم‌ترین مشکلات صنعت معدن و فولاد، ناترازی انرژی است. کمبود گاز در زمستان و محدودیت برق در تابستان مستقیماً بر تولید اثر می‌گذارد. علاوه بر آن، معادن بزرگ برای فعالیت ماشین‌آلات سنگین به گازوئیل نیاز دارند و تأمین این سوخت در فصل سرد سال نیز به یکی از دغدغه‌های جدی تبدیل شده است. اگر مشکل گاز برطرف شود، هم افت تولید زمستانی کاهش پیدا می‌کند و هم ظرفیت نیروگاه‌های برق کشور افزایش خواهد یافت.

در کنار انرژی، برخی مقررات و دستورالعمل‌های دست‌وپاگیر نیز روند فعالیت شرکت‌ها را با مشکل مواجه کرده است. از سوی دیگر، موضوع لجستیک به یکی از مهم‌ترین عوامل اقتصادی طرح‌های فولادی تبدیل شده است. در برخی پروژه‌ها، به دلیل مکان‌یابی نامناسب و فاصله زیاد میان معادن، واحدهای فرآوری و بازار مصرف، سهم هزینه حمل‌ونقل در قیمت تمام‌شده محصولات به ۳۰ تا ۵۰ درصد می‌رسد. بسیاری از این طرح‌ها تحت تأثیر ملاحظات غیرکارشناسی اجرا شده‌اند، در حالی که توسعه زنجیره فولاد باید به گونه‌ای باشد که حلقه‌های مختلف تولید در کنار یکدیگر مستقر شوند تا هم هزینه‌ها کاهش یابد و هم فشار کمتری بر زیرساخت‌های حمل‌ونقل کشور وارد شود.

گهرزمین برای تکمیل زنجیره ارزش و جلوگیری از خام‌فروشی چه برنامه‌ای دارد؟

گهرزمین امروز تقریباً تمامی حلقه‌های زنجیره فولاد را در اختیار دارد؛ از استخراج سنگ‌آهن تا تولید کانساز، گندله، آهن اسفنجی و شمش. راهبرد شرکت این است که تا حد امکان از خام‌فروشی فاصله بگیرد و محصولات با ارزش افزوده بالاتر تولید کند.

بر همین اساس، بخشی از آهن اسفنجی به شمش و بخش دیگری به بریکت گرم (HBI) تبدیل می‌شود. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد بازارهای منطقه، به‌ویژه در حوزه منا، همچنان حداقل تا ۱۵ تا ۲۰ سال آینده ظرفیت مناسبی برای صادرات HBI خواهند داشت. هرچند در مقطع فعلی، به دلیل شرایط تولید برخی فولادسازان بزرگ کشور، ممکن است بخش بیشتری از این محصول در بازار داخلی مصرف شود، اما راهبرد بلندمدت شرکت همچنان توسعه صادرات محصولات با ارزش افزوده بالاتر است.

تحولات ژئوپلیتیکی، جنگ و محدودیت‌های صادراتی چه تأثیری بر عملکرد شرکت داشته است؟

در دوره نخست جنگ، اولویت اصلی شرکت حفظ جان و ایمنی کارکنان بود. با وجود شرایط خاص، تولید متوقف نشد و سودآوری شرکت نیز حفظ شد. در آن مقطع، محدودیت جدی برای صادرات وجود نداشت و فعالیت‌ها با مدیریت شرایط ادامه پیدا کرد.

اما در مرحله بعد، محدودیت‌های صادراتی به مهم‌ترین چالش تبدیل شد. هرچند گهرزمین توانست بخش عمده محصولات خود را در داخل زنجیره فولاد کشور به فروش برساند و روند تولید را حفظ کند، اما ادامه محدودیت‌های صادراتی می‌تواند اجرای پروژه‌های توسعه‌ای را با مشکل مواجه کند، زیرا بخشی از منابع ارزی مورد نیاز این طرح‌ها از محل صادرات تأمین می‌شود. در شرایط جنگی نیز طبیعی است که حفظ ایمنی کارکنان بر هر موضوع دیگری اولویت داشته باشد، حتی اگر این موضوع به کاهش موقت ظرفیت تولید منجر شود.

برای توسعه صنعت معدن و فولاد، جذب سرمایه و فناوری به چه اصلاحاتی نیاز دارد؟

در شرایط فعلی و با توجه به تحولات منطقه‌ای، انتظار ورود گسترده سرمایه‌گذاران خارجی چندان واقع‌بینانه نیست و بخش عمده سرمایه‌گذاری‌ها از منابع داخلی تأمین خواهد شد. اما آنچه امروز بیش از هر چیز اهمیت دارد، سرمایه‌گذاری در فناوری است. هوشمندسازی معادن، استفاده از هوش مصنوعی در مدیریت استخراج، بهینه‌سازی نسبت باطله‌برداری، کاهش مصرف انرژی و افزایش بهره‌وری، از مهم‌ترین نیازهای صنعت معدن است. در حالی که دنیا وارد نسل پنجم انقلاب صنعتی شده، صنعت معدن و فولاد ایران هنوز در مسیر استقرار کامل فناوری‌های نسل چهارم قرار دارد. هرچند شرکت‌های داخلی طی سال‌های اخیر دستاوردهای ارزشمندی داشته‌اند، اما محدودیت‌های ناشی از تحریم، دسترسی به فناوری‌های پیشرفته را دشوار کرده است. با این حال، حرکت به سمت معدن‌کاری هوشمند و توسعه فناوری، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ رقابت‌پذیری صنعت معدن و فولاد کشور در سال‌های آینده خواهد بود.

گهرزمین توانست
بخش عمده محصولات
خود را در داخل
زنجیره فولاد کشور به
فروش برساند و روند
تولید را حفظ کند، اما
ادامه محدودیت‌های
صادراتی می‌تواند اجرای
پروژه‌های توسعه‌ای را
با مشکل مواجه کند،
زیرا بخشی از منابع ارزی
مورد نیاز این طرح‌ها
از محل صادرات تأمین
می‌شود

مدیرعامل شرکت طلایه‌داران معادن خوارزمی مطرح کرد:

هوشمندسازی؛ آینده معادن



هوشمندسازی معادن دیگر یک انتخاب فناورانه نیست، بلکه به ضرورتی برای افزایش بهره‌وری، ارتقای ایمنی و حفظ رقابت‌پذیری صنعت معدن در جهان تبدیل شده است. با وجود آنکه در ایران این مفهوم بیشتر با ماشین‌آلات هوشمند و اتوماسیون فرآیندهای استخراج شناخته می‌شود، کارشناسان معتقدند ظرفیت اصلی هوش مصنوعی در بخش معدن، از مرحله اکتشاف آغاز می‌شود و تا مدیریت، تأمین مالی و توسعه سرمایه‌گذاری ادامه می‌یابد. در چنین شرایطی، آینده معدنکاری ایران بیش از هر زمان دیگری به میزان بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تحول دیجیتال گره خورده است؛ موضوعی که محمد جواد نیری مدیرعامل شرکت طلایه‌داران معادن خوارزمی در گفت‌وگوی پیش‌رو، با تشریح ابعاد مختلف آن، از فرصت‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق معادن هوشمند در کشور می‌گوید.

فرآیندهای تأمین مالی خصوصاً با تکیه بر موقعیت نسبتاً قدرتمند فلزات گرانبها در شرایط نااطمینانی اقتصاد جهانی است.

مهم‌ترین چالش و فرصت هوشمندسازی معادن در ایران را چه می‌دانید؟

اگر بر اساس مفاهیم دانش مدیریت چالش و فرصت را همان نقاط منفی و مثبت فضای بیرونی محیط کار تعریف کنیم، قطعاً کلیدی‌ترین چالش، روند سیاست‌گذاری کلان‌پولی کشور به نفع سوداگری و به زیان سرمایه‌گذاری مولد است. عدم تأمین اعتبار لازم برای فعالیت‌های مولد یکی از دلایل موجه رکود است و در چنین شرایطی اهمیت معرفی ابزارهای مالی‌ای که بر پایه پس‌انداز مردمی هستند و به دلیل اتکاء بر دارایی‌های واقعی (مثلاً طلا) ریسک بسیار اندکی نیز دارند دارای اهمیت کلیدی است. مهم‌ترین فرصت هم در شرایط نااطمینانی ناشی از جنگ ناآرام‌دانه‌های احتمالی و غلبه فضای فرار از ریسک (اصطلاحاً risk-off)، باز شدن دریچه‌های موقتی برای هوشمندسازی فرآیندهای تأمین مالی و باز نمودن افق‌های جدید به هدف رشد صنایع معدنی و به تبع آن رشد و توسعه صنعتی کشور در سال‌های پیش‌رو در راستای اهداف برنامه هفتم پیشرفت کشور است.

آیا تحول دیجیتال در معادن، تهدیدی برای اشتغال است یا فرصتی برای ایجاد مشاغل جدید؟

این یک مفهوم شناخته شده در ادبیات اقتصاد است که با پیشرفت فناوری، بعضی از مشاغل سنتی از میان می‌روند و اتفاقاً در کشورهایی که پرجمعیت هستند و فناوری‌های تولیدشان کارمحور است (مانند کشورهای آسیای جنوب شرقی)، سیاست‌گذاران را با معمای رشد اقتصادی هم‌زمان با رشد بیکاری (اصطلاحاً jobless growth) روبرو کرده است؛ اما صنایع سنگین خصوصاً صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و صنایع معدنی اساساً سرمایه‌محور هستند و سهم سرمایه انسانی در آن‌ها از صنایع پایین‌دستی بسیار پایین‌تر است و به نظر می‌رسد کاهش اشتغال در این صنایع ناچیز باشد؛ از سوی دیگر با هوشمندسازی فرآیندهای انتقال مواد معدنی خصوصاً در معدنی‌ها مانند زغال‌سنگ که به دلایل فنی با مسئله کلیدی تخلیه متان معادن زغال‌سنگ روبرو (اصطلاحاً CMM) روبرو هستند ممکن است بخشی از فرآیندها روباتیک شوند اما با این رویداد علاوه بر کاهش جدی سوانح ناشی از خطای انسانی در معادن و بهبود کلی وضعیت بهداشت، ایمنی، محیط زیست و انرژی، نیاز جدی‌ای مثلاً در زمینه اپراتوری دکل‌های هوشمند حفاری اکتشافی (و بعدها در زمینه اپراتوری پهپادهای ریموت سنسینگ) در کشور وجود دارد که با پیشرفت صنایع معدنی هوشمند قطعاً رشد داشته و اشتغال‌زا خواهد بود. البته این تحلیل صرفاً در سیستم‌های مرزبندی شده سؤال یک‌پارچه‌شده صنایع معدنی پیشرفته قطعاً تقاضا برای نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای مرتبط با هوشمندسازی را افزایش داده و شکل‌گیری بازارهای جدیدی را نیز پشتیبانی خواهد کرد. برآورد مؤسسه شناخته شده گاتر که یکی از پیشبران‌های چشم‌انداز تحول دیجیتال است نشان‌دهنده رشد قابل توجه کاربردهای نرم‌افزاری هوش مصنوعی در مقابل رشد "هوش مصنوعی تصمیم‌گیر" یا نیروی کار واقعی در اقتصادهای پیشرفته است؛ به عبارت دیگر، حداقل تا سال ۲۰۲۸ تنها ۱۵٪ از شغل‌ها در اقتصادهای پیشرفته با هوش مصنوعی جایگزین خواهند شد که این نسبت قطعاً در اقتصاد در حال توسعه ایران پایین‌تر نیز خواهد بود.

از نگاه شما معدن هوشمند چیست و چه جایگاهی در آینده معدنکاری ایران دارد؟

برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید زنجیره ارزش صنایع معدنی را در قالب یک سیستم دارای مرزبندی به صورت حلقه‌های اکتشاف، استخراج، فرآوری و پایین‌دست در نظر بگیریم که پایین‌دست با توجه به گستردگی کاربردهای صنعتی، دارویی و خوراک معادن موضوع بحث نیست؛ آنچه که بیشتر درباره معادن هوشمند رسانه‌ای شده است، نقش هوش مصنوعی در معادن و به خصوص در زمینه فناوری‌های نرم‌افزاری انتقال مواد معدنی (حلقه استخراج و فرآوری) است. باید گفت در این رویکرد رسانه‌ای سعی شده است با ارتباط برقرار کردن میان پیشرفت‌های صورت‌پذیرفته در دو زمینه هوش مصنوعی محتواساز (generative AI) و دانش روباتیک (طبق آخرین گزارش روندهای فناوری مؤسسه مدیریتی دیلویت در سال ۲۰۲۴)، چشم‌اندازهای جدیدی از نحوه فعالیت ماشین‌آلات استخراج‌کننده در مرحله نخست و سپس نحوه فعالیت سامانه‌های انتقال مواد (material handling) ترسیم شود که نقش انسان در آن کم‌رنگ شده است و طبیعتاً هم از نظر خطاهای فنی-شناختی (بعد عملیاتی) و هم از نظر مباحث مرتبط با بهداشت، ایمنی، محیط زیست و مصرف انرژی (HSEE-بعد توسعه پایدار) مفید به نظر می‌رسد. اما اگر دقیق‌تر نگاه کنیم، کلیدی‌ترین کمکی که هوش مصنوعی می‌تواند به توسعه معادن و صنایع معدنی کشور نماید محدود به رویکرد پیش‌گفته نیست؛ نقش بسیار مهم و کلیدی‌ای در زمینه اکتشاف منابع معدنی برای حوزه تخصصی تحلیل داده و به طور خاص الگوریتم‌های هوش مصنوعی مانند یادگیری ماشینی متصور است که می‌تواند چشم‌انداز صنایع معدنی در کشور را دگرگون نماید. کشورهای پیشرو در توسعه صنعتی مانند چین در حال کار روی نقشه هستند که هوش مصنوعی در زمینه اکتشاف معدنی با شبیه‌سازی‌های مبتنی بر هوش مصنوعی و داده‌های اکتشافی (حتی داده‌های اکتشافی هوایی مانند ریموت سنسینگ) می‌تواند ایفا نماید؛ به نظر بنده، معدن هوشمند معدنی است که از نظر فنی، در وهله نخست در زمینه اکتشاف و سپس در فرآیندهای استخراج و فرآوری از دستاوردهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری هوش مصنوعی برای بهینه‌سازی تولید و افزایش کارایی اقتصادی بهره‌برداری نماید (یک بعد مدیریتی-مالی نیز برای معدن هوشمند متصور است که در پاسخ سؤال بعد به آن اشاره شده است). لازم به ذکر است طبق بند ۹ ماده ۹۹ برنامه هفتم پیشرفت یکی از ارکان بهبود زیست بوم فناوری در حوزه‌های پیشران و اقتدار آفرین، پیشرفت در زمینه هوش مصنوعی است و بنابراین زیست بوم حکمرانی کشور نیز از نظر قانونی بسترهای لازم را رشد این حوزه داراست.

شرکت طلایه‌داران معادن خوارزمی چه برنامه‌ای برای دیجیتالی‌سازی معادن دارد؟

دیجیتالی‌سازی دارای دو بعد است؛ ۱) بعد مدیریتی-مالی؛ و ۲) بعد فنی؛ تمرکز بنده در اینجا روی بعد اولی آن خواهد بود. یکی از دستاوردهای مدیریتی مالی خصوصاً در بازارهای کامودیتی معرفی (یا اصطلاحاً مهندسی) ابزارهای نوین مالی برای هدایت سرمایه به بخش‌های مولد اقتصادی در کنار حداقل‌سازی ریسک در سبدهای دارایی بوده است؛ یکی از اهداف شرکت طلایه‌داران معادن خوارزمی باز کردن یک جبهه جدید در زمینه صنایع معدنی با تمرکز بر مفهوم صنایع معدنی مشارکت‌پذیر در معنای معرفی ابزارهای مالی (اوراق قابل مبادله مبتنی بر کامودیتی یا اصطلاحاً ETC) است که تماماً مبتنی بر دیجیتالی‌سازی

جاده دوطرفه دیپلماسی و صنعت

تولید چگونه قدرت چانه‌زنی ما را در نظام بین‌الملل ارتقا می‌دهد؟

پوریا تفضلی

کارشناس و پژوهشگر روابط بین‌الملل



در تحلیل روندهای حاکم بر نظام بین‌الملل در قرن بیست‌ویکم، یکی از بارزترین تغییرات پارادایم، دگرگونی در مفهوم «قدرت» و «امنیت ملی» است. اگر در سده‌های گذشته، اقتدار یک کشور صرفاً با توانمندی‌های نظامی، وسعت سرزمینی و عمق استراتژیک جغرافیایی سنجیده می‌شد، امروز موازنه قدرت در خطوط تولید، زنجیره‌های تامین جهانی، فناوری‌های نوین و ظرفیت‌های صنعتی رقم می‌خورد. برای ایران که از بدو تاسیس استقلال همه‌جانبه و اقتدار ملی را به عنوان دکتترین بنیادین خود برگزیده است، درک این دگردیسی ژئوپلیتیک یک الزام حیاتی به شمار می‌رود.

در ادبیات روابط بین‌الملل، غالباً رابطه‌ای یک‌سویه میان سیاست خارجی و اقتصاد تصور می‌شود؛ به این معنا که صنعتگران همواره انتظار دارند دستگاه دیپلماسی با گشایش بازارهای جدید و رفع موانع، مسیر را برای شکوفایی تولید هموار سازد. اگرچه این انتظار کاملاً برحق است، اما واقعیت انکارناپذیر اقتصاد سیاسی بین‌الملل این است که این مسیر، یک جاده دوطرفه است. در جهان درهم‌تنیده امروز، این تولید ملی و ظرفیت‌های صنعتی است که به ماشین دیپلماسی سوخت می‌رساند و قدرت مانور نمایندگان سیاسی کشور را در مجامع جهانی تضمین می‌کند.

مهم‌ترین کارکرد یک صنعت پویا و پیشرو برای دستگاه سیاست خارجی، ایجاد سپر دفاعی در برابر تکانه‌های بیرونی و فشارهای نظام سلطه است. مکانیسم این سپر دفاعی بر پایه مفهوم وابستگی متقابل راهبردی استوار است. در نظام جهانی، کشوری که اقتصاد خود را از حالت مصرف‌کننده یا خام‌فروش صرف خارج کرده و به یک حلقه غیرقابل حذف در زنجیره ارزش منطقه‌ای یا بین‌المللی تبدیل کند، عملاً هزینه تحریم کردن و منزوی ساختن خود را برای جامعه جهانی به شدت افزایش می‌دهد.

برای درک بهتر این موضوع، کافی است به رقابت‌های ژئواستراتژیک فعلی بر سر منابع حیاتی نگاه کنیم. گذار اقتصاد جهانی به سمت انرژی‌های پاک و فناوری‌های پیشرفته، منابعی نظیر مس، عناصر نادر خاکی و فرآورده‌های پیچیده صنعتی را به اهرم‌های قدرت تبدیل کرده است.

اگر صنعت، معدن و خطوط تولید ما بتوانند با فناوری این منابع و تولید محصولات با ارزش افزوده بالا، به تامین‌کننده کلیدی در منطقه تبدیل شوند، بلوک‌های قدرت برای تداوم رشد تکنولوژیک و اقتصادی خود به این محصولات نیازمند خواهند بود. در چنین وضعیتی، ابزار تحریم کارایی خود را از دست می‌دهد؛ زیرا جهان تشنه‌ی مواد و قطعات استراتژیک، چاره‌ای جز تعامل سازنده با کشور تولیدکننده نخواهد داشت. در این معادله، هر کارخانه فعال در کشور، صرفاً یک بنگاه سودآور نیست، بلکه یک پایگاه تامین امنیت ملی است که تارهای نامرئی اما مستحکم منافع مشترک را میان ایران و سایر بازیگران بین‌المللی می‌تند.

وزن کلام و قدرت مانور یک هیأت دیپلماتیک در مجامع بین‌المللی، معاهدات دوجانبه و سازمان‌های چندجانبه، همواره تابعی از ظرفیت‌های تولیدی کشوری است که به نمایندگی از آن سخن می‌گویند. دیپلماسی، هنر تبدیل دارایی‌های ملی به اقتدار بین‌المللی است و «تولید»، پول رایج این اقتدار است.

حضور پررنگ و استراتژیک در پیمان‌هایی نظیر بریکس، سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، دستاوردهای بزرگ سیاسی محسوب می‌شوند؛ اما این دستاوردها تنها زمانی به منافع ملموس ملی و ثروت عمومی ترجمه می‌شوند که کشور دارای کالای رقابت‌پذیر برای عرضه در این بازارهای پهناور باشد. هنگامی

که یک کشور از صنایع پیشرو در حوزه‌هایی نظیر فولاد، پتروشیمی، داروسازی، دانش‌بنیان‌ها و ماشین‌آلات برخوردار باشد، دیپلمات‌های آن از موضع انفعال و دفاعی خارج شده و با دستانی پر، به معماری ائتلاف‌های جدید می‌پردازند. در واقع، این محصولات و ظرفیت‌های صنعتی هستند که به قراردادهای دیپلماتیک جان می‌بخشند و آن‌ها را از متون روی کاغذ، به واقعیت‌های تثبیت‌کننده قدرت تبدیل می‌کنند.

نفوذ و اقتدار در دنیای مدرن تنها از طریق قدرت سخت به دست نمی‌آید. قدرت نرم و توانایی تاثیرگذاری بر ذهنیت ملت‌های دیگر، یکی از پایه‌های اصلی دیپلماسی عمومی است. در این عرصه، محصولات صنعتی و کالاهای صادراتی، رسانترین سفیران یک کشور محسوب می‌شوند.

حضور مستمر برندهای صنعتی، محصولات با فناوری بالا، خدمات مهندسی و حتی کالاهای استراتژیک غذایی ایران در بازارهای کشورهای همسایه و فرامنطقه‌ای، تصویری از یک ایران توانمند، توسعه‌یافته و قابل اتکا در ذهن مصرف‌کننده و سیاست‌گذار خارجی ترسیم می‌کند. این حضور اقتصادی، به مرور زمان به تعمیق پیوندهای فرهنگی و امنیتی منجر شده و عمق راهبردی کشور را گسترش می‌دهد. صنعتگر ایرانی با صادرات محصول باکیفیت خود، در واقع در حال بسط اعتبار، توانمندی و پیام صلح دوستی ایران در جهان است و دستاوردهای او به صورت مستقیم، سرمایه دیپلماتیک کشور را مضاعف می‌سازد.

با پذیرش این واقعیت که توسعه صنعتی، ماموریتی فراتر از حوزه‌های صرفاً اقتصادی است و رکن انکارناپذیری در دکتترین امنیت ملی به شمار می‌رود، نیازمند بازنگری در سازوکارهای داخلی با یک نگاه راهبردی و دلسوزانه هستیم. فعالان عرصه تولید و صنعتگران، در خط مقدم جبهه اقتدار ملی در حال نبرد هستند؛ لذا هرگونه مانع‌تراشی در مسیر حرکت آن‌ها، به معنای خلع سلاح کردن دیپلمات‌های کشور در عرصه بین‌الملل است.

در این راستا، بوروکراسی‌های پیچیده، تعدد بخشنامه‌های خلق‌الساعه و نگاه‌های جزیره‌ای در برخی دستگاه‌های اجرایی، نباید صرفاً به عنوان چالش‌های اداری نگریسته شوند؛ این موارد در سطح کلان، آسیب‌پذیری‌های استراتژیک تولید می‌کنند. نظام اداری و سیاست‌گذاری کشور باید از رویکرد کنترلی و محدودکننده به رویکرد تسهیل‌گر و حامی استراتژیک ارتقا یابد. نهادهای ذی‌ربط باید با درک این رسالت ملی، مسیر توسعه صنعتی را هموار سازند تا کند شدن چرخ‌های تولید در داخل، به لکنت زبان در دفاع از حقوق ملت در خارج از مرزها منجر نشود. قوانین و مقررات باید به مثابه کاتالیزوری عمل کنند که پتانسیل‌های عظیم صنعتی کشور را شکوفا می‌سازند.

ایران امروز در کانون منطقه‌ای پراشتاب و در جهانی قرار دارد که با سرعتی بی‌سابقه به سمت بلوک‌بندی‌های جدید در حال حرکت است. در این گذار حساس تاریخی، دیپلماسی و صنعت دو بال تفکیک‌ناپذیر برای اوج‌گیری و تثبیت اقتدار ملی هستند. دستگاه دیپلماسی برای باز کردن درهای بازارهای جدید و رفع محدودیت‌ها با تمام توان در میدان است، اما تثبیت این گشایش‌ها و حفظ دستاوردها، منوط به پشتیبانی یک صنعت پویا، رقابت‌پذیر و درون‌زا است.

با بهره‌مندی از نیروی انسانی جوان و متخصص، موقعیت ممتاز جغرافیایی و منابع سرشار خدادادی، ایران تمامی عناصر لازم برای تبدیل شدن به یک قطب صنعتی و ژئواکونومیک بین‌المللی را در اختیار دارد. با تغییر نگاه کلان به مقوله تولید و درک پیوند عمیق میان خطوط تولید کارخانه‌ها و خطوط مقدم دیپلماسی، می‌توانیم با صلابت از این پیچ تاریخی عبور کنیم. اقتدار پایدار ایران در عرصه جهانی، در گرو روزی است که شکوه دیپلماسی، انعکاس اراده پولادین صنعتگران کشور باشد.

در جهان درهم‌تنیده امروز، این تولید ملی و ظرفیت‌های صنعتی است که به ماشین دیپلماسی سوخت می‌رساند



حسگرهای اقتصادی

موقعیت تعدیل

اقتصاد ایران پس از جنگ در چه وضعی است؟

نتایج شاخص مدیران خرید (شامخ) اردیبهشت ۱۴۰۵ حاکی از آن است که اقتصاد ایران هنوز در مرحله تعدیل پس از شوک قرار دارد و بازگشت پایدار به مسیر رشد، مستلزم اتخاذ مجموعه‌ای از سیاست‌های هماهنگ برای کاهش نااطمینانی‌ها، حمایت از زنجیره تأمین، بهبود محیط کسب‌وکار و تقویت توان مالی بنگاه‌های اقتصادی است.

به گزارش اقتصاد نگار، شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد در اردیبهشت ۱۴۰۵ با ۴۲/۳ (تعدیل فصلی‌شده) و شامخ بخش صنعت با عدد ۴۵/۳ همچنان در محدوده رکودی قرار دارند. عدد شامخ کل اقتصاد در فروردین ۱۴۰۵ نیز ۳۸/۵ بود. این اعداد نشان‌دهنده چهاردهمین ماه متوالی رکود برای کل اقتصاد و سیزدهمین ماه برای بخش صنعت است. هرچند شدت کاهش نسبت به فروردین ماه کمتر شده، اما این بهبود عمدتاً ناشی از بازگشت تدریجی بنگاه‌ها پس از تعطیلات گسترده ناشی از جنگ است، نه نشانه‌ای از رونق اقتصادی، تولید، سفارشات جدید، فروش، صادرات، اشتغال و موجودی مواد اولیه همگی در سطوح پایین‌تر از حد نرمال قرار دارند.

■ زیرشاخص کل اقتصاد

جزئیات مهمترین مؤلفه‌های اصلی شامخ کل اقتصاد به شرح زیر است:

تولید و خدمات: شاخص مقدار تولید با عدد ۴۴/۵ برای سیزدهمین ماه متوالی زیر ۵۰ قرار دارد. اختلال در تأمین نهاده‌ها، ضعف تقاضا، محدودیت نقدینگی و ناترازی انرژی از موانع اصلی بازگشت تولید به شرایط عادی هستند.

سفارشات جدید: با عدد ۴۰/۳ برای چهاردهمین ماه متوالی در رکود است. کاهش قدرت خرید، تورم بالا و نااطمینانی اقتصادی موجب کاهش تقاضای مؤثر شده است.

استخدام و اشتغال: شاخص استخدام با عدد ۴۰/۵ برای دوازدهمین ماه متوالی زیر ۵۰ قرار دارد و در یکی از پایین‌ترین سطوح تاریخی است. افزایش هزینه‌ها و کاهش فروش بنگاه‌ها را به تعدیل نیروی انسانی یا عدم جایگزینی نیروهای خروجی سوق داده است.

موجودی مواد اولیه: با عدد ۴۰/۲ برای سیزدهمین ماه متوالی کاهشی است. محدودیت‌های انرژی، اختلال در واردات و مشکلات حمل‌ونقل، زنجیره تأمین را با بحران مواجه کرده است.

قیمت مواد اولیه: شاخص قیمت با عدد ۹۱/۹ به بالاترین سطح ۴۸ ماهه رسیده که بیانگر فشار شدید هزینه‌ای بر بنگاه‌ها و احتمال انتقال آن به قیمت فروش در ماه‌های آینده است.

■ زیرشاخص صنعت

مؤلفه‌های اصلی شامخ بخش صنعت هم به شرح زیر است:

تولید محصولات صنعتی: با عدد ۴۷/۲ برای هفتمین ماه متوالی رکودی است، هرچند بیشترین مقدار ۵ ماه گذشته را ثبت کرده است. بحران واردات و اختلال در زنجیره تأمین، مهم‌ترین عوامل کاهش تولید هستند.

سفارشات جدید مشتریان: با عدد ۴۸ همچنان در رکود است، هرچند نسبت به ماه قبل بهبود جزئی داشته است.

موجودی مواد اولیه: با عدد ۳۶/۳ در یکی از کمترین سطوح قرار دارد و نگرانی از اتمام موجودی انبارها و تعطیلی واحدها را افزایش داده است.

فروش محصولات: با عدد ۴۱/۵ برای هفتمین ماه متوالی در رکود است. ضعف تقاضای داخلی و اختلال در صادرات، فروش بنگاه‌ها را به شدت کاهش داده است.

اشتغال در صنعت: با عدد ۳۸/۷ در پایین‌ترین سطح تاریخی ۸ ساله قرار دارد و نشان‌دهنده تداوم تعدیل نیروی انسانی است.

انتظارات تولید در ماه آینده: با عدد ۴۸/۵ برای سومین ماه متوالی بدبینانه است و بسیاری از صنایع بهبود شرایط را منوط به ثبات اقتصادی و رفع محدودیت‌های تأمین مواد اولیه می‌دانند.

■ چالش‌ها

چالش‌های اصلی از دیدگاه فعالان اقتصادی در موارد زیر قابل جست‌وجوست.

بحران تأمین مواد اولیه: کمبود، نبود تنوع و افزایش لحظه‌ای قیمت مواد اولیه، اصلی‌ترین

شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد ایران (دوماه منتهی به اردیبهشت ۱۴۰۵)				
شاخص	تعدیل فصلی نشده		تعدیل فصلی شده	
	فروردین ۱۴۰۵	اردیبهشت ۱۴۰۵	فروردین ۱۴۰۵	اردیبهشت ۱۴۰۵
مؤلفه‌های اصلی	۲۶/۳	۴۸/۸	۳۸/۵	۴۲/۳
	۲۰/۸	۵۴/۸	۴۰/۴	۴۴/۵
	۲۰/۶	۴۹/۴	۳۵	۴۰/۳
	۳۰/۴	۴۵/۷	۴۴/۵	۴۶/۵
	۳۹/۵	۳۴/۹	۳۴/۹	۴۰/۲
	۳۷/۱	۴۳/۸	۳۸/۷	۴۰/۵
مؤلفه‌های کمکی	۹۰/۵	۹۱/۹	۹۰/۵	۹۱/۹
	۴۱/۹	۴۶/۷	۴۴	۴۶/۹
	۲۵/۳	۴۴/۷	۳۸/۲	۴۲/۵
	۷۰/۷	۶۸/۵	۷۰/۷	۶۸/۵
	۲۵/۷	۶۰/۱	۴۵	۵۴/۲
	۳۵/۴	۵۵/۳	۴۹/۱	۴۳/۶
انتظارات درباره میزان فعالیت اقتصادی در ماه آینده				
	۴۵/۴	۴۸/۸	۳۳/۸	۴۶/۱

منبع: مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران

چالش بنگاه‌هاست. توقف صنایع بالادست، ماندن کالا در بنادر و مسدود شدن ثبت سفارش، تولید را با خطر تعطیلی مواجه کرده است.

محدودیت‌های انرژی و تجارت خارجی: عدم تخصیص ارز، مشکلات ترخیص کالا، ناپایداری مقررات صادرات و واردات، و کاهش صرفه اقتصادی صادرات از دغدغه‌های جدی فعالان اقتصادی است.

تورم و افزایش هزینه‌های تولید: افزایش شدید قیمت نهاده‌ها، هزینه‌های بسته‌بندی، حمل‌ونقل و دستمزد، برنامه‌ریزی تولید و قیمت‌گذاری در دشوار کرده است.

بحران نقدینگی: کمبود نقدینگی، عدم پرداخت تسهیلات بانکی و نیاز فزاینده به سرمایه در گردش، از موانع اصلی حفظ سطح فعالیت و اشتغال است.

ناترازی انرژی: قطعی برق، کمبود سوخت و عدم اطلاع‌رسانی مناسب، ظرفیت تولید را کاهش و ریسک تعطیلی را افزایش داده است.

نااطمینانی و بی‌ثباتی محیط کسب‌وکار: تغییرات مکرر مقررات، بروکراسی طولانی و نبود حمایت مؤثر پس از بحران‌ها، چشم‌انداز تولید را تضعیف کرده است.

ریسک تعطیلی بنگاه‌ها: مجموع فشارها، بسیاری از واحدها را به توقف فعالیت یا کاهش شدید ظرفیت واداشته است.

■ وضع جهانی

در سطح بین‌المللی، شاخص PMI جهانی تولید در مه ۲۰۲۴ با عدد ۵۱/۸ نشان‌دهنده رشد اندک فعالیت‌هاست. اگرچه تولید صنعتی به بالاترین سطح ۵ سال اخیر رسیده، اما اشتغال به پایین‌ترین مقدار از اواسط ۲۰۲۰ کاهش یافته و خوش‌بینی بنگاه‌ها به دومین سطح پایین از زمان همه‌گیری کووید ۱۹ رسیده است. تورم نهاده‌های تولید به بالاترین میزان ۳ سال گذشته رسیده و فشارهای تورمی همچنان پابرجاست. در کشورهای مختلف، آمریکا، چین، ژاپن و هند رشد داشته‌اند، اما منطقه یورو و بریتانیا همچنان با کاهش فعالیت مواجه هستند.

■ رهیافت‌ها یا راهکارها

نتایج شامخ اردیبهشت نشان می‌دهد اقتصاد ایران پس از شوک جنگ، هرچند از شدت افت کاسته شده، اما همچنان در رکود عمیق قرار دارد. بهبود مشاهده‌شده عمدتاً به دلیل بازگشت بنگاه‌ها پس از تعطیلات است، نه احیای پایدار فعالیت‌ها. تداوم ضعف در تولید، اشتغال، فروش و تأمین مواد اولیه، بیانگر وجود مشکلات ساختاری و باقی‌مانده‌های شوک‌های اخیر است.

فعالان اقتصادی در صورت اقدامات فوری همچون تأمین سرمایه در گردش، تخصیص ارز، تسهیل ثبت سفارش و واردات، کاهش بروکراسی، ثبات‌بخشی به مقررات، مدیریت ناترازی انرژی و حمایت از صادرات تاکید دارند. بدون این اقدام‌ها، خطر تعطیلی گسترده‌تر بنگاه‌ها و افزایش بیکاری جدی خواهد بود.

این گزارش خلاصه‌ای از گزارش طرح شاخص مدیران خرید (PMI) اردیبهشت ۱۴۰۵ مربوط به اتاق بازرگانی ایران است که تیرماه امسال منتشر شد.

شاخص سرکش

ریشه‌های تورم در اقتصاد ایران چیست؟

ارز افزایش می‌یابد و به عاملی برای تحقق این انتظار تبدیل می‌شود. وابستگی به نفت و تحریم‌ها هم می‌تواند به تشدید تورم بیانجامد؛ وابستگی شدید اقتصاد به درآمدهای نفتی و اعمال تحریم‌های اقتصادی، درآمدهای ارزی را با اختلال مواجه می‌کند و بر نرخ ارز و تورم اثر می‌گذارد. تغییرات قیمت حامل‌های انرژی و ارز هم می‌تواند هزینه‌های تولید را تغییر دهد و به قیمت‌های تمام شده کالا و خدمات سرایت کند. اما یکی از مهمترین عوامل تشدیدکننده، عوامل نهادی و ساختاری است؛ انحصار در اقتصاد، اندازه بزرگ دولت و مالکیت دولتی بر بخش‌های اساسی اقتصاد می‌توانند بر تورم اثر جدی بگذارند.

■ تورم ۱۴۰۵

البته در سال ۱۴۰۵، شوک جنگ متغیر جدیدی بود که فشار بیشتری به اقتصاد ایران وارد کرد. جنگ تحمیلی در اواخر اسفند ۱۴۰۴، ضربه‌ای مهلک به زیرساخت‌های انرژی و حمل‌ونقل وارد و تولید و صادرات را مختل کرد. این شوک به شدت انتظارات تورمی را افزایش داد و نرخ ارز را نیز به شدت ناپایدار کرد. با افزایش نرخ ارز و افت شدید ارزش ریال، هزینه واردات کالاهای اساسی و مواد اولیه تولید هم به شدت افزایش یافت.

گزارش صندوق بین‌المللی پول (IMF) که یکی از معتبرترین منبع برای بررسی تورم است، درباره اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۶ می‌نویسد: متوسط نرخ تورم مصرف‌کننده در ایران به‌طور میانگین به ۶۸.۹ درصد می‌رسد که بالاترین رقم از زمان انقلاب در سال ۱۳۵۷ است و اقتصاد ایران در همین سال بیش از ۶ درصد منقبض (کوچک‌تر) می‌شود. نزدیکی این آمار با واقعیت آنجا خودش را بیشتر نشان می‌دهد که براساس تازه‌ترین داده‌های مرکز آمار ایران، متوسط نرخ تورم مصرف‌کننده در ایران ۶۲ درصد بوده است. شاخص قیمت مصرف‌کننده کمیته است که متوسط (میانگین موزون) تغییرات قیمت کالاها و خدمات (اقدام) مصرفی خانوارها را نسبت به زمانی مشخص اندازه‌گیری می‌کند. نرخ تورم تولیدکننده مرکز آمار ایران نیز براساس داده‌های زمستان ۱۴۰۴/۲ عدد ۵۱/۲ درصد را نشان می‌دهد. تورم تولیدکننده به نام تورم پیش‌نگر شناخته می‌شود، چرا که هر تغییر در تورم تولیدکننده با یک وقفه زمانی به تورم مصرف‌کننده منتقل می‌شود و معمولاً افزایش تورم تولیدکننده نشان‌دهنده افزایش تورم مصرف‌کننده در ماه‌های آینده است. اهمیت گزارش صندوق بین‌المللی پول از آن جهت برجسته است که تورم در ایران به‌طور همزمان با رکود شدید (رکود-تورمی) همراه شده و ناشی از تخریب زیرساخت‌ها در جریان جنگ و کاهش شدید صادرات نفت است. همچنین پژوهش جدیدی در پاکستان به بررسی هم‌زمان تحریم‌های اقتصادی،

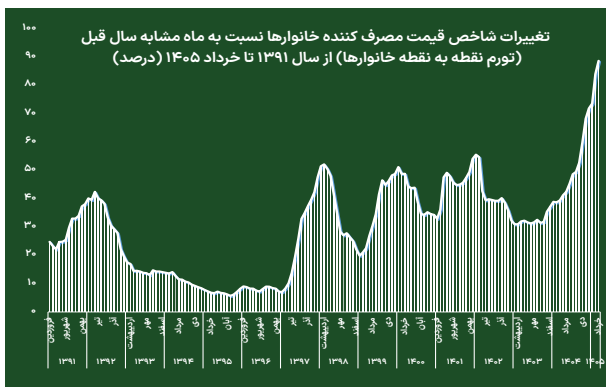
متوسط تورم در اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۵ به یکی از بحرانی‌ترین سطوح تاریخی رسیده است. تورم اگر چه پدیده پولی است که به‌صورت مستقیم متأثر از نقدینگی است، اما ناترازی‌های ساختاری، تحریم‌ها و جنگ، آن را تشدید کرده‌اند.

■ معنای تورم

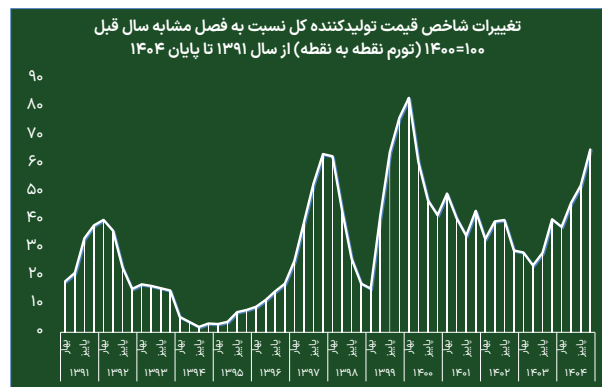
تورم در سال ۱۴۰۵، روایت تداوم روند مخرب و تشدید جهشی آن است. بر مبنای آمار رسمی، متوسط تورم نقطه‌به‌نقطه در خرداد ۱۴۰۵ به عدد ۸۸.۶ درصد رسیده است. این یعنی خانواده‌ها برای خرید همان سبد کالای سال قبل، باید حدود ۸۹ درصد بیشتر هزینه کنند. تورم به‌زبان ساده، به افزایش مداوم و بی‌رویه و غیرمتناسب سطح عمومی قیمت‌ها گفته می‌شود که در نتیجه آن، قدرت خرید پول کاهش می‌یابد. از نظر علم اقتصاد، تورم (Inflation) یکی از متغیرهایی است که اشاره به افزایش سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی یا قیمت است. در محاسبات اقتصادی، تورم (مصرف‌کننده و تولیدکننده) از شاخص‌های مختلف همانند نرخ تورم سالانه، نقطه‌به‌نقطه، ماهانه و دهک‌های مختلف بهره می‌گیرد.

■ ریشه‌های تورم

اما مهمترین ریشه‌های تورم در اقتصاد ایران را باید در مفهوم ناترازی‌ها یا کسری‌های مزمن جست‌وجو کرد. نخستین ناترازی، کسری بودجه دولت است؛ هزینه‌های دولت به‌طور مداوم از درآمدهایش فراتر می‌رود و دولت برای جبران این کسری، مجبور به استقراض از بانک مرکزی یا چاپ پول می‌شود که موتور اصلی تورم است. دومین ناترازی، مربوط به بانک‌هاست؛ نظام بانکی با مشکلات ساختاری همانند دارایی‌های منجمد (سمی) و وام‌های کلان معوق مواجه است. دولت با تحمیل تسهیلات تکلیفی به بانک‌ها، باعث خلق پول و افزایش نقدینگی می‌شود. سومین ناترازی، کسری تجاری غیرنفتی است؛ واردات کالا بیش از صادرات غیرنفتی است که این امر به افزایش تقاضا برای ارز و در نتیجه، افزایش نرخ ارز منجر می‌شود. چهارمین ناترازی، کسری حساب سرمایه است؛ خروج سرمایه از کشور بدون ورود سرمایه جدید، باعث تشدید ناترازی ارزی و افزایش قیمت دلار می‌شود. ناترازی پنجم، شکاف تولید است؛ وقتی تولید داخلی پاسخگوی تقاضا نباشد، مازاد تقاضا ایجاد شده و قیمت‌ها را افزایش می‌دهد. اما پدیده تورم در اقتصاد ایران تنها از ناترازی‌ها تغذیه نمی‌کند، بلکه عواملی هستند که به تورم نیز دامن می‌زنند، انتظارات تورمی مهمترین آنهاست؛ وقتی مردم انتظار داشته باشند که قیمت‌ها در آینده بیشتر می‌شود، تقاضا برای خرید کالا و



منبع: مرکز آمار ایران



منبع: مرکز آمار ایران

پیامدهای تورم

تورم می‌تواند اثرات مخرب و چندوجهی هم بر زندگی مردم و اقتصاد کلان بگذارد. تورم باعث می‌شود مردم با درآمد ثابتی که دارند، کالاهای کمتری بخرند و سطح رفاهشان به شدت کاهش یابد. این امر به معنای کاهش شدید قدرت خرید خانوارهاست. تورم همچنین به دلیل ماهیت نابرابریش، طبقات کم‌درآمد را بیشتر تحت فشار قرار می‌دهد، شکاف طبقاتی را عمیق‌تر می‌کند و این به معنای افزایش فقر و نابرابری است. فضای نااطمینانی ناشی از تورم، ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد و انگیزه تولیدکنندگان را از بین می‌برد، این هم به معنای کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی است. تورم فشاری مضاعف بر معیشت آورده است؛ قیمت مواد غذایی در خرداد ۱۴۰۵ نسبت به سال قبل بیش از دو برابر شده است. برای مثال، قیمت گوشت قرمز و مرغ؛ ۱۷۸ درصد، لبنیات؛ ۱۵۲ درصد و نان و غلات؛ ۱۳۹ درصد افزایش یافته است. تورم همچنین شکاف درآمدی را عمیق‌تر می‌کند؛ حداقل حقوق ماهانه در سال ۱۴۰۵ حدود ۱۶۰۶ میلیون تومان (حدود ۸۵ یورو) تعیین شده، در حالی که هزینه زندگی یک خانوار حدود ۴۵ میلیون تومان (حدود ۲۲۵ یورو) برآورد شده است. این یعنی حقوق فقط ۳۷ درصد از هزینه‌های اولیه را پوشش می‌دهد.

■ سخن آخر

تمام مطالعات و داده‌های پژوهشی بر نکته‌ای مشترک تأکید دارند: تورم ۱۴۰۵ فقط پدیده پولی ساده نیست، بلکه محصول مستقیم جنگ، تشدید تحریم‌ها، ناترازی‌های ساختاری، تخریب زیرساخت‌های انرژی و کاهش شدید درآمدهای ارزی است. تورم در ایران پدیده ریشه‌ای و مزمن است و حل آن نیازمند عزم جدی برای اصلاحات ساختاری (بودجه، بانک‌ها، ارز و تولید) بلندمدت، کنترل نقدپسینی و افزایش انضباط مالی است، نه اقدامات مقطعی و سطحی.

هزینه‌های جنگ و شوک‌های خارجی بر ثبات اقتصاد کلان ایران در جریان درگیری اسرائیل و ایران در سال ۲۰۲۶ پرداخته است. این پژوهش توسط ۶ پژوهشگر پاکستانی (اسد علی و همکاران) که جزو اساتید مشهور دانشگاه‌های پاکستان هستند، با استفاده از روش ترکیبی (کیفی-کمی) و داده‌های ثانویه از منابع معتبر بین‌المللی انجام شده است. بر مبنای این پژوهش، اقتصاد ایران پیش از جنگ، با تورم ۴۰ تا ۵۰ درصدی، نرخ دلار ۱۴۰ تا ۱۵۰ هزار تومانی (کاهش بیش از ۹۰ درصد ارزش ریال از سال ۲۰۱۸) و رشد اقتصادی منفی ۱/۷ تا منفی ۲/۸ مواجه بود. تحریم‌های تشدیدشده علیه نفت، بانکداری و حمل‌ونقل دریایی، صادرات نفت را به شدت محدود کرد و حجم زیادی از نفت (برآورد ۱۳۰ تا ۱۷۰ میلیون بشکه) در دریا سرگردان مانده است. دسترسی به سیستم‌های مالی بین‌المللی تقریباً به صفر رسیده است. مخارج نظامی به ۲۰ تا ۲۵ درصد از کل هزینه‌های دولتی در سال ۲۰۲۶ رسید و کسری بودجه از ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی عبور کرد. با آغاز جنگ و حملات به زیرساخت‌های انرژی، تولید نفت و گاز در ایران مختل شد. در زمان جنگ، نرخ تورم از ۴۵ درصد به بیش از ۶۰ درصد در سال ۲۰۲۶ افزایش یافت. نرخ دلار از ۱۵۰ هزار تومان به کانال ۱۷۰ تا ۱۸۰ هزار تومان وارد شد و حتی برخی از نرخ دلار ۲۰۰ هزار تومانی تا پایان سال ۲۰۲۶ خبر می‌دهند. رشد اقتصادی از منفی یک به منفی ۴ درصد کاهش یافت و صادرات نفت به کمتر از یک میلیون بشکه در روز کاهش یافت. در بخش دیگری از این گزارش پژوهشی آمده است که اقتصاد ایران با وجود تاب‌آوری تاکتیکی از طریق اقتصاد غیررسمی، مبادلات پایاپای، شبکه‌های نفت‌کش سایه و مدیریت اقتصادی، همچنان از شکنندگی ساختاری رنج می‌برد. این مطالعه در پایان تأکید می‌کند که با وجود تاب‌آوری تاکتیکی ایران، بهبود پایدار تنها از طریق رفع تحریم‌ها، اصلاحات ساختاری عمیق و کاهش هزینه‌های نظامی امکان‌پذیر است. در غیر این صورت، سناریوی افول ساختاری با رشد کمتر از یک درصد، تورم مزمن و فرسایش سطح زندگی، محتمل‌ترین آینده برای اقتصاد ایران است.



بازسازی اقتصاد با تکیه بر زنجیره های تامین پایدار زنجیره حیات



سینا علیپور

مدیر ارشد زنجیره تامین و فعال حوزه بازرگانی و کسب و کار

چالش دوم، افزایش هزینه لجستیک و حمل و نقل است. در دوران بحران، مسیرهای حمل تغییر می کنند، زمان حمل طولانی تر می شود، هزینه بیمه افزایش می یابد، ظرفیت کشتیرانی محدودتر می شود و شرکت های بین المللی در مواجهه با ریسک های ژئوپلیتیکی محتاط تر عمل می کنند. برای کشوری مانند ایران که هم در تجارت دریایی و هم در تجارت زمینی با محدودیت های سیاسی و عملیاتی مواجه است، هر اختلال در کریدورهای منطقه ای می تواند به افزایش جدی بهای تمام شده کالا منجر شود. این افزایش هزینه، در نهایت یا به مصرف کننده منتقل می شود یا حاشیه سود تولیدکننده را می بلعد؛ در هر دو حالت، نتیجه نهایی کاهش قدرت خرید، کاهش رقابت پذیری و افزایش فشار بر بازار است.

چالش سوم، بحران نقدینگی در زنجیره تامین است. در اقتصادهای بی ثبات، زنجیره تامین زودتر از صورت های مالی، وضعیت واقعی بنگاه را نشان می دهد. وقتی تامین کننده پیش پرداخت بیشتری می خواهد، وقتی فروشنده حاضر به فروش اعتباری نیست، وقتی خریدار به دلیل رکود بازار توان پرداخت به موقع ندارد و وقتی نرخ ارز در بازه های کوتاه تغییر می کند، زنجیره تامین به سرعت از یک سیستم عملیاتی به یک سیستم پرریسک مالی تبدیل می شود. در چنین وضعیتی، مدیر خرید دیگر صرفاً مذاکره کننده قیمت نیست؛ او مدیر ریسک نقدینگی، مدیر ریسک ارزی و گاهی حافظ بقای تولید است.

چالش چهارم، بی اعتبار شدن برنامه ریزی های سنتی است. بسیاری از سازمان ها همچنان با مدل های برنامه ریزی خطی، بودجه های ثابت، تامین کنندگان محدود و افق های پیش بینی ساده فعالیت می کنند. اما در دوران پساجنگ، پیش بینی تقاضا، زمان تامین، قیمت خرید، نرخ ارز، ظرفیت حمل، قوانین تجاری و حتی رفتار مصرف کننده دائماً تغییر می کند. در چنین شرایطی، سازمانی که فقط یک برنامه دارد، در واقع هیچ برنامه ای ندارد. بنگاه های آینده دار باید به جای برنامه ریزی قطعی، به سمت سناریونویسی، مدل های احتمالاتی، شبیه سازی ریسک و تصمیم گیری چابک حرکت کنند.

چالش پنجم، وابستگی خطرناک به تامین کنندگان محدود است. یکی از خطاهای رایج در بنگاه های ایرانی، اتکا به یک یا چند تامین کننده اصلی به دلیل سابقه همکاری، قیمت مناسب یا سهولت اجرایی است. این روش در شرایط عادی ممکن است کارآمد به نظر برسد، اما در شرایط بحران می تواند کل عملیات سازمان را متوقف کند. پساجنگ، دوران بازنگری جدی در سیاست های تامین است. شرکت ها باید برای اقلام کلیدی خود نقشه ریسک تامین کننده داشته باشند: کدام کالا تک منبعی است؟ کدام تامین کننده در منطقه پرریسک قرار دارد؟ کدام ماده اولیه جایگزین دارد؟ کدام قرارداد در صورت تغییر نرخ ارز زیان ساز می شود؟ کدام کالا اگر سه هفته تأخیر بخورد، تولید را متوقف می کند؟

چالش ششم، فرسایش سرمایه انسانی در زنجیره تامین است. در بحران ها معمولاً نگاه مدیران ارشد به موجودی کالا، ارز، فروش و نقدینگی معطوف می شود، اما یکی از مهم ترین دارایی های مغفول، نیروی انسانی متخصص در خرید، بازرگانی، برنامه ریزی، لجستیک و کنترل موجودی است. کار در زنجیره تامین بحرانی، فشار ذهنی بسیار بالایی دارد. کارشناسان و مدیران این حوزه باید هم زمان با تامین کننده مذاکره کنند، با تولید هماهنگ باشند، پاسخ مدیران مالی را بدهند، محدودیت های گمرکی را پیگیری کنند، نوسان ارز را تحلیل کنند و در برابر توقف خط تولید پاسخگو باشند. سازمانی که این سرمایه انسانی را فرسوده کند، در واقع سیستم عصبی عملیات خود را تضعیف کرده است.

اقتصاد ایران در یکی از پیچیده ترین مقاطع تاریخی خود قرار گرفته است؛ مقطعی که در آن مفهوم «زنجیره تامین» دیگر یک اصطلاح تخصصی محدود به واحدهای خرید، بازرگانی، لجستیک و برنامه ریزی نیست، بلکه به یکی از تعیین کننده ترین متغیرهای امنیت اقتصادی، پایداری تولید، تاب آوری بنگاه ها و حتی آرامش اجتماعی تبدیل شده است. در شرایط عادی، زنجیره تامین وظیفه دارد مواد اولیه، کالا، خدمات، اطلاعات و جریان نقدینگی را در زمان مناسب، با هزینه قابل قبول و کیفیت مطلوب به نقطه مصرف برساند. اما در شرایط جنگ، تحریم، نااطمینانی سیاسی، بی ثباتی ارزی و اختلال در مسیرهای حمل و نقل، زنجیره تامین دیگر صرفاً یک عملیات اجرایی نیست؛ بلکه به میدان اصلی تصمیم گیری استراتژیک بنگاه ها تبدیل می شود. بحران امروز ایران را نباید فقط به عنوان یک اختلال مقطعی در واردات یا افزایش هزینه حمل دید. آنچه در حال وقوع است، یک بحران چندلایه است: بحران دسترسی به منابع، بحران اعتماد میان خریدار و فروشنده، بحران نقدینگی، بحران پیش بینی پذیری، بحران لجستیک، بحران قیمت گذاری و در نهایت بحران تصمیم گیری مدیریتی. پساجنگ، اگرچه ممکن است از منظر سیاسی به معنای کاهش درگیری نظامی باشد، اما از منظر اقتصادی الزاماً به معنای بازگشت سریع به وضعیت عادی نیست. تجربه اقتصادهای درگیر بحران نشان می دهد که پایان جنگ، آغاز مرحله ای تازه از فشارهای پنهان بر بنگاه ها است؛ مرحله ای که در آن بدهی های انباشته، قراردادهای نیمه تمام، موجودی های ناکافی، تامین کنندگان آسیب دیده، مسیرهای تجاری پرریسک و بازارهای بی ثبات، خود را با شدت بیشتری نشان می دهند.

در ایران، زنجیره تامین پیش از بحران اخیر نیز با مجموعه ای از محدودیت های ساختاری مواجه بود: تحریم های بانکی، دشواری انتقال پول، وابستگی برخی صنایع به واردات مواد اولیه، ضعف در نظام پیش بینی تقاضا، ناترازی انرژی، تورم مزمن، نوسان نرخ ارز، قیمت گذاری دستوری، محدودیت های ثبت سفارش، بروکراسی گمرکی و فرسودگی بخشی از زیرساخت های حمل و نقل. جنگ و پیامدهای آن، این مشکلات را خلق نکرده، بلکه آن ها را تشدید و آشکار کرده است. به بیان دیگر، بحران فعلی مانند نوری شدید بر نقاط ضعف قدیمی اقتصاد ایران تابیده و نشان داده است که بسیاری از بنگاه ها به جای داشتن زنجیره تامین تاب آور، صرفاً زنجیره تأمینی داشته اند که در شرایط عادی و نیمه عادی کار می کرده است.

نخستین چالش جدی کسب و کارها در دوران پساجنگ، مسئله تامین مواد اولیه و کالاهای حیاتی است. بسیاری از صنایع ایرانی، به ویژه صنایع غذایی، دارویی، شیمیایی، بسته بندی، قطعه سازی، لوازم خانگی و برخی صنایع پایین دستی پتروشیمی، به واردات مستقیم یا غیرمستقیم وابسته اند.

حتی صنایعی که در ظاهر داخلی به نظر می رسند، در بخشی از زنجیره خود به ماشین آلات، قطعات یدکی، افزودنی ها، مواد بسته بندی، کاتالیست ها، نرم افزارها یا مواد واسطه ای خارجی نیاز دارند. در شرایط بحران، مشکل فقط افزایش قیمت نیست؛ گاهی مسئله اصلی، اصل دسترسی است. یعنی بنگاه ممکن است حاضر باشد با قیمت بالاتر خرید کند، اما فروشنده خارجی حاضر به فروش نباشد، شرکت حمل حاضر به حمل نباشد، بانک مسیر انتقال پول را نپذیرد یا بیمه گر ریسک مسیر را پوشش ندهد.

■ اما پرسش اصلی این است: در برابر این وضعیت چه باید کرد؟

● **تغییر نگاه از «خرید ارزان» به «تأمین پایدار» است.** در شرایط پساجنگ، ارزان‌ترین خرید الزاماً بهترین خرید نیست. خریدی ارزشمند است که ریسک توقف تولید را کاهش دهد، جریان تأمین را پایدار کند، کیفیت قابل قبول ایجاد کند و از منظر نقدینگی قابل مدیریت باشد. مدیران ارشد باید شاخص‌های عملکرد خرید را بازطراحی کنند. اگر همچنان تنها معیار ارزیابی واحد خرید، کاهش قیمت باشد، سازمان به تدریج خود را در معرض ریسک‌های بزرگ‌تری قرار می‌دهد. شاخص‌هایی مانند نرخ تأمین کامل، زمان واقعی تأمین، ریسک تک‌منبعی، درصد اقلام بحرانی، سطح موجودی ایمن، نرخ تأخیر تأمین‌کننده و هزینه کل مالکیت باید جایگاه جدی‌تری در گزارش‌های مدیریتی پیدا کنند.

● طراحی موجودی استراتژیک برای اقلام حیاتی است.

انبار به حداقل برسد و سرمایه در گردش آزاد شود. این رویکرد در اقتصادهای ثبات قابل دفاع است، اما در اقتصاد پریسک ایران، کاهش افراطی موجودی می‌تواند خطرناک باشد. البته راه‌حل، انبار کردن بی‌منطق و افزایش کور موجودی نیست. راه‌حل، طبقه‌بندی اقلام بر اساس اهمیت، ریسک تأمین، زمان جایگزینی و اثر بر تولید است. برای برخی اقلام، موجودی بالا اتلاف منابع است؛ اما برای برخی دیگر، موجودی ایمن به معنای بیمه بقای سازمان است.

● چندمنبعی‌سازی هوشمند است.

کشور، یک فروشنده، یک شرکت حمل‌یا یک روش پرداخت فاصله بگیرند. اما چندمنبعی‌سازی نیز هزینه دارد و نباید شعاری اجرا شود. هنر مدیریت زنجیره تأمین در دوره جدید، یافتن نقطه تعادل میان هزینه و تاب‌آوری است. سازمانی که فقط به هزینه فکر می‌کند، شکننده می‌شود؛ سازمانی که فقط به احتیاط فکر می‌کند، غیررقابتی می‌شود. مزیت رقابتی آینده در توانایی ترکیب این دو است: زنجیره‌ای نه بیش از حد لاغر و آسیب‌پذیر، نه بیش از حد سنگین و پرهزینه.

● دیجیتالی‌سازی واقعی زنجیره تأمین است.

داشتن ERP یا ثبت سفارش سیستمی به معنای دیجیتالی شدن است. در حالی که دیجیتالی‌سازی واقعی یعنی مدیر بتواند در لحظه بداند کدام سفارش در چه وضعیتی است، کدام تأمین‌کننده تأخیر دارد، کدام ماده اولیه در آستانه کمبود است، کدام نرخ ارز بهای تمام‌شده را تغییر داده، کدام مسیر حمل‌پرریسک شده و کدام مشتری به دلیل تأخیر در تأمین در معرض نارضایتی قرار دارد. پساجنگ، دوران مدیریت با اکسل‌های پراکنده و گزارش‌های دیر هنگام نیست. سازمان‌ها به داشبوردهای زنده، داده‌های قابل اعتماد و تصمیم‌گیری مبتنی بر تحلیل نیاز دارند.

● ارتقای جایگاه زنجیره تأمین در سطح هیئت‌مدیره است.

ایرانی، زنجیره تأمین هنوز یک واحد پشتیبان تلقی می‌شود؛ در حالی که در اقتصاد بحرانی، زنجیره تأمین قلب تپنده استراتژی است. تصمیم درباره بازار، فروش، تولید، توسعه محصول، صادرات، قیمت‌گذاری و سرمایه‌گذاری بدون درک دقیق ظرفیت تأمین، تصمیمی ناقص است. شرکت‌هایی که مدیر زنجیره تأمین را صرفاً مسئول خرید می‌دانند، از فهم یکی از مهم‌ترین منابع مزیت رقابتی محروم می‌مانند.

● بازطراحی رابطه دولت و بنگاه در حوزه تأمین است.

دولت در شرایط بحران نمی‌تواند صرفاً با دستور، بخشنامه یا کنترل قیمت، زنجیره تأمین را مدیریت کند. زنجیره تأمین با اعتماد، شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری و هماهنگی کار می‌کند. تغییرات ناگهانی در مقررات واردات، تخصیص ارز، ممنوعیت‌های صادراتی، قیمت‌گذاری، ترخیص کالا و سیاست‌های بانکی، حتی اگر با نیت کنترل بازار انجام شود، می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد. بخش خصوصی برای تصمیم‌گیری به افق نیاز دارد. هیچ بنگاهی نمی‌تواند با مقرراتی که هر هفته تغییر می‌کند، برنامه‌ریزی سه‌ماهه، شش‌ماهه یا یک‌ساله انجام دهد.

در سطح ملی، ایران نیازمند یک «دکترین تاب‌آوری زنجیره تأمین» است. این دکترین باید مشخص کند کدام کالاها و صنایع از منظر امنیت اقتصادی حیاتی‌اند، چه سطحی از موجودی راهبردی برای آن‌ها لازم است، کدام مسیرهای تأمین باید توسعه یابد، چه ظرفیت‌هایی باید داخلی‌سازی شود، کدام وابستگی‌ها خطرناک‌اند و چگونه می‌توان میان خودکفایی، تجارت آزاد، هزینه اقتصادی و امنیت تأمین تعادل برقرار کرد. خودکفایی مطلق در دنیای امروز نه ممکن است و نه اقتصادی؛ اما وابستگی بی‌محاسبه نیز در دوران بحران می‌تواند خطرناک باشد. راه‌حل، هوشمندی در وابستگی است؛ یعنی بدانیم به چه چیزی، از کجا، تا چه حد و با چه جایگزینی وابسته‌ایم.

نکته مهم دیگر، نقش منطقه‌ای ایران است. ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خود می‌تواند بخشی از راه‌حل زنجیره تأمین منطقه باشد، نه فقط قربانی بحران. اتصال به کریدورهای منطقه‌ای، توسعه حمل‌ونقل ریلی، بهبود عملکرد بنادر، تسهیل تجارت با همسایگان، فعال‌سازی ظرفیت کشورهای آسیای میانه، قفقاز، ترکیه، عراق، پاکستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌تواند بخشی از فشارهای زنجیره تأمین را کاهش دهد. اما این ظرفیت زمانی بالفعل می‌شود که سیاست تجاری کشور از حالت واکنشی خارج شود و به سمت معماری فعال شبکه‌های تأمین حرکت کند.

بنگاه‌های ایرانی نیز باید بپذیرند که دوران مدیریت سنتی خرید به پایان رسیده است. دیگر نمی‌توان با دفتر تلفن تأمین‌کنندگان، مذاکره‌های مودی، سفارش‌های اضطراری و اتکا به روابط شخصی، زنجیره تأمین پیچیده امروز را اداره کرد. مدیر خرید آینده باید تحلیلگر داده، مذاکره‌کننده حرفه‌ای، مدیر ریسک، آشنا با مالی، مسلط به قرارداد، آگاه از تجارت بین‌الملل و دارای فهم عمیق از عملیات تولید باشد. زنجیره تأمین آینده، حوزه‌ای بین‌رشته‌ای است و مدیران تک‌بعدی در آن دوام نخواهند آورد.

در نهایت، بحران فعلی اگرچه پرهزینه و دشوار است، اما می‌تواند یک فرصت تاریخی برای بلوغ مدیریتی اقتصاد ایران باشد. بسیاری از اصلاحات بزرگ، نه در دوران آرامش، بلکه در دوران فشار آغاز می‌شوند. اگر بنگاه‌ها و سیاست‌گذاران از این بحران فقط عبور کنند، بدون آنکه ساختارها را اصلاح کنند، بحران بعدی آسیب‌زاتر خواهد بود. اما اگر این مقطع به فرصتی برای بازطراحی زنجیره تأمین، اصلاح سیاست‌های تجاری، توسعه داده‌محوری، تقویت زیرساخت‌های لجستیکی و ارتقای جایگاه مدیران زنجیره تأمین تبدیل شود، اقتصاد ایران می‌تواند از دل بحران، مقاوم‌تر و حرفه‌ای‌تر بیرون بیاید.

پساجنگ، دوران بازگشت ساده به گذشته نیست. دوران ساختن نظم تازه است. در این نظم تازه، برنده کسی نیست که صرفاً ارزان‌تر می‌خرد؛ برنده کسی است که بهتر می‌بیند، سریع‌تر تحلیل می‌کند، منعطف‌تر تصمیم می‌گیرد و زنجیره تأمین می‌سازد که در برابر شوک‌ها نمی‌شکند. آینده کسب‌وکار در ایران، بیش از هر زمان دیگر، به کیفیت تصمیم‌های امروز ما در زنجیره تأمین وابسته است.



علامت هشدار

جنگ چگونه بیکاری در ایران را تشدید کرد؟

برآوردهای مقام‌های دولتی و کارشناسی حاکی از یک فاجعه داشت؛ غلامحسین محمدی، معاون وزیر کار، رفاه و تامین اجتماعی، اعلام کرد که جنگ به‌طور مستقیم بیش از یک میلیون شغل را از بین برد و در مجموع باعث بیکاری مستقیم و غیرمستقیم حدود دو میلیون نفر شده است. جنگ همچنین به افزایش چشمگیر متقاضیان بیمه بیکاری نیز منجر شد؛ احمد میدری، وزیر کار، در اردیبهشت ۱۴۰۵ اعلام کرد که تنها در چند هفته، بیش از ۱۵۰ هزار نفر برای دریافت بیمه بیکاری ثبت‌نام کرده‌اند و تعداد متقاضیان در دو ماه اخیر به حدود ۱۴۷ هزار نفر رسید که نسبت به میانگین ماهانه سال قبل ۵۰ هزار نفر افزایش داشته است.

■ گروه‌های آسیب‌دیده

موج تعدیل نیرو، تمامی بخش‌های اقتصاد را درنوردید، اما برخی گروه‌ها همچون صنایع بزرگ و استراتژیک، بخش خصوصی و استارت‌آپ‌ها و گروه‌های خاص آسیب‌پذیرتر بودند.

فعالیت بسیاری از شرکت‌های بزرگ مانند فولاد مبارکه، فولاد خوزستان، مجتمع‌های پتروشیمی، خودروسازان و قطعه‌سازان در جریان جنگ متوقف یا به‌شدت کاهش یافت. این تعطیلی‌ها علاوه بر اخراج نیروهای مستقیم، زنجیره تامین صنایع وابسته را نیز مختل کرد. همچنین بنگاه‌های کوچک و متوسط، به ویژه در صنایع نساجی، گردشگری و کسب‌وکارهای آنلاین، تحت فشار همزمان رکود تقاضا، قطعی اینترنت و اختلال در واردات، با موج گسترده‌ای از تعدیل و تعطیلی مواجه شدند. برای مثال، دیجی‌کالا رسماً اعلام کرد که ۲۰۰ نفر از نیروهایش را تعدیل کرده است. فشار جنگ بر زنان و جوانان که پیش از این نیز نرخ بیکاری بالاتری داشتند، به مراتب شدیدتر بوده است. نرخ بیکاری زنان در زمستان ۱۴۰۴ به ۱۵ درصد رسید و بیش از ۶۵۰ هزار زن به جمعیت غیرفعال اضافه شده‌اند.

■ نرخ واقعی بیکاری

اگر برآوردهای اولیه از اضافه‌شدن حدود دو میلیون بیکار جدید را در نظر بگیریم، تصویر بازار کار ایران در سال ۱۴۰۵ به شدت تیره‌و‌تار است. جمعیت بیکاران از حدود دو میلیون نفر پیش از جنگ، به حدود چهار میلیون نفر رسید و نرخ بیکاری می‌تواند از ۷۰ درصد به حدود ۱۵ درصد افزایش یابد. با احتساب بیکاری گسترده در اقتصاد غیررسمی، این نرخ می‌تواند به نزدیکی ۲۰ درصد نیز برسد.

سال ۱۴۰۵ سالی بود که در آن، آمار رسمی کاهش فصلی قبلی، بیکاره جایش را به واقعیتی دردناک «از بین رفتن یک میلیون شغل» و «بیکاری دو میلیون نفر» داد؛ فاجعه‌ای که آثار آن تا سال‌ها بر اقتصاد و جامعه ایران باقی می‌ماند.

■ تعریف بیکاری

نرخ بیکاری در سال ۱۴۰۵، روایت بازار کاری است که بیکاره از رکود خاموش با نرخ مشارکت پایین، به سونامی بیکاری ناشی از جنگ و تخریب زیرساخت‌ها تبدیل شد. در ادبیات اقتصادی و آماری، بیکار به کسی گفته می‌شود که در دوره‌های مرجع قبل از آمارگیری، فاقد کار باشد (دارای اشتغال مزد و حقوق بگیری یا خوداشتغالی نباشد) یا آماده برای کار بوده (برای مزد و حقوق بگیری و خوداشتغالی آمادگی داشته باشد) و یا جویای کار باشد (اقدامات مشخصی را به منظور جستجوی کار به صورت مزد و حقوق بگیری یا خوداشتغالی انجام داده باشد). بر مبنای محاسبات آماری جمعیت در سن کار، تمامی افرادی که در طول در هفته تقویمی قبل از هفته آمارگیری (هفته مرجع)، سن آنان ۱۵ ساله و بیشتر است. متناسب با این تعریف، نرخ بیکاری در ایران، نسبت جمعیت بیکار ۱۵ ساله و بیش‌تر به جمعیت فعال ۱۵ ساله و بیش‌تر، ضرب در ۱۰۰ است.

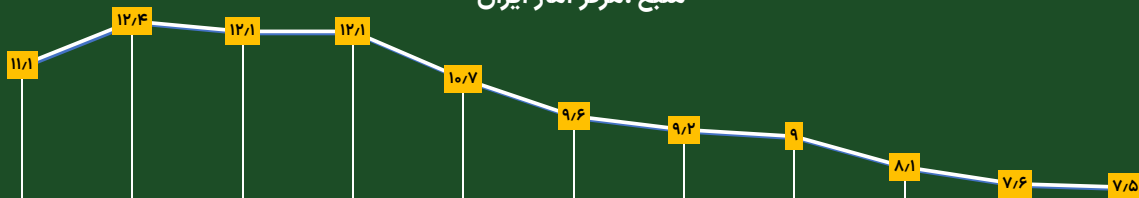
داده‌های رسمی مرکز آمار ایران برای زمستان ۱۴۰۴، تصویری از کاهش آرام نرخ بیکاری را نشان می‌داد. میراث نظام حکمرانی سال ۱۴۰۴، کاهش بیکاری رسمی در سایه خروج از بازار کار بود؛ به‌طوری‌که نرخ بیکاری برای جمعیت ۱۵ ساله و بیش‌تر، ۷۰٫۶ درصد اعلام شد که نسبت به زمستان سال قبل ۰٫۲ درصد کاهش یافت. همچنین نرخ بیکاری جوانان (۱۵ تا ۲۴ سال) ۲۱٫۲ درصد و برای گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال، ۱۵٫۱ درصد بود. با شوک جنگ تمام معیار در اسفند ۱۴۰۴، همه معادلات بهم ریخت. البته آمار کاهش نرخ بیکاری در سال ۱۴۰۴ با هشدار بزرگ نیز همراه بود: نرخ مشارکت اقتصادی همزمان کاهش یافت. براساس آمار رسمی مرکز آمار ایران، نرخ مشارکت اقتصادی ۴۰٫۶ درصد در سال ۱۴۰۴ اعلام شد. این به معنای این بود که بخشی از کاهش بیکاری، نه به خاطر ایجاد شغل، بلکه به دلیل ناامیدی افراد از یافتن کار و خروجشان از بازار کار رخ داده است. به بیان دیگر، آنها دیگر به عنوان «بیکار» محسوب نشدند، بلکه به جمعیت «غیرفعال» پیوستند.

■ ضربه جنگ

نقطه عطف سال ۱۴۰۵، جنگ تحمیلی بود که از اواخر اسفند ۱۴۰۴ آغاز شد و به سرعت بازار کار را به ویرانه‌ای تبدیل کرد. جنگ تخریب بی‌سابقه شغل‌ها را به‌دنبال داشت.

نرخ بیکاری کل ۱۵ ساله و بیش‌تر (درصد) از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۴

منبع: مرکز آمار ایران





نبض بازار و صنعت



جهان در تب کامودیتی‌ها

بازارهای جهانی در انتظار فصل جدید اقتصاد

جهان در آستانه ورود به فصل تازه‌ای از اقتصاد جهانی ایستاده است؛ فصلی که در آن، دیگر تنها شاخص‌های رشد اقتصادی، نرخ بهره یا تورم مسیر بازارها را تعیین نمی‌کنند. امروز، ژئوپلیتیک، امنیت انرژی، رقابت فناوری، هوش مصنوعی، سیاست‌های تجاری و حتی تغییرات اقلیمی به همان اندازه بر قیمت کامودیتی‌ها اثرگذارند که عرضه و تقاضا. در چنین شرایطی، بازارهای جهانی بیش از هر زمان دیگری به میدان تقابل اقتصاد و سیاست تبدیل شده‌اند؛ جایی که هر تصمیم سیاسی می‌تواند زنجیره تأمین فلزات، انرژی و مواد معدنی را در سراسر جهان دستخوش تغییر کند. آنچه امروز بیش از هر چیز توجه تحلیلگران را جلب کرده، تغییر کانون تقاضا از بخش‌های سنتی اقتصاد به صنایع آینده‌محور است؛ صنایعی که موتور محرک آنها نه ساخت‌وساز، بلکه هوش مصنوعی، مراکز داده، خودروهای برقی، انرژی‌های تجدیدپذیر و صنایع دفاعی هستند.

■ فلزات پایه؛ از رکود ساخت‌وساز تا جهش اقتصاد دیجیتال

اگر تا چند سال پیش رونق یا رکود بازار فلزات پایه بیش از هر چیز به وضعیت مسکن و پروژه‌های عمرانی چین وابسته بود، امروز این معادله تغییر کرده است. توسعه شبکه‌های برق، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های هوش مصنوعی، رشد مراکز داده و افزایش تولید خودروهای برقی، تقاضای تازه‌ای برای فلزاتی مانند مس، آلومینیوم و نیکل ایجاد کرده است. در این میان، مس بیش از دیگر فلزات مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از مؤسسات بین‌المللی از جمله تحلیلگران بلومبرگ و بانک‌های سرمایه‌گذاری، از احتمال شکل‌گیری یکی از بزرگ‌ترین کسری‌های عرضه مس در دهه‌های اخیر سخن می‌گویند؛ موضوعی که می‌تواند این فلز را به یکی از مهم‌ترین دارایی‌های صنعتی جهان در سال‌های آینده تبدیل کند. در کنار مس، آلومینیوم نیز تحت تأثیر محدودیت‌های عرضه، افزایش هزینه انرژی و اختلالات زنجیره تأمین، جایگاه خود را در بازار جهانی حفظ کرده است.

■ فولاد؛ بازاری میان رکود چین و پروژه‌های زیرساختی

بازار جهانی فولاد همچنان تحت تأثیر دو نیروی متضاد حرکت می‌کند. از یک سو، رکود نسبی ساخت‌وساز در چین، رشد مصرف فولاد را محدود کرده و از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری گسترده در پروژه‌های زیرساختی، صنایع دفاعی و انتقال انرژی در آمریکا، اروپا و برخی اقتصادهای نوظهور، بخشی از این کاهش تقاضا را جبران کرده است. در همین حال، سیاست‌های تعرفه‌ای و محدودیت‌های تجاری نیز به یکی از متغیرهای تعیین‌کننده بازار فولاد تبدیل شده‌اند. تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که هرگونه تغییر در سیاست‌های تجاری قدرت‌های بزرگ، می‌تواند مسیر تجارت فولاد، مواد اولیه و حتی قیمت حمل‌ونقل دریایی را دگرگون کند.

■ انرژی؛ نفت همچنان اسیر سیاست

در بازار انرژی نیز اگرچه نگرانی‌ها درباره کاهش رشد اقتصاد جهانی همچنان وجود دارد، اما ریسک‌های ژئوپلیتیکی اجازه نداده‌اند نفت از کانون توجه سرمایه‌گذاران خارج شود. تنش‌های خاورمیانه، امنیت مسیرهای انتقال انرژی، سیاست‌های اوپک پلاس و دغدغه کشورهای مصرف‌کننده درباره امنیت عرضه، موجب شده است نفت همچنان نقش خود را به عنوان مهم‌ترین شاخص ریسک ژئوپلیتیکی حفظ کند. در کنار آن، افزایش تقاضای برق ناشی از توسعه هوش مصنوعی و مراکز داده، نگاه سرمایه‌گذاران را به بازار انرژی نیز تغییر داده است؛ زیرا اقتصاد دیجیتال آینده، بدون انرژی پایدار قابل تصور نیست.

■ طلا؛ پناهگاه سرمایه در عصر نااطمینانی

شاید هیچ بازاری به اندازه طلا، بازتاب‌دهنده فضای سیاسی جهان نباشد. افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی، خرید مستمر بانک‌های مرکزی، نگرانی از تورم و تلاش سرمایه‌گذاران برای متنوع‌سازی دارایی‌ها، موجب شد طلا همچنان جایگاه خود را به عنوان مهم‌ترین دارایی امن حفظ کند.

در واقع، هر بار که نااطمینانی سیاسی افزایش یافته، سرمایه نیز به سمت طلا حرکت کرده است؛ روندی که نشان می‌دهد این فلز همچنان مهم‌ترین سپر سرمایه‌گذاران در برابر ریسک‌های اقتصاد جهانی محسوب می‌شود.

■ اقتصاد جهانی در آستانه یک تغییر پارادایم

تازه‌ترین برآوردهای صندوق بین‌المللی پول و تحلیل‌های مؤسسات مالی بزرگ جهان، از جمله جی‌پی مورگان، نشان می‌دهد اقتصاد جهانی وارد مرحله‌ای شده که دیگر نمی‌توان آن را صرفاً با شاخص‌های سنتی رشد، تورم و نرخ بهره تحلیل کرد. اگرچه IMF رشد اقتصاد جهان در سال ۲۰۲۶ را حدود ۳ درصد برآورد می‌کند، اما هم‌زمان نسبت به افزایش تورم، کاهش شتاب تجارت جهانی و تداوم ریسک‌های ژئوپلیتیکی هشدار می‌دهد. در واقع، اقتصاد جهان وارد دوره‌ای از رشد پایین‌تر اما ریسک بالاتر شده است؛ وضعیتی که مستقیماً بازارهای کامودیتی را تحت تأثیر قرار داده است.

در این میان، مهم‌ترین متغیر اثرگذار بر بازارها، بازگشت ژئوپلیتیک به متن اقتصاد جهانی است. جنگ‌های منطقه‌ای، افزایش تنش در خاورمیانه، نااطمینانی پیرامون امنیت تنگه هرمز و بازتعریف سیاست‌های تجاری قدرت‌های بزرگ، نشان داده‌اند که مسیر قیمت نفت، فلزات و حتی مواد غذایی، بیش از گذشته به تصمیم‌های سیاسی گره خورده است. شوک انرژی ناشی از این تحولات، همان عاملی است که صندوق بین‌المللی پول نیز آن را دلیل اصلی بازنگری در چشم‌انداز اقتصاد جهان عنوان می‌کند. برآیند این تحولات یک پیام روشن دارد؛ جهان در حال عبور از اقتصاد جهانی‌سازی ارزان‌قیمت به اقتصاد امنیت‌محور است. در این نظم جدید، مزیت رقابتی کشورها تنها به حجم ذخایر معدنی یا ظرفیت تولید محدود نمی‌شود، بلکه توانایی آنها در مدیریت زنجیره ارزش، دسترسی به فناوری، امنیت انرژی و حضور مؤثر در شبکه تجارت جهانی تعیین‌کننده خواهد بود.

برای ایران، این تغییر پارادایم می‌تواند یک فرصت تاریخی باشد. کشوری که هم در حوزه انرژی و هم در بخش معدن از ظرفیت‌های قابل توجهی برخوردار است، در صورت توسعه صنایع پایین‌دستی، سرمایه‌گذاری در فناوری و تکمیل زنجیره ارزش، می‌تواند از جایگاه یک تأمین‌کننده مواد اولیه، به بازیگری اثرگذار در اقتصاد نوین جهانی تبدیل شود. اما این فرصت، بدون سیاست‌گذاری هوشمند، توسعه فناوری و تعامل مؤثر با بازارهای بین‌المللی، به مزیت پایدار تبدیل نخواهد شد. اقتصاد جهانی در آستانه فصل تازه‌ای ایستاده است؛ فصلی که در آن، قدرت کشورها نه فقط با تولید ناخالص داخلی، بلکه با توان آنها در حکمرانی بر انرژی، مواد معدنی و فناوری سنجیده خواهد شد. کامودیتی‌ها دیگر صرفاً کالا نیستند؛ آنها زبان جدید رقابت اقتصاد جهانی‌اند.

بیش بینی صندوق بین المللی پول از اقتصاد جهان				
تغییرات نسبت به گزارش ماه آوریل	پیش بینی	رقم واقعی	منطقه	
۲۰۲۶	۲۰۲۷	۲۰۲۶	۲۰۲۵	منطقه
-۰/۱	۳/۴	۳	۳/۵	کل جهان
۰/۱	۴/۸	۵	۵/۶	چین
۰	۲/۲	۲/۳	۲/۱	آمریکا
۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱	روسیه
-۰/۱	۶/۷	۶/۴	۷/۷	هند
-۰/۱	۱/۸	۱/۷	۱/۹	اقتصادهای توسعه‌یافته
-۰/۲	۱/۲	۰/۹	۱/۴	ناحیه یورو
-۰/۱	۰/۷	۰/۶	۱/۱	ژاپن
۰/۲	۱/۳	۱	۱/۴	بریتانیا
-۰/۱	۴/۵	۳/۸	۴/۵	بازارهای نوظهور
۱/۲۰	۶/۵	۰/۷	۳/۷	خاورمیانه و آسیای میانه
۰/۷	۴/۳	۳/۵	۵	حجم تجارت جهانی
۱۰/۴	-۱۱/۸	۳۱/۸	-۱۴/۴	قیمت نفت
-۱/۳	۱/۳	۱۸/۶	۹/۹	کامودیتی‌ها غیرسوخت
۰/۳	۳/۹	۴/۷	۴/۱	تورم

بازار مس از ثبات تا شتاب

رشد ارزش معاملات همگام با افزایش قیمت، بازار مس را به یکی از پرتحرک‌ترین بازارهای فلزی بورس کالا تبدیل کرد.

بازار مس در دوره مورد بررسی، یکی از متفاوت‌ترین رفتارها را در میان فلزات پایه تجربه کرد. اگرچه معاملات در ابتدای دوره با ثبات نسبی قیمت و حجم همراه بود، اما به تدریج با افزایش انتظارات تورمی، رشد نرخ ارز و تغییرات بازارهای جهانی، روند قیمت‌ها شتاب گرفت و ارزش معاملات نیز هم‌زمان افزایش یافت. این در حالی بود که عرضه‌کنندگان تلاش کردند جریان عرضه را حفظ کنند، اما رفتار تقاضا نشان می‌داد بازار بیش از گذشته به آینده قیمت‌ها چشم دوخته است. در چنین شرایطی، معاملات مس دیگر صرفاً بازتاب نیاز صنایع پایین‌دستی نبود، بلکه به یکی از شاخص‌های انتظارات فعالان بازار نسبت به آینده اقتصاد نیز تبدیل شد.

وضعیت کلی بازار

بازار مس در بیشتر ماه‌های دوره، از ثبات نسبی در عرضه برخوردار بود و شرکت ملی صنایع مس ایران همچنان بازیگر اصلی این بازار باقی ماند. با وجود استمرار عرضه، ارزش معاملات به‌مرور افزایش یافت؛ موضوعی که نشان می‌دهد رشد ارزش بازار بیش از آنکه ناشی از افزایش حجم معاملات باشد، حاصل رشد قیمت‌های معامله‌شده بوده است. به طوریکه طی یک سال قیمت مس از کیلویی ۷ میلیون ریال به ۲۰ میلیون ریال رسید که رشد حدود سه برابری را تجربه کرده است. از تابستان تا اواسط پاییز سال گذشته رشد قیمت مس آرام آرام شکل گرفت و قیمت‌ها نوسانات محدودی را تجربه کردند، اما در ماه‌های پایانی سال ۱۴۰۴ و همچنین آغاز سال ۱۴۰۵، هم‌زمان با افزایش نرخ ارز، تحولات بازار جهانی فلزات و تغییر فضای اقتصاد کلان، روند قیمت‌ها وارد فاز صعودی شد. در نتیجه، ارزش معاملات نیز با سرعت بیشتری رشد کرد.

«بررسی یک ساله معاملات مس کاتد در بورس کالا»	
شاخص	مقدار
حجم کل معاملات	۱۶۰,۶۵۰ تن
ارزش کل معاملات	۱,۹۶۰,۶۰۷,۰۱۰,۰۰۰ هزار ریال
بیشترین میانگین قیمت	۲۶۰,۳۸۲,۳۴۰,۰۰۰ هزار ریال (خرداد ۱۴۰۵)
کمترین میانگین قیمت	۶۹۷,۰۲۰,۸۰۸ ریال (مرداد ۱۴۰۴)
بیشترین نسبت تقاضا به عرضه	۱/۶۱ (آبان ۱۴۰۴)
کمترین نسبت تقاضا به عرضه	۰/۶۱ (اسفند ۱۴۰۴)

رفتار بازار

رفتار معاملات نشان می‌دهد بازار مس از یک دوره آرام وارد مرحله‌ای شد که انتظارات نسبت به آینده، نقش پررنگ‌تری در تصمیم‌گیری خریداران ایفا کرد. در ماه‌های ابتدایی، تمرکز بازار بیشتر بر تأمین نیاز صنایع مصرف‌کننده بود، اما در ادامه، افزایش قیمت‌ها موجب شد بخشی از تقاضا با انگیزه حفظ ارزش سرمایه نیز وارد بازار شود.

در ماه‌های پایانی، رشد قیمت معامله‌شده نسبت به ابتدای دوره کاملاً محسوس است و این تغییر، نه تنها محدود به بازار ایران بلکه در بازارهای جهانی نیز ملموس بود.

رفتار عرضه‌کنندگان

شرکت ملی صنایع مس ایران به عنوان بزرگترین عرضه‌کننده اصلی بازار، روند نسبتاً باثباتی را در عرضه حفظ کرد. استمرار عرضه در شرایطی که صنایع کشور هم‌زمان با

محدودیت‌های انرژی، هزینه‌های تولید و نوسانات اقتصادی مواجه بودند، موجب شد بازار با کمبود جدی کالا روبه‌رو نشود.

با این حال، افزایش قیمت‌های معامله‌شده نشان می‌دهد سمت عرضه نیز ناگزیر از تطبیق با شرایط جدید اقتصاد، افزایش هزینه‌ها و تغییرات بازار جهانی بوده است.

رفتار تقاضا

تقاضای بازار مس در این دوره تنها به مصرف‌کنندگان صنعتی محدود نماند. با افزایش قیمت‌ها، رفتار خریداران نیز تغییر کرد و بخشی از تقاضا با هدف پوشش ریسک افزایش قیمت و حفظ ارزش موجودی شکل گرفت.

هم‌زمان، صنایع پایین‌دستی نیز به دلیل اهمیت مس در تولید تجهیزات برق، صنایع الکترونیک و پروژه‌های زیرساختی، حضور خود را در بازار حفظ کردند؛ موضوعی که مانع افت محسوس حجم معاملات شد.

ارزش معاملات

ارزش معاملات نسبت به ابتدای دوره روندی افزایشی را تجربه کرد و در نیمه دوم سال، هم‌زمان با رشد قیمت‌ها، به سطوح بالاتری رسید. این رشد، بیش از آنکه ناشی از افزایش حجم باشد، نتیجه افزایش میانگین قیمت معامله‌شده بود.

تحلیل اقتصادنگار

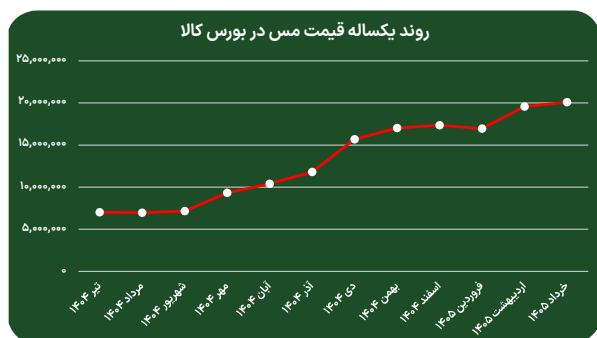
بازار مس در این دوره، تصویری روشن از تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر بورس کالا ارائه می‌دهد. برخلاف برخی محصولات فولادی که تحت تأثیر رکود ساخت‌وساز قرار گرفتند، بازار مس بیش از هر چیز از نرخ ارز، قیمت‌های جهانی و انتظارات تورمی اثر پذیرفت.

از سوی دیگر، تداوم محدودیت‌های انرژی، افزایش هزینه تولید و نااطمینانی‌های ناشی از تنش‌های ژئوپلیتیکی، موجب شد فعالان بازار نسبت به آینده محتاط‌تر عمل کنند. در چنین فضایی، مس بیش از گذشته نقش یک دارایی راهبردی را برای صنایع پایین‌دستی پیدا کرد و رفتار بازار نشان داد که این فلز، علاوه بر کالای مصرفی، به یکی از شاخص‌های مهم انتظارات اقتصادی نیز تبدیل شده است.

جمع‌بندی

بازار مس در دوره مورد بررسی، از ثبات نسبی به سمت رشد قیمت و افزایش ارزش معاملات حرکت کرد. اگرچه عرضه همچنان پایدار باقی ماند، اما رشد انتظارات تورمی و تغییر شرایط اقتصاد کلان، مسیر بازار را تغییر داد.

در صورت تداوم روند قیمت‌های جهانی، ثبات نسبی تولید داخلی و کاهش محدودیت‌های انرژی، انتظار می‌رود بازار مس همچنان یکی از مهم‌ترین بازارهای فلزی بورس کالا باقی بماند. با این حال، نوسانات نرخ ارز و تحولات اقتصاد جهانی، همچنان مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر این بازار خواهند بود.



سالی با رشد قیمت شمش فولاد و تغییر رفتار خریداران چرخش تقاضا

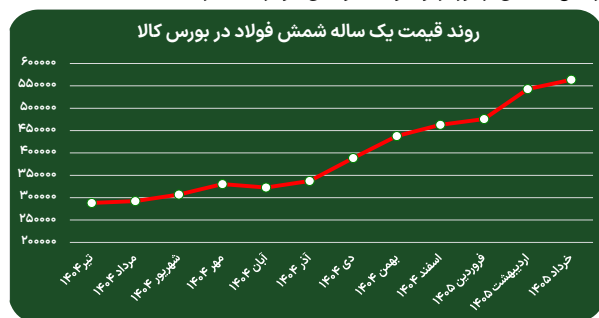
محدودیت تولید افزایش پیدا کند. این موضوع به ویژه در ماههایی که صنعت فولاد با محدودیت انرژی یا کاهش ظرفیت تولید روبه رو بود، اثر خود را بر روند معاملات گذاشت.

رفتار تقاضا

رفتار خریداران در سال گذشته یکنواخت نبود. در مهر، آبان و اردیبهشت، نسبت تقاضا به عرضه از دو برابر عبور کرد که نشان دهنده افزایش رقابت برای خرید شمش بود. در مقابل، بهمن و اسفند با وجود رشد قیمت، نسبت تقاضا به عرضه کاهش یافت. این رفتار نشان می دهد بخشی از مصرف کنندگان در قیمت های بالاتر، رویکرد محتاطانه تری در پیش گرفتند؛ با این حال، بازار همچنان روند افزایشی خود را حفظ کرد.

ارزش معاملات

افزایش قیمت ها باعث شد ارزش معاملات نیز در طول سال رشد قابل توجهی داشته باشد. بیشترین ارزش معاملات در اردیبهشت ۱۴۰۵ ثبت شد؛ جایی که گردش مالی معاملات به بیش از ۳۴۰ هزار میلیارد ریال رسید. رشد همزمان قیمت و حفظ حجم معاملات، بیانگر آن است که بازار شمش فولاد همچنان از عمق مناسبی برخوردار بوده و نقدشوندگی خود را حفظ کرده است.



صنعت و معدن

پشتوانه تاب‌آوری اقتصاد ایران

علیرضا رحیم

مدیرعامل شرکت فولاد هرمزگان



فشارهای اقتصادی بر مردم و جلوگیری از افزایش هزینه‌ها برای مصرف‌کنندگان نهایی است، این هدف بدون حمایت عملی از تولید محقق نخواهد شد. کاهش موانع تولید، ثبات در سیاست‌گذاری‌ها، تسهیل فرآیندهای اداری، حمایت از سرمایه‌گذاری و تقویت زیرساخت‌های تولید، از جمله اقداماتی است که می‌تواند مسیر فعالیت صنایع را هموارتر کند.

در این میان، تأمین پایدار انرژی برای صنایع، به‌ویژه صنعت فولاد، ضرورتی انکارناپذیر است. تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که محدودیت در تأمین برق و گاز، علاوه بر کاهش تولید، هزینه‌های سنگینی را به صنایع تحمیل کرده و بر رقابت‌پذیری آن‌ها اثر گذاشته است. انتظار می‌رود با توجه به نقش راهبردی صنعت فولاد در اقتصاد کشور، سیاست‌های حوزه انرژی با نگاهی حمایتی و بلندمدت تدوین شود تا واحدهای تولیدی بتوانند با اطمینان بیشتری برای تولید، توسعه و سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی کنند.

از سوی دیگر، توسعه صادرات و حضور مؤثر در بازارهای بین‌المللی، نیازمند ثبات در سیاست‌های اقتصادی، تسهیل فرآیندهای تجاری، توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش تولید است. صنعت فولاد طی سال‌های گذشته سهم قابل توجهی در ارزآوری غیرنفتی کشور داشته و حفظ و تقویت این جایگاه، مستلزم ایجاد محیطی رقابتی و پایدار برای فعالیت تولیدکنندگان است. هر اندازه موانع پیش روی صادرات کاهش یابد، فرصت‌های بیشتری برای توسعه تولید، ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی کشور فراهم خواهد شد.

حمایت از صنعت فولاد، حمایت از یک بنگاه یا یک صنعت خاص نیست؛ بلکه حمایت از زنجیره گسترده‌ای از صنایع پایین‌دستی، حفظ اشتغال، توسعه صادرات، ارزآوری و در نهایت حمایت از اقتصاد ملی است. هر اقدامی که به کاهش هزینه‌های تولید و رفع موانع فعالیت صنایع بینجامد، زمینه را برای کنترل بهتر قیمت‌ها و کاهش فشار بر مصرف‌کنندگان نیز فراهم خواهد کرد.

فولاد هرمزگان نیز همچنان خود را متعهد می‌داند که با تکیه بر توان متخصصان ایرانی، توسعه فناوری، ارتقای بهره‌وری، تولید پایدار و خلق ارزش، نقش خود را در مسیر رشد اقتصادی و توسعه صنعتی کشور با قوت ادامه دهد. عبور از شرایط کنونی، بیش از هر چیز، نیازمند هم‌افزایی میان دولت، صنعت و بخش خصوصی و اتخاذ تصمیم‌هایی است که تولید را به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه اقتصاد کشور تقویت کند.

روز صنعت و معدن را به همه صنعتگران، معدن‌کاران، مهندسان، کارگران و فعالان عرصه تولید کشور، به‌ویژه خانواده بزرگ فولاد هرمزگان، صمیمانه تبریک می‌گوییم و امیدواریم با حمایت مؤثر از تولید، رفع موانع پیش روی صنعت و بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های ملی، شاهد رونق هرچه بیشتر صنعت و معدن، توسعه صادرات، افزایش سرمایه‌گذاری و شکوفایی اقتصاد ایران باشیم.



صنعت و معدن، از مهم‌ترین ارکان توسعه اقتصادی هر کشور به شمار می‌روند. رشد تولید، ایجاد اشتغال، توسعه زیرساخت‌ها، افزایش صادرات و خلق ارزش افزوده، همگی بر پایه ظرفیت‌هایی شکل می‌گیرند که در این دو بخش نهفته است.

ایران نیز با برخورداری از ذخایر غنی معدنی، موقعیت راهبردی و سرمایه انسانی متخصص، از ظرفیت کم‌نظیری برای توسعه صنعتی و اقتصادی برخوردار است؛ ظرفیتی که با برنامه‌ریزی صحیح، سرمایه‌گذاری هدفمند و حمایت از تولید می‌تواند نقش مؤثرتری در آینده اقتصاد کشور ایفا کند.

امروز، در شرایطی که اقتصاد جهانی با تحولات سریع، رقابت فشرده و چالش‌های ناشی از تحولات سیاسی و ژئوپلیتیکی مواجه است، توسعه صنعتی بیش از هر زمان دیگری به‌عنوان یکی از پایه‌های اقتدار اقتصادی کشورها شناخته می‌شود. در چنین فضایی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های بخش صنعت و معدن، علاوه بر افزایش تولید و اشتغال، می‌تواند زمینه‌ساز کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، توسعه صادرات غیرنفتی و افزایش تاب‌آوری اقتصاد ملی در برابر شوک‌های بیرونی باشد.

در این زنجیره، صنعت فولاد جایگاهی ویژه دارد. فولاد، پیشران بسیاری از صنایع کشور است و رونق آن، به معنای تحرک در بخش‌های مختلف اقتصاد، از ساخت‌وساز و حمل‌ونقل گرفته تا انرژی، صنایع دریایی، نفت و گاز و ده‌ها حوزه دیگر است. از همین رو، پایداری تولید در صنعت فولاد، صرفاً یک موضوع صنعتی نیست، بلکه بخشی از امنیت و ثبات اقتصادی کشور محسوب می‌شود.

شرکت فولاد هرمزگان نیز با اتکا به دانش متخصصان ایرانی، سرمایه انسانی متعهد و رویکرد توسعه‌محور، تلاش کرده است نقش مؤثری در تکمیل زنجیره ارزش فولاد، تأمین نیازهای کشور، توسعه صادرات، بومی‌سازی فناوری و ارتقای بهره‌وری ایفا کند. دستاوردهای این شرکت در سال‌های گذشته، حاصل تلاش کارکنانی است که در سخت‌ترین شرایط نیز تولید را اولویت خود دانسته‌اند.

بی‌تردید آینده صنعت فولاد در گرو حرکت به سمت فناوری‌های نوین، توسعه محصولات با ارزش افزوده بیشتر، افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از منابع است. در همین راستا، فولاد هرمزگان نیز تلاش کرده است همزمان با اجرای طرح‌های توسعه‌ای، ارتقای کیفیت محصولات، بومی‌سازی دانش فنی و توجه به مسئولیت‌های اجتماعی، مسیر توسعه پایدار را دنبال کرده و سهم خود را در رشد صنعتی و اقتصادی کشور افزایش دهد.

روز صنعت و معدن امسال در حالی فرا رسیده است که بخش صنعت و معدن، به‌ویژه صنعت فولاد، یکی از دشوارترین دوره‌های فعالیت خود را تجربه می‌کند. جنگ تحمیلی اخیر، در کنار پیامدهای اقتصادی آن، زنجیره تأمین، حمل‌ونقل، بازارها و روند تولید را نیز تحت تأثیر قرار داد. همزمان، محدودیت‌های انرژی، افزایش هزینه‌های تولید و برخی موانع اجرایی، فشار مضاعفی بر واحدهای صنعتی وارد کرده است.

با وجود این شرایط، صنایع کشور با تکیه بر تجربه، تخصص و تعهد کارکنان خود، اجازه ندادند چرخه تولید از حرکت بازایستد. استمرار تولید در چنین شرایطی، تنها یک دستاورد اقتصادی نیست؛ بلکه نشان‌دهنده مسئولیت‌پذیری صنعت در قبال اقتصاد کشور، حفظ اشتغال و تأمین نیازهای جامعه است. تجربه این روزها بار دیگر نشان داد که توان متخصصان ایرانی، مهم‌ترین سرمایه صنعت کشور در عبور از شرایط دشوار و حفظ پایداری تولید است.

اکنون که کشور در مسیر عبور از پیامدهای جنگ و بازگشت به شرایط پایدار قرار دارد، حمایت مؤثر از بخش تولید بیش از گذشته اهمیت پیدا کرده است. اگر هدف، کاهش

مدیر عامل فولاد سنگان تاکید کرد:

بهره‌وری؛ مرز رقابت فولاد



صنعت فولاد ایران در سال‌های اخیر، هم‌زمان با ناترازی انرژی، محدودیت‌های صادراتی، نوسانات بازارهای جهانی، تنش‌های ژئوپلیتیکی و افزایش هزینه‌های تولید، یکی از پیچیده‌ترین دوره‌های فعالیت خود را پشت سر گذاشته است. در چنین شرایطی، موفقیت شرکت‌های فولادی دیگر تنها با میزان تولید یا ظرفیت اسمی سنجیده نمی‌شود، بلکه توانایی آن‌ها در مدیریت ریسک، حفظ مزیت رقابتی، ایجاد ارزش برای ذی‌نفعان و تداوم تولید پایدار به شاخص‌های اصلی عملکرد تبدیل شده است. علی‌رَسُولیان، مدیرعامل فولاد سنگان، در این گفت‌وگو از تغییر نگاه این شرکت به مفهوم موفقیت، راهکارهای عبور از چالش‌های انرژی، برنامه‌های توسعه‌ای و چشم‌انداز آینده صنعت فولاد سخن می‌گوید و معتقد است آینده این صنعت بیش از هر زمان دیگری به بهره‌وری، فناوری و تصمیم‌های کلان اقتصادی وابسته است.

اقتصادی خارج است و نیازمند برنامه‌ریزی ملی، سرمایه‌گذاری گسترده و سیاست‌گذاری بلندمدت است.

صنعت فولاد ایران در دو سال گذشته علاوه بر ناترازی انرژی، با پیامدهای تنش‌های منطقه‌ای، اختلال در زنجیره تأمین، محدودیت‌های صادراتی و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری نیز مواجه بوده است.

فولاد سنگان در چنین فضایی چه راهبردی را برای حفظ مزیت رقابتی و تداوم توسعه دنبال کرده و از نگاه شما، مهم‌ترین اولویت صنعت فولاد برای عبور از این شرایط چیست؟

در چنین شرایطی، مهم‌ترین راهبرد ما مدیریت ریسک و افزایش تاب‌آوری بوده است. در حوزه تأمین تجهیزات و قطعات، تلاش کردیم اقدام راهبردی را زودتر تهیه کنیم و مسیرهای متنوعی برای واردات در نظر بگیریم تا در صورت بروز بحران، روند تولید متوقف نشود.

در حوزه صادرات نیز روش‌های فروش را متنوع کردیم. بخشی از محصولات در بنادر دیو می‌شود تا در زمان مناسب صادر شود و هم‌زمان شبکه‌ای از مشتریان مطمئن ایجاد کرده ایم تا حتی در شرایط سخت نیز جریان فروش و صادرات حفظ شود. همچنین روش‌های تأمین مالی را متناسب با شرایط جدید اصلاح کرده‌ایم تا فشارهای ناشی از محدودیت‌های صادراتی بر عملکرد شرکت به حداقل برسد. اما معتقدم آینده صنعت فولاد بیش از هر چیز به افزایش بهره‌وری وابسته است. امروز حاشیه سود صنعت فولاد در حال کاهش است و چشم‌انداز بازار جهانی نیز چندان امیدوارکننده نیست. سیاست‌های تولید در چین به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده فولاد جهان، نشان می‌دهد که شرکت‌های فولادی باید خود را برای رقابت سخت‌تری آماده کنند.

در چنین فضایی، تنها شرکت‌هایی موفق خواهند بود که هزینه‌های تولید را کاهش دهند، فرآیندهای خود را اصلاح کنند و از فناوری‌های نوین، تحول دیجیتال و هوش مصنوعی برای افزایش بهره‌وری استفاده کنند. بدون این رویکرد، رقابت در بازارهای جهانی روزبه‌روز دشوارتر خواهد شد. در کنار بهره‌وری، مدیریت ریسک نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ از ریسک تأمین سنگ آهن و انرژی گرفته تا حمل‌ونقل، تأمین مالی و محدودیت‌های صادراتی که همگی باید در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی لحاظ شوند. یکی دیگر از دغدغه‌های جدی ما در منطقه سنگان، کاهش استخراج سنگ آهن در معادن منطقه است. این مساله طی یک سال گذشته فشار قابل توجهی بر شرکت‌های فولادی وارد کرده است. به اعتقاد من، اگر امکان واگذاری عملیات استخراج به شرکت‌های بهره‌بردار فراهم شود، همانند تجربه موفق برخی شرکت‌های بزرگ معدنی، می‌توان پایداری بیشتری در تأمین مواد اولیه ایجاد کرد و بهره‌وری معادن را نیز افزایش داد.

در نهایت باید تاکید کنم که آینده صنعت فولاد تنها با تلاش شرکت‌ها تضمین نمی‌شود. حل چالش‌هایی مانند انرژی، حمل‌ونقل، تأمین مواد اولیه، ثبات مقررات و توسعه زیرساخت‌ها نیازمند تصمیم‌های ملی و هماهنگی میان دولت و بخش خصوصی است. صنعت فولاد یکی از پیشران‌های اصلی اقتصاد کشور است و حفظ جایگاه آن، مستلزم نگاهی راهبردی و بلندمدت به مسائل این صنعت خواهد بود.

در شرایطی که موفقیت شرکت‌های فولادی معمولاً با شاخص‌هایی مانند ظرفیت و میزان تولید سنجیده می‌شود، اگر قرار باشد پنج سال آینده فولاد سنگان را با یک شاخص غیرتولیدی ارزیابی کنند، ترجیح می‌دهید آن شاخص چه باشد و چرا؟

امروز دیگر شاخص‌های تولید، مهم‌ترین معیار ارزیابی شرکت‌های فولادی نیستند. گذشته معمولاً میزان تولید، ظرفیت اسمی یا رکورد‌های تولیدی ملاک موفقیت یک شرکت محسوب می‌شد، اما امروز شرایط تغییر کرده است. آنچه برای ما اهمیت بیشتری دارد، خلق ارزش مشترک برای ذی‌نفعان است؛ یعنی منافعی که برای فولاد سنگان ایجاد می‌شود، هم‌زمان برای مشتریان، تأمین‌کنندگان، سهامداران و سایر شرکای تجاری نیز شکل بگیرد.

این ارزش آفرینی تنها در افزایش فروش یا درآمد خلاصه نمی‌شود. کیفیت محصول، تحویل به‌موقع، پایبندی به تعهدات، ایجاد اعتماد متقابل و حفظ روابط بلندمدت با مشتریان، مهم‌ترین شاخص‌هایی هستند که آینده یک بنگاه اقتصادی را تضمین می‌کنند. امروز بسیاری از مشتریان داخلی و خارجی محصولات فولاد سنگان را صرفاً به دلیل قیمت انتخاب نمی‌کنند، بلکه به این دلیل به ما اعتماد دارند که می‌دانند محصول با کیفیت مورد انتظار و در زمان تعیین‌شده تحویل خواهد شد.

رسیدن به چنین جایگاهی آسان نبوده است. برای حفظ این اعتبار، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در حوزه کیفیت، لجستیک، کنترل فرآیندها و مدیریت زنجیره تأمین انجام داده‌ایم. اگر پنج سال دیگر قرار باشد فولاد سنگان را با یک شاخص ارزیابی کنند، ترجیح می‌دهم آن شاخص «اعتماد و ارزش آفرینی برای ذی‌نفعان» باشد، نه صرفاً میزان تولید یا رکورد‌های کمی.

اگر این فرصت را داشته باشید که تنها یک مانع ساختاری پیش روی صنعت فولاد ایران را برای همیشه برطرف کنید، آن مانع چیست و رفع آن چه تغییری در آینده این صنعت ایجاد خواهد کرد؟

بدون تردید مهم‌ترین مانع، ناترازی انرژی است. این مساله هر سال ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند و برنامه‌ریزی تولید را برای شرکت‌های فولادی دشوارتر می‌سازد. البته بی‌ثباتی بازار و تغییرات مداوم شرایط اقتصادی نیز از دیگر مشکلات صنعت هستند، اما اگر قرار باشد تنها یک مانع را انتخاب کنم، ناترازی انرژی مهم‌ترین چالش صنعت فولاد است. سال گذشته فولاد سنگان حدود ۴۵ روز با قطعی گاز مواجه شد و این موضوع آثار مستقیمی بر روند تولید گذاشت. با این حال، تلاش کردیم به جای انتظار برای حل مشکلات، بخشی از ریسک را خودمان مدیریت کنیم.

در حوزه آب، خط انتقال جدید ایجاد کرده‌ایم و منابع تأمین آب را متنوع ساخته‌ایم تا امنیت بیشتری در تأمین این منبع حیاتی ایجاد شود. در بخش برق نیز سرمایه‌گذاری در نیروگاه بادی را آغاز کرده‌ایم و امیدواریم ظرف دو سال آینده بتوانیم برق پاک و پایداری بیش از نیاز شرکت تولید کنیم.

در حوزه گاز نیز با مشارکت در طرح‌های صرفه‌جویی وزارت نفت، سرمایه‌گذاری قابل توجهی انجام داده‌ایم و حتی بخشی از نیاز خود را از طریق اوراق صرفه‌جویی انرژی تأمین کرده‌ایم. با این حال، واقعیت این است که حل ریشه‌ای ناترازی انرژی از توان یک بنگاه

آینده صنعت فولاد
به بهره‌وری، فناوری
و تصمیم‌های کلان
اقتصادی وابسته است.

توسعه فولاد خراسان در سایه ناترازی



محمدرضا سجادیان، مدیرعامل فولاد خراسان با تشریح مهم‌ترین دستاوردها و برنامه‌های این شرکت، از تداوم مسیر توسعه در کنار حفظ جایگاه صادراتی، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی و توسعه فناوری خبر داد و تأکید کرد: اگرچه ناترازی برق امروز بزرگ‌ترین چالش صنعت فولاد است، اما فولاد خراسان با تکمیل زنجیره ارزش و حرکت به سمت خودتأمینی انرژی، برنامه رشد خود را با جدیت دنبال می‌کند.

یک دهه حضور در جمع صادرکنندگان برتر

محمدرضا سجادیان، مدیرعامل فولاد خراسان، با اشاره به موفقیت‌های این شرکت در حوزه صادرات، گفت: فولاد خراسان برای دهمین سال متوالی عنوان صادرکننده برتر استان خراسان رضوی را به دست آورده که نشان‌دهنده حفظ جایگاه این مجموعه در بازارهای صادراتی، حتی در شرایط دشوار اقتصادی و محدودیت‌های تولید است.

وی افزود: علاوه بر این موفقیت، فولاد خراسان موفق به دریافت ۳۸ گواهینامه مدیریتی و کسب رتبه ۷۶ جایزه ملی تعالی سازمانی شده که بیانگر حرکت همزمان شرکت در مسیر ارتقای کیفیت، نظام‌های مدیریتی و بهبود عملکرد سازمانی است.

حفظ سودآوری در سال افزایش هزینه‌ها

سجادیان با اشاره به عملکرد مالی سال ۱۴۰۴ اظهار کرد: درآمدهای عملیاتی فولاد خراسان نسبت به سال قبل ۲۱ درصد افزایش یافت و از مرز ۳۲ همت عبور کرد.

وی ادامه داد: این رشد در شرایطی محقق شد که هزینه برق بیش از ۱۰۳ درصد، گاز ۸۰ درصد، حمل‌ونقل بیش از ۶۲ درصد و قیمت مواد اولیه نیز افزایش قابل توجهی داشت، اما با مدیریت هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری و برنامه‌ریزی دقیق توانستیم سودآوری شرکت را حفظ کنیم. به گفته مدیرعامل فولاد خراسان، سود خالص شرکت در پایان سال مالی به بیش از ۳۳ هزار میلیارد ریال رسید و حاشیه سود نیز در سطح مطلوب حفظ شد.

توسعه؛ مهم‌ترین اولویت فولاد خراسان

مدیرعامل فولاد خراسان، تکمیل زنجیره ارزش را مهم‌ترین راهبرد توسعه‌ای این شرکت عنوان کرد و گفت: پروژه کنسانتره سنگان مهم‌ترین طرح راهبردی فولاد خراسان است و در کنار آن پروژه فولاد شرق خراسان نیز با پیشرفت مطلوب در حال اجراست. وی همچنین از آغاز عملیات اجرایی نیروگاه خورشیدی ۶۰ مگاواتی به عنوان نخستین فاز نیروگاه ۲۴۰ مگاواتی خبر داد و افزود: هدف ما این است که بخشی از برق مورد نیاز مجتمع را از طریق تولید داخلی تأمین کنیم تا وابستگی به شبکه سراسری کاهش یابد.

سرمایه‌گذاری بر دانش و فناوری

سجادیان توسعه فناوری را یکی از پایه‌های اصلی رقابت‌پذیری فولاد خراسان دانست و گفت: طی سال گذشته ۹ قرارداد پژوهشی منعقد شد و همکاری با دانشگاه‌ها، پارک علم و فناوری و مراکز تحقیقاتی گسترش یافت.

وی افزود: این اقدامات علاوه بر ارتقای دانش فنی شرکت، موجب بهره‌مندی فولاد خراسان از معافیت‌های مالیاتی و توسعه ظرفیت‌های نوآوری شده است.

مسئولیت اجتماعی؛ بخشی از راهبرد توسعه

مدیرعامل فولاد خراسان با اشاره به فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی این شرکت گفت: پروژه انتقال پساب نیشابور، احداث مجموعه ایثار و شهادت، ساخت استخر دانش‌آموزی و مشارکت در اجرای کمربند سبز نیشابور از مهم‌ترین طرح‌هایی است که در کنار فعالیت‌های صنعتی دنبال می‌شود.

وی تأکید کرد: توسعه صنعتی زمانی پایدار خواهد بود که همزمان با رشد تولید، توسعه اجتماعی و زیست‌محیطی نیز مورد توجه قرار گیرد.

ناترازی برق؛ چالش اصلی صنعت فولاد

سجادیان مهم‌ترین مانع پیش روی صنعت فولاد را ناترازی انرژی دانست و اظهار کرد: محدودیت‌های تأمین برق، مستقیماً بر ظرفیت تولید اثر می‌گذارد و هر ساعت قطعی برق به معنای کاهش تولید و عقب افتادن برنامه‌های عملیاتی است.

وی افزود: با وجود همکاری مسئولان برای مدیریت شرایط، راهکار اساسی، توسعه زیرساخت‌های تولید انرژی توسط صنایع است و فولاد خراسان نیز با همین رویکرد، اجرای پروژه نیروگاه خورشیدی را در اولویت قرار داده است.

چشم‌انداز؛ ادامه مسیر رشد

مدیرعامل فولاد خراسان در پایان با تأکید بر اینکه برنامه‌های توسعه‌ای شرکت بدون وقفه ادامه خواهد یافت، گفت: تکمیل زنجیره ارزش، توسعه زیرساخت‌های انرژی، افزایش بهره‌وری، گسترش صادرات و سرمایه‌گذاری در فناوری، مهم‌ترین محورهای برنامه فولاد خراسان در سال‌های آینده خواهد بود.

وی خاطرنشان کرد: با وجود همه محدودیت‌ها، فولاد خراسان تلاش می‌کند جایگاه خود را به عنوان یکی از شرکت‌های پیشرو صنعت فولاد کشور حفظ کرده و نقش پررنگ‌تری در تولید، صادرات و توسعه صنعتی ایران ایفا کند.



فولاد خراسان با تکمیل زنجیره ارزش و حرکت به سمت خودتأمینی انرژی، برنامه رشد خود را با جدیت دنبال می‌کند

چشم‌انداز فولاد خراسان: تکمیل زنجیره ارزش، توسعه زیرساخت‌های انرژی، افزایش بهره‌وری، گسترش صادرات و سرمایه‌گذاری در فناوری

طی ۹ ماهه اخیر با کاهش در مصرف انرژی حاصل شد؛ رشد ۴۹۶ درصدی تولید شمش فولاد در غدیر نی ریز

۱۴۰۳-۱۴۰۴ با کاهش ۴۷ درصدی همراه شده و توانسته با بهینه سازی مصرف انرژی، بالاترین میزان بهره‌وری را نیز داشته باشد. (از ۱,۹۶۴ کیلووات بر تن به ۱,۰۲۳ کیلووات بر تن رسیده و دلیل بالا بودن میزان مصرف در سال گذشته پایین بودن میزان تناژ تولید بوده است.)

■ رکورد کاهش ۸۹۴ درصدی مصرف گاز در فولاد سازی

در کنار آب و برق که جزو مهم‌ترین ارکان تولید در فولاد سازی به شمار می آیند، گاز نیز همین منوال را دارد و معمولاً با آغاز فصل سرما، شاهد محدودیت‌های شدید انرژی برای واحدهای فولادسازی هستیم. در این راستا می بینیم که فولاد غدیر نی ریز طی ۹ ماهه سال مالی جاری توانسته میزان مصرف گاز را به مقدار ۸۹۴ درصد کاهش دهد که رکوردی شگفت انگیز در صنعت فولادسازی است. اینکه در مدت مشابه سال مالی گذشته میزان مصرف گاز برابر با ۸۳۱۳ نفرمال بر مترمکعب بوده و امسال به ۸/۷۹ نفرمال بر مترمکعب رسیده نشان دهنده یک برنامه ریزی دقیق و استراتژیک از سوی مدیریت مجموعه است. لازم به ذکر است که دلیل بالا بودن نرخ میزان مصرف در دوره مشابه ثابت بودن مصرف گاز و پایین بودن تناژ تولید بوده است.

■ نگاهی بر فعالیت ۹ ماهه واحد احیا مستقیم فولاد غدیر نی ریز

فولاد غدیر نی ریز در مدت ۹ ماهه سال مالی جاری، در واحد احیای مستقیم نیز شاهد رشد تولید آهن اسفنجی نیز بوده و ۶۲۵ هزار و ۳۲ تن از این محصول تولید کرده که در مقایسه با مدت مشابه سال مالی گذشته که عدد ۵۱۰ هزار و ۸۷۰ تن بوده، رشد ۲۲/۳۵ درصدی تولید را به ثبت رسانده است.

لازم به ذکر است که بیشترین میانگین نرخ تولید ماهیانه ۱۴۰۴-۱۴۰۳ در فروردین ماه ۱۴۰۴ و به میزان ۱۱۱/۳۶ تن بر ساعت بوده و بیشترین میانگین نرخ تولید ماهیانه در ۱۴۰۵-۱۴۰۴ در بهمن ماه ۱۴۰۴ به مقدار ۱۱۳/۴۰ تن بر ساعت بوده و در نهایت می توان گفت که شاهد افزایش میانگین ریت تولید ۱۶/۲۲ درصدی نسبت به سال مالی قبل را شاهد بودیم. در کنار مبحث تولید، واحد احیای مستقیم شرکت فولاد غدیر نی ریز در بخش مصرف آب نیز کاهش میانگین مصرف ۵/۶۲ درصدی بر هرتن نسبت به سال مالی قبل را به ثبت رسانده و رقم آن از استاندارد تعریف شده در صنعت فولاد نیز کمتر بوده است. (در ۹ ماهه ۱۴۰۳-۱۴۰۴ مقدار مصرف ۸/۲۰۳ مترمکعب بر تن بوده و در سال مالی جاری این عدد به ۷/۸۳۶ مترمکعب بر تن رسیده است)

در مصرف برق نیز که استاندارد تعریف شده برای هرتن فولاد ۱۱۵ کیلووات بر ساعت بوده، در واحد احیای مستقیم فولاد غدیر نی ریز این عدد ۵/۱۶ کیلووات ساعت بر مترمکعب بوده و کاهش ۸/۴۲ درصدی نسبت به مدت مشابه سال مالی قبل به ثبت رسانده است. همچنین مصرف گاز در این واحد برای سال مالی جاری کاهش ۵/۹۶ درصدی را نسبت به مدت مشابه به ثبت رسانده است. این در حالی است که مقدار مصرف استاندارد برای هرتن فولاد برابر با ۲۹۰ مترمکعب بر هرتن بوده و این عدد در ۹ ماهه امسال به مقدار ۲۷۱/۹۰ مترمکعب بر تن به ثبت رسیده است.



شرکت فولاد غدیر نی ریز که امروز به عنوان یکی از تولیدکنندگان برتر در حوزه تولید محصول با کیفیت و فروش محصول فولادی در کشور شناخته شده، در مدت ۹ ماهه سال مالی خود (مهر ۱۴۰۴ تا خرداد ۱۴۰۵) عملکرد قابل قبولی داشته و طی این مدت توانسته است رکوردهای قابل قبولی را به ثبت برساند.

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل فولاد غدیر نی ریز، این مجموعه فولادی طی دوره ۹ ماهه فعالیت خود، توانسته است شمش فولادی به میزان ۴۸۶ هزار و ۵۶۶ تن تولید کند که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته یعنی مهر ۱۴۰۳ تا خرداد ۱۴۰۴ (۸۱ هزار و ۶۸۹ تن بوده) شاهد رشد ۴۹۶ درصدی تولید هستیم که نشان از تحول عظیم و تدوین استراتژی‌های قدرتمند در این مجموعه فولادی دارد که توسط مدیریت ارشد این مجموعه فولادی تدوین شده است. این افزایش تولید در حالی رقم خورده است که در سال مالی جدید شرایط خاص و ویژه‌ای بر کشور حاکم بوده است؛ تحمیل ۲ جنگ بر کشور از سوی استکبار جهانی و از طرف دیگر رکود در بازار و ناترازی و بحران انرژی برای صنایع فولادی در مجموع تولید بسیاری از فولادسازان را تحت الشعاع خود قرار داد با این وجود تلاش‌های مستمر سرمایه‌های انسانی فولاد غدیر نی ریز و مدیریت هوشمند آن سبب شد تا کمترین آسیب بر روند تولید این مجموعه فولادی برسد.

■ ثبت رکوردهای ماهیانه در فولاد سازی

با نگاهی بر عملکرد فولادسازی، از جمله رکوردهای مهم ثبت شده می توان به ثبت رکوردهای ماهیانه تولید طی ماه‌های متوالی اشاره کرد که بالاترین مقدار ثبت شده در تولید شمش نیز مربوط به اردیبهشت ۱۴۰۵ با عدد ۶۲ هزار و ۱۸۳ تن است. در بخش ذوب نیز رکوردهای قابل توجهی به ثبت رسیده که می توان به ۱۶ ذوب در یک سکونتنس طی اردیبهشت ۱۴۰۵ اشاره داشت. طی خرداد امسال در بخش نسوز نیز شاهد ثبت رکورد و افزایش عمر نسوز بودیم و ۱۰ ذوب در پاتیل شماره ۵ انجام شده است. رکورد در مصرف مواد اولیه همچون انواع فروآلیاژها، الکترو گرافیتی، مواد نسوز و... در ۹ ماهه سال مالی جاری به ثبت رسیده‌اند.

■ ثبت رکورد حمل و نقل شمش در یک روز

در کنار تمامی موارد یاد شده، باید به ثبت رکورد در بخش حمل و نقل نیز اشاره کرد که امروز دغدغه مهم بسیاری از فولادسازان است. در این راستا می بینیم طی خرداد ۱۴۰۵ رکورد حمل شمش آن هم در یک روز به میزان ۴۶۱۲ تن به ثبت رسیده که رکوردی قابل قبول در این بخش به حساب می آید.

■ کاهش ۳۸ درصدی مصرف آب در فولاد سازی

یکی از موضوعات مهم و چالش برانگیز در صنعت فولاد کشور، مدیریت و بهینه سازی مصرف آب است؛ چراکه همچون بحران انرژی، کشور درگیر کم آبی نیز بوده و همین امر موجب شده تا صنایع فولادی تدبیری برای این موضوع بیاندیشند. در این میان شرکت فولاد غدیر نی ریز با در نظر گرفتن این موضوع و تغییر در استراتژی تعریف شده، موفق شد در مدت ۹ ماهه سال مالی جاری، مصرف آب برای هرتن را به میزان ۳۸ درصد کاهش دهد. به این شکل که برای هرتن فولاد ۵/۵۸ مترمکعب آب مصرف کند. این درحالیست در مدت مشابه سال گذشته مقدار مصرف ۹/۹۴ مترمکعب برای هرتن بوده و دلیل اصلی آن ثابت بودن مصرف آب و پایین بودن میزان تناژ تولید است.

■ صرفه جویی ۴۷ درصدی مصرف برق در فولاد سازی

همانگونه که پیش تر اشاره شد، ناترازی انرژی هم یکی از مهم‌ترین مسائل امروز صنایع فولادی است. در این میان می بینیم که شرکت فولاد غدیر نی ریز در مدت ۹ ماهه سال جاری خود با برنامه ریزی و تدوین استراتژی توانسته است با این مساله را نیز با موفق رفع کند؛ چراکه می بینیم میزان مصرف برق در واحد فولادسازی نسبت به دوره مشابه سال



برگزار کننده:



بیست و سومین نمایشگاه بین المللی متالورژی

ایران متافو

The 23th INTERNATIONAL EXHIBITION OF
IRAN METAFO

STEEL EXPO | NONFERROUS EXPO | THERMEXPO | MINEXPO

فولاد - صنایع معدنی - فلزات غیرآهنی (مس، آلومینیوم، روی و ...)
ریخته گری - لوله و پروفیل - قالب سازی - ماشین کاری - آهنگری
نسوزها - فروآپازها - کوره های صنعتی و عملیات حرارتی

۲۶ الی ۲۹ آبان ۱۴۰۵

محل دائمی نمایشگاه های بین المللی تهران

Tehran International Permanent Fairground

17 - 20 Nov, 2026



نوآوری و فناوری های
پیشرفته متالورژی



تجهیزات و ماشین آلات
پیشرفته صنعتی



فرصت های همکاری
در بازارهای جهانی

تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۲۰۳۰۲۰



www.iranmetafo.com



sales@iranmetafo.com

صبا انرژی؛ همگام با بازنشستگان
شفاف و پیشرو در ارزش آفرینی پایدار

۲۸

سی و هشتمین سالروز تأسیس
گروه سرمایه گذاری صندوق بازنشستی کشوری
گرامی باد



صبا انرژی

گروه سرمایه گذاری صندوق بازنشستی کشوری

METALEXPO

8th INTERNATIONAL STEEL PRODUCTS & PRODUCTION TECHNOLOGIES FAIR

هشتمین نمایشگاه بین المللی محصولات و فناوری های تولید آهن و فولاد

۲۵ الی ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ | استانبول - ترکیه

16-18 September 2026

ISTANBUL EXPO CENTER

Hall 4,5,6,7,8

فراخوان شرکت در نمایشگاه بین المللی متال اکسپوی استانبول ۲۰۲۶

جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر با شماره ذیل تماس حاصل فرمائید

۰۹۱۲۰۷۲۰۸۴۹ - ۰۹۱۲۲۳۹۶۱۷۵

Sangan steel mineral industry Co.

تولید کننده گندله و کنسانتره
با ظرفیت مجموعاً ۱۰ میلیون تن در سال

روابط عمومی شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان

تهران: میدان آرژانتین، خیابان الوند، خیابان سی و یکم، بعد از تقاطع زاگرس، پلاک ۱۳
کدپستی: ۱۵۱۶۶۵۷۱۱۶
تلفن: ۸۸۶۴۱۳۴۹ - ۸۸۶۴۱۳۵۰
کارخانه: تلفن: ۵۴۲۳۱۹۲۷ - ۵۴۲۳۱۹۲۸
مشهد: تلفن: ۳۷۶۶۲۵۴۶ - ۳۷۶۶۴۴۰۲
نمابر: ۵۴۲۳۱۹۲۸ - ۵۴۲۳۱۹۲۷

www.sanganco.ir | admin@sanganco.ir | sanganfoolad | fooladsangan_smic



KMC SR6

کی ایم سی اس آر ۶



گهر زمین؛ از ژرفای زمین تا بلندای افتخار

۱۰ تیرماه

روز صنعت و معدن

رابطه تمامی صنعتگران، معدنکاران و فعالان عرصه تولید و توسعه اقتصادی کشور
تبریک و تهنیت عرض می نمایم



توسعه صنعتی
Industrial Development



ارزش آفرینی پایدار
Value Creation



مسئولیت اجتماعی
Social Responsibility



نگاه جهانی
Global Vision